

نبرد خلق

کارگران همه ی
کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی

این نمایش از آن مردم نیست

۱- قرار است روز ۲۲ خرداد امسال یک نمایش انتخاباتی در ولایت خاмене ای برگزار شود. در این نمایش رئیس جمهوری اسلامی که اداره بخشی از قوه مجریه را به عهده می گیرد و سید محمد خاتمی آن را «تدارکچی» نظام و افرادی هم با صفت «ابداری» آن را توصیف می کنند، مشخص می شود.

مشخصه اصلی این نمایش شرکت بازیگرانی است که درس عوامفریبی در مقابل مردم و سرسپردگی به ولی فقیه را آموخته و در عمل و بدون هرگونه شکاف بدان پایبند هستند. از دیگر مشخصات آن رواج دروغگویی، توطئه گری و انجام تقلبهای نجومی است. این همان پدیده ایست که در دوره قبلی هاشمی رفسنجانی را مجبور کرد که به خدا پناه ببرد و با چند ساعت خواب اشیک مهدی کرویسی توازن آرا به سود محمود احمدی نژاد تغییر کرد. این وجه از نمایش به شکلی انجام می شود که معروف ترین شعبده بازان جهان توان رقابت با آن را ندارند. تفاوت ورودی و خروجی از صندوقها چه در تعداد آرا و چه در نام افراد با تمایل ولی فقیه ساماندهی می شود و البته نتیجه کلی آرا با ضریب مناسب به نحوی اعلام می شود که ولی فقیه همچون گذشته به جهانیان اعلام کند که آرای ریخته شده در صندوقها بیان کننده تأیید نظام ولایت فقیه است. روز ۲۲ اردیبهشت امسال سید علی خامنه ای در سندی گفت: «یک جمله هم در باب مسأله انتخابات بگویم، من عرض می کنم باید اصرار داشته باشید همه در انتخابات شرکت کنید، در انتخابات به نظر من مسأله اول، انتخاب این شخص یا آن شخص نیست، مسأله اول، مسأله حضور شماست، حضور شما است که نظام را تحکیم می کند، پایه های نظام را مستحکم می کند، آبروی ملت ایران را زیاد می کند، استقامت کشور را در مقابل دشمنها زیاد می کند، دشمن را از طمع ورزیدن به کشور و از فکر ضربه زدن و توسعه و فساد و فتنه منصرف می کند. این یک مسئله بسیار مهم است.»

بقیه در صفحه ۲

جنبش پر خروش کارگری در یک سال گذشته



برخی از حرکت‌های کارگری

مه ۲۰۰۸ تا مه ۲۰۰۹

در صفحه ۱۱

زنده باد اول ماه مه

روز همبستگی جهانی کارگران

بیانیه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت اول ماه مه

در صفحه ۵

«صدقه پروری»

در برابر عدالتخواهی

زینت میرهاشمی

صفحه ۷

گزارشی پیرامون راهپیمایی و

اعتصابهای کارگری

در گوشه و کنار جهان

آناهیتا اردوان

صفحه ۹

سرمقاله

تقسیم سهم با کدام ترازو؟

منصور امان
با هر روز نزدیکی هنگام برگزاری نمایش رای گیری، مسأله جایگاه پازوی نظامی رژیم جمهوری اسلامی در تعیین رییس قوه مجریه و ترکیب آن، به مرکز جدال انتخاباتی باندها و گرایشهای رقیب بیشتر سر می خورد. آقای محمد علی جعفری، سرکرده سپاه پاسداران با علنی کردن ورود منسجم ترین ماشین رای "نظام" به کشاکش، زیر این واقعیت خط تاکید کشیده است.

از رانت گیری تا کنترل رانت

محوری بودن نقش سپاه پاسداران و زیر مجموعه شبه نظامی آن (بسیج) در تعیین ساختار قدرت را فقط اعتراض و شکایت رقبایی که در لیست افراد مورد پشتیبانی آن جا نگرفته اند به نمایش گذاشته است

بقیه در صفحه ۴

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

صفحه ۱۵

تصویب قانون شریعت اسلامی،

خود زنی دولت پاکستان

جعفر پویه

صفحه ۱۷

رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

صفحه ۲۱

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

صفحه ۲۲

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی رای اکثریت شرکت کنندگان وقتی نافذ و قابل اعتبار است که این رای به وسیله ولی فقیه «تفویذ» شود و بدون این کار رای اکثریت شرکت کنندگان فاقد اعتبار است.

۲- در این نمایش همه ی ایرانیانی که ۱۸ سال تمام دارند، حتی مرده هایی که شناسنامه آنها باطل نشده باشد، می توانند در آن شرکت کنند. شناسنامه بدون صاحب که در ابعاد میلیونی در اختیار سپاه پاسداران و بسیج و عوامل ویژه ای از بیت ولی فقیه است، نقش مهمی در آرایش صحنه بازی می کنند.

در مورد تعداد واجدان شرایط رای دادن آن چه کمترین اهمیت را دارد ارایه یک آمار علمی و صدور کارت انتخاباتی برای هر شهروند ایرانی که به سن قانونی می رسد است. کامران دانشجو، رئیس ستاد انتخابات در وزارت کشور آمار واجدان شرایط رای دادن را ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار تن اعلام کرد. تعدادی از کارشناسان آمار واجدان شرایط برای رای دادن را ۵۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تن عنوان می کنند. واجدان شرایط در استان تهران را ۸ میلیون و ۷۹۶ هزار و ۴۶۳ تن اعلام کرده اند.

نکته جالب تر این است که وزارت کشور ۵۷ میلیون تعرفه انتخاباتی به چاپ رسانده است. این تفاوت ۵ میلیون در ارزیابی واجدان شرایط رای دادن و ۱۱ میلیون تعرفه مزاد بر نیاز، بیانگر عدم شفافیت و بسترسازی برای بهینه سازی نتیجه نمایش به سود کل نظام به طور عام و شخص ولی فقیه به طور خاص است.

۳- برای ثبت نام به عنوان کاندیدا باید به وزارت کشور مراجعه کرد. طی روزهای ثبت نام نتور نمایش به نحو مسخره ای داغ نشان داده می شود. افراد بسیاری برای آن که چند لحظه در تلویزیون سخنی گفته باشند در ثبت نام شرکت می کنند و البته زندان بسیاری هم هستند که برای به سخره گرفتن ولایت خامنه ای با یک کلام گزنده و در یک فرم ضد ارزشی از نگاه ولی فقیه و ایادی او و یا یک چهره درهم تکیده وارد معرکه ثبت نام می شوند.

اما بر طبق قانون اساسی در این نمایش انتخاباتی، زنان، مسلمانان اهل سنت، مسیحیان، یهودیه، زرتشتیان، بهاییها، شیعیان ۷ امامی و

بدون مذهبیها نمی توانند کاندیدا شوند. آن دسته از مسلمانان شیعه که ولایت مطلقه فقیه را قبول ندارند، حتی یک شیعه که به قانون اساسی و ولایت فقیه التزام دهد نمی تواند کاندیدا شود و باید ولایت مطلقه فقیه را قبول داشته باشد و به آن متعهد باشد. بر طبق قانون کلیه انتخاب شوندها بایستی «اعتقاد قلبی و التزام عملی به ولایت مطلقه فقیه» داشته باشند و پس از همه این شرایط تبعیض آمیز این شورای نگهبان تحت امر ولی فقیه است که باید صلاحیت آن مسلمان شیعه که «اعتقاد قلبی و التزام عملی به ولایت مطلقه فقیه» دارد را تأیید صلاحیت کند. بدین ترتیب این نمایش را می توان نمونه کاملی از تبعیض جنسی و مذهبی و علامت روشنی از تحقیر مردم ایران از جانب رژیم ولایت فقیه تعریف کرد. با وجود همه ی این قید و بند ها و تبعیض آن تعداد افراد خودی که سابقه مشارکت در حاکمیت را دارند باید قبل از اعلام کاندیداتوری خود به ملاقات ولی فقیه بروند تا خامنه ای عندالملاقات کارت سبز را به آنان نشان دهد. خامنه ای برای نشان دادن کارت زرد و یا کارت سرخ شیوه های ویژه دارد که حتما نباید رو در رو آن را آشکار کند. در مورد علت عقب نشینی سید محمد خاتمی در این دوره که خود وی آن را حضور میرحسین موسوی اعلام کرد، عبدالله رمضان زاده، قائم مقام دبیر کل جبهه مشارکت ایران اسلامی و یکی از نزدیک ترین افراد به خاتمی آن را دریافت «پیامهایی» دانست که کاندیدا شدن او را صلاح نمی دانستند. (آفتاب، ۱۳ اردیبهشت) و چه کسی نمی داند که منبع چنین پیام موثری تنها و تنها بیت ولی فقیه است.

۴- شورای نگهبان قانون اساسی روز چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۸ از میان ۴۷۵ تن که در وزارت کشور ثبت نام کرده بودند، صلاحیت ۴ تن را تأیید کرد. ۴۲ تن از ثبت نام کنندگان زن بودند و در میان ۴ نفری که تأیید صلاحیت شده اند، نام هیچ زنی وجود ندارد. شورای نگهبان اسامی این چهار نفر را چنین ردیف کرده است؛ محمود احمدی نژاد، محسن رضایی میرقائد، مهدی کروبی و میرحسین موسوی خامنه. بدین ترتیب در هر گوشه صحنه نمایش یک تن از خودیهای مورد اعتماد قرار گرفته و در مرکز این صحنه سید علی خامنه ای بازی هر یک از این چهار تن را زیر نظر دارد.

در مورد محسن رضایی نگرانی زیادی برای رقبا وجود ندارد. او می تواند نقش جوکر را داشته باشد و اگر در ارزیابی احمدی نژاد هوا نا مساعد

ارزیابی شود او می تواند به سود احمدی نژاد کناره گیری کند.

محمود احمدی نژاد یک کوتوله سیاسی و منفورترین بازیگر این نمایش است، با توسل به قدرت دولتی به شمول سپاه پاسداران، بسیج، ارگانهای علنی و مخفی امنیتی و در دست داشتن مجریان اصلی در وزارت کشور و با اتکا به ثروت از طریق هزینه کردن درآمد نفت و رواج گدا پروری با پخش پول، توزیع سیب زمینی مجانی و پرتقال اسرائیلی و البته به مدد امدادهای غیبی چشم به پیروزی دوخته است. تلاش احمدی نژاد این است که نمایش در دور اول به سرانجام برسد.

میرحسین موسوی که خود را «اصولگرای اصلاح طلب» تعریف کرده و با رنگ سبز دستان خون آلود خود را پنهان می کند سالها قبل از زبان زهر رهنورد اعلام بریدگی کرد. وی کبریت بی خطر برای ولی فقیه و یک بازیگر مناسب میان ولی فقیه و هاشمی رفسنجانی است. اصولگرایی او به همان میزان برای باند ذوب در ولایت جدید است که اصلاح طلبی او برای باند دوم خردادی. او آش کشگی است که خوردنش برای ورشکستگان دوم خردادی اجباری شده است. هدف واقعی و جدی او و مدافعانش بیرون راندن احمدی نژاد از هرم قدرت است. دار و دسته موسوی می خواهند بر موج انزجار از محمود احمدی نژاد و بدون آن که خودشان کوچکترین هزینه در مخالفت با سیاستهای کلان ولی فقیه بپردازند به قدرت برسند. همین واقعیت مماشائگران بین المللی را برای حمایت از او دچار تردید و وسواس کرده است. مضمون حرفهای او در مورد هلوکاست و سلاح اتمی تفاوتی با حرفهای محمود احمدی نژاد ندارد و البته خود او هم به خوبی می داند که آن چه احمدی نژاد بر زبان می راند همان حرفیست که از جانب ولی فقیه به او دیکته شده است. با این حال در محاسبه موسوی عامل حمایت مماشائگران جهان جای جدی دارد. از مدتها پیش دلان حرفه ای در راهروهای پارلمانها و وزارت خارجه های کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی به دلبری مشغول هستند. یکی از اقدامات ننگین موسوی و تیم تبلیغاتی او مصادره سرود همیشه ماندگار «آفتابکاران» است. این سرود که برای رزمندگان دلیر رستاخیز و حماسه سیهکل سروده شده و پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی با استقبال عمومی روبرو شد و در مراسمهای مختلف نیروهای مخالف رژیم و جنبشهای اجتماعی مردم پخش شده است همراه با تصاویر میرحسین موسوی ابتدا در سومین همایش موج سوم با حضور محمد خاتمی و میرحسین موسوی در قالب

کلیبی پخش شد. این اقدام با موجی از مخالفت در محافل دانشجویی و اجتماعی روبرو شد. آخرین اعتراض در روز سه شنبه ۲۹ اردیبهشت بود.

به گزارش روز سه شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۸ خبرنگار امیرکبیر در آغاز جلسه ای که در این روز در دانشگاه بین المللی خمینی در قزوین با حضور محمدرضا تاجیک به عنوان یکی از اعضای ستاد میرحسین موسوی برگزار شده بود، سرود «آفتابکاران» با تصاویری از میرحسین پخش شد. در این جلسه دبیر تشکل دانشجویی اصلاح طلب در آغاز سخن خویش و پیش از طرح سوالها، با ابراز تأسف از پخش کلیپ میرحسین که سرود «آفتابکاران» بر روی آن قرار داشت، گفت: «این سرود برای زندانیان سیاسی دهه ۶۰ که در زمان نخست وزیری میرحسین اعدام شده بودند سروده شده و متأسفانه هم اینک و در برنامه تبلیغاتی میرحسین با مصادره به مطلوب و به شکل وقیحانه پخش می شود.» در این رابطه دو نکته قابل تامل است. نکته اول این که علیرغم همه ی سرکوبها و سانسورها و گفتمان سازها سرود جنبش پیشتاز فدایی آن چنان در میان مردم محبوبیت دارد که میرحسین موسوی هم برای جذب جوانان مجبور به دزدی و مصادره این سرود است. نکته دوم این است که مدعیان قانونگرایی و جامعه مدنی حداقل در مورد پیشینه این سرود توضیح دهند دست به چنین عمل زشتی می زنند و از همین منظر می توان دریافت که این مدعیان دروغین اصلاحات در حوزه قانونگرایی هم فاقد پرنسپ هستند.

در این میان شیخ مهدی کربوی نقش ویژه ای دارد. بخش مهمی از کسانی که در گذشته در هرم قدرت مشارکت داشته و لگد خورده ولی فقیه و بیدادگاههای او هستند در اطراف او جمع شده اند. او که در دوران خاتمی نقش ترمز را بازی می کرد، اکنون به گاز چسبیده است. حرفهایی می زند که نه جدیدی در آن است و نه یارای عمل به آن. هر تلاش او برای خط شکنی همراه با صدها قید و بند و اما و اگر می شود. به نظر می رسد سرنوشت او با مدال برنز در این دوره گره خورده است.

از تفاوتهای این چهار تن که در چارچوت معیارهای ولایت خامنه ای قابل تحمل است که بگذریم، نقطه مشترک و تردید ناپذیر همه آنها حقانیت و اصالت دادن به نظام ولایت مطلقه فقیه، رعایت خط سرخهای ولی فقیه و مشارکت در سرکوب و مهار جنبش اجتماعی مردم ایران برای دموکراسی و حکومت عرفی است.

۵- کارگزاران ولی فقیه برای داغ نشان دادن نمایش در روز ۲۲ خرداد با تمام توان بسیج شده اند. بر اساس اطلاعیه هیاتهای اجرایی در کل کشور ۴۵ هزار و ۷۵۸ شعبه اخذ رای در نظر گرفته شده است که از این تعداد ۱۴ هزار و ۱۸۰ شعبه سیار و ۳۱ هزار و ۵۷۸ شعبه ثابت است. در استان تهران

بقیه در صفحه ۳

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

حدود شش هزار و ۱۰۰ شعبه اخذ رای و تعداد ۲۸۰ تا ۲۹۰ شعبه اخذ رای در خارج از کشور در نظر گرفته است.

از هم اکنون و بنا به سابقه امر روشن است که عوامل رژیم می کوشند بعضی از حوزه های رای گیری، به شمول حوزه های اطراف دانشگاه تهران، حوزه های اطراف بازار، حوزه حسینییه ارشاد، و... را با تجمع روزانه چند هزار نفر به منظور بازدید خبرنگاران خارجی سازماندهی کنند. بسیاری از خبرنگاران خارجی می دانند که انعکاس تحریم و تنفر و انزجار مردم از این نمایش سبب آن خواهد شد که در آینده خود و رسانه مربوطه نتوانند برای پوشش خبری اجازه ورود به ایران را داشته باشند.

همچنین در طول رای گیری و برای بازار گرمی زنان و جوانانی نشان داده می شوند که در روزهای دیگر با چنین پوششها و آرایشها سخت مجازات می شوند. بسیاری از ترانه ها و آهنگهایی که پخش آن در طول سال امکان پذیر نیست در روز نمایش بارها از رسانه های دولتی پخش می شود. همه ای این تلاشها برای پنهان کردن سیمای واقعی جنبش تحریم و عدم انعکاس تنفر و انزجار عمومی مردم ایران از حکومت دینی و دیکتاتوری و ولایت فقیه است.

۶- در این نمایش انتخاباتی ولی فقیه نظام نه فقط بی طرف نیست، بلکه تمامی مهندسی این نمایش را از ابتدا تا روز تنفیذ حکم ریاست جمهوری در اختیار و کنترل خود دارد.

روز چهارشنبه ۸ آبان سال پیش سید علی خامنه ای گفت: «عده ای با عجله از حالا مباحث انتخاباتی را شروع کرده اند که این فعالیتها زود هنگام انتخاباتی موجب منحرف شدن ذهنها از مسائل اصلی، مشغول کردن افراد به یکدیگر، و برخی بدگوییها می شود و این به ضرر مصالح کشور است.»

در آن زمان خامنه ای به دنبال آن بود که حتی بر جزئیات این نمایش کنترل و نظارت داشته باشد. خامنه ای در روز اول فروردین امسال در مشهد اعلام کرد که یک رای دارد و از هیچ کاندیدا به طور علنی حمایت نمی کند.

روز چهارشنبه ۹ اردیبهشت خامنه ای در یک سخنرانی در تهران گفت: «به رغم تلاش دشمن برای خدشه دار

کردن انتخابات در جمهوری اسلامی ایران، ملت بزرگ ایران با حضور پر شور و صمیمانه خود در انتخابات ریاست جمهوری، انتخاباتی می آفرینند که دشمن را خشمگین کند... متأسفانه برخی دوستان بی انصاف و کسانی که جزو ملت هستند و توقع دارند مردم به آنها توجه کنند، با ناسپاسی علیه ملت حرف می زنند و با تکرار دروغ دشمن، سلامت انتخابات را زیر سؤال می برند.»

در این سخنان ولی فقیه رژیم پنبه «کمیته صیانت از آرا» را زد به شکلی که این کمیته هم شکل نگرفته به سرنوشت کمیته های تحقیق در دوران خاتمی دچار شد.

دیری نپایید که خامنه ای با فراموش کردن حرفهایش در مشهد، در سریال سخنرانیهایش در کردستان به شیوه های گوناگون آدرسهایی ارایه داد که همگان دریافتند که کاندیدای «اصح» از نظر او محمود احمدی نژاد است.

روز ۲۲ اردیبهشت امسال سید علی خامنه ای در سندج پس از برشمردن منافع شرکت در این نمایش برای نظام ولایت فقیه گفت: «مساله بعدی در انتخابات اینه که مردم سعی کنند صالح ترین را انتخاب کنند، آن کسانی که نامزد ریاست جمهوری می شوند و در شورای نگهبان صلاحیت آنها زیر ذره بین قرار می گیرد و شورای نگهبان صلاحیت آنها را اعلام می کند اینها صالحند، اینها همه شان صالحند، اما مهم این است که شما در بین افراد صالح بگردید صالح ترین را پیدا کنید. این جا جایی نیست که من و شما بتوانیم به حدالکتفا بکنیم، دنبال حداکثر باشیم بهترین را انتخاب کنید.»

خامنه ای در ادامه و در توضیح مشخصات بهترین شخص آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافیگری خودش نباشد، آفت بزرگ ما اشرافیگری و تجمل پرستی است... اولین کار اینه که ما مسئول کشور را، مسئولین کشور را افرادی انتخاب کنیم مردمی باشند، ساده زیست باشند، درد مردم را بدانند، خودشان احساس درد کنند از درد مردم، این هم به نظر من شاخص مهمی است، بگردید، آگاهانه، برسید و به آن چه که رسیدید و تشخیص دادید اقدام کنید و قصد غربت کنید.»

لازم به تجسس زیاد برای پیدا کردن آدرسی که خامنه ای می دهد نیست. به خصوص که وی در همین سخنان به انتقادهای موسوی و کروبی و طرفدارانشان در مورد اوضاع اقتصادی کشور جواب داد و در ابتدا گفت که باور نمی کند بعضی از این انتقادهای

«از روی صدق و صفا» مطرح شده باشد و افزود: «من اوضاع کشور را از همه آقایان بهتر خبر دارم، می دانم که بسیاری از این مطالبی که به عنوان انتقاد در مورد وضع کشور و وضع اقتصاد می گویند، خلاف واقع است.»

روز شنبه ۲۶ اردیبهشت ولی فقیه رژیم در میوان خطاب به ایادیش گفت که: «این که مسئولان ما، یا نامزدهای انتخاباتی برای جلب توجه دیگران، حرفهای غریبه را تکرار کنند، امتیازی محسوب نمی شود.»

روز دو شنبه ۲۸ اردیبهشت خامنه ای در بیجار گفت: «... معیارها مشخص است. من آن روز عرض کردم. این هم مکمل آنهاست. در انتخاب خود توجه کنید. کسانی نیاید سر کار با رای ملت که در مقابل دشمنان بخواهند دست تسلیم بالا ببرند و آبروی ملت ایران را ببرند. کسانی سر کار نیاید که بخواهند با تملق گویی به غرب، به دولتهای غربی، به دولتهای زورگو و مستکبر، با تملق گویی به آنها بخواهند برای خودشان موقعیتی در سطح بین المللی به خیال خودشان دست و پا کنند. اینها برای ملت ایران ارزشی ندارد.»

با توجه به مشخصاتی که خامنه ای ارایه می دهد نباید تردید کرد که کاندیدای مورد حمایت او که می تواند در نقش یک کوتوله سیاسی و یک گماشته گوش به فرمان باشد، محمود احمدی نژاد است و خامنه ای از همه قدرت خود برای به کرسی نشاندن احمدی نژاد استفاده خواهد کرد. اما اگر خامنه ای علیرغم همه ی تلاشها و رقم سازیها نتواند کاندیدای اصلاح خود را بر کرسی صدارت بنشاند، با قبول یک شکست به شیوه نمذ مالی با فردی دیگری که بر احمدی نژاد غلبه کرده رفتار خواهد کرد تا او را به سرنوشت سید محمد خاتمی دچار کند.

۷- با توجه به آن چه در مورد مشخصات و مختصات نمایش انتخاباتی که در روز ۲۲ خرداد به صحنه خواهد آمد و با توجه به مطالبات مردم ایران که در صدر آن الغای ولایت فقیه و تحقق دموکراسی و حکومت عرفی قرار دارد، و با توجه به این که هیچ یک از چهار کاندیدای موجود نه می خواهند و نه می توانند یک گام پایشان را فراتر از نظام ولایت فقیه و قانون اساسی آن بگذارند، بنابراین هر رای در این نمایش یک رای به استبداد مذهبی ولایت فقیه، یک رای به تأیید تبعیض و پایمالی حق حاکمیت مردم و یک رای در تأیید سرکوب داخلی و صدور تروریسم و بنیادگرایی است و مردم حق دارند این نمایش انتخاباتی که نه دموکراتیک است و نه آزاد و دامنه رقابت در آن به سیاستهای کلان نظام ربط پیدا نمی کند را تحریم کنند و چنین خواهند کرد.

لغو سفر فراتینی شکست

مفتضحانه رژیم

جعفر پویه



فرانکو فراتینی، وزیر امور خارجه ایتالیا روز چهارشنبه سفر دو روزه خود به ایران را لغو کرد. لغو این سفر در پی آن صورت گرفت که مقامهای رژیم از فراتینی خواستند تا دیدار خود با محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور برگزیده ولی فقیه را در شهر سمنان همزمان با سفر استانی تبلیغاتی او به انجام برساند. وزارت امور خارجه ایتالیا با انتشار بیانیه ای اعلام کرد: "فرانکو فراتینی درخواست ایران را نپذیرفته است" و تاسف خود را نسبت به "از دست رفتن فرصتی در زمینه فراهم آوردن امکان دخالت ایران در ایجاد ثبات افغانستان و پاکستان" ابراز داشت.

دلیل سفر وزیر امور خارجه ایتالیا به ایران تمایل آمریکا به شرکت جمهوری اسلامی در کنفرانس افغانستان است که در روز هشتم ماه ژوئن در شهر تریست، ایتالیا برگزار می شود. به همین دلیل فراتینی برای آماده سازی مقدمات این کار و همچنین گفتگو درباره بحران پاکستان، مساله اتمی رژیم و صلح خاورمیانه تصمیم داشت با مقامهای ایرانی دیدار کند.

سفر فراتینی به تهران دیدار مهمترین مقام بلند پایه یک کشور اروپایی از زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد بود که به دلیل تلاش برای آلت دست قرار دادن وی و سواستفاده از این موقعیت برای مهم نشان دادن پادوی رهبر و ولی فقیه رژیم، لغو گردید.

همزمان، اعلام پرتاب موفقیت آمیز موشک سجیل ۲ توسط احمدی نژاد که از سوی جامعه جهانی گسترش مسابقه تسلیحاتی در منطقه برآورد می شود نیز مزید بر علت شد. همچنین احمدی نژاد در سمنان بار دیگر تأکید کرد که رژیم از مواضع خود در قبال برنامه اتمی کوتاه نخواهد آمد.

با این حساب، زیاده خواهی و برخورد غیر دیپلماتیک اطرافیان احمدی نژاد باعث گردید تا فراتینی بسیار جدی با آنان برخورد کند و پروژه پادوهای حراف و سواستفاده چی را به خاک بمالد.

فراسوی خبر ۳۱ اردیبهشت ۸۸

سرمقاله

بقیه از صفحه ۱

تولید ثروت در کشور، بیشتر و با درجه اهمیت تعیین کننده تری در کانون توجه آنها قرار می گرفت.

پایه سیاسی قدرت گیری پاسداران

این پروسه رُشد اقتصادی به مَوَازات پُر رنگ شدن جایگاه اهرمهای نظامی و امنیتی حکومت در ثبات و بقای آن جریان می گرفت. پروژه های بُمب هسته ای و عراق که "نظام" در اولی "تضمین امنیتی" خود و در ثومی شانس کسب یک کارت مُهم برای بازی با طرفهای خارجی خود روی میز بُخرانهای منطقه ای را می دید، بر دو پایه میلیتاریسم و کشاندن مرزهای ثبات به پهنه های فرا ملی استوار شده بود. در هر دو بخش این استراتژی، انگاشت نظامی و امنیتی هم در نقش معمار سیاسی و هم به مثابه جان مایه ی حرکت عمل می کرد. مفهوم مادی استراتژی مزبور برای ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، بسته شدن پروژه "اصلاحات" و تغییر در بافت قدرت می توانست باشد؛ تحولی که با جابه جایی در ترکیب مجلس هفتم مَلاها آغاز و با تصرف قوه مجریه توسط باند نظامی - امنیتی ولی فقیه تکمیل شد. بر این اساس، جا به جایی مزبور محصول یک پروسه طبیعی و سازگار شدن فاکتور سیاست با نیروی بی پیش برنده آن بود.

شکایت دراماتیک باند "اصلاح طلبان" از "تقلب" در انتخابات یا بیرون رانده شدن از سوی "نیروی غیبی"، در شکل و با توجه به آنچه که فقط در سطح دیده می شد، دُرُست است. اما آنها از کنار این پُرسش می گذرند که نیروی تعیین کننده ای که با توسل به ابزارهای آلوده توانست قدرت را از چنگ آنان خارج کند، از کجا نازل شد. آیا این هم‌اورد قاهر به واقع "نیروی غیبی" است که فقط می شود از آن "به خدا شکایت بُرد" یا اینکه باند نظامی - امنیتی میوه رسیده ی دانه ای است که مجموعه ی "نظام" برای حفظ و بقای خود کاشته است و "اصلاح طلبان" به عنوان مُدافعان درمان ناپذیر "حفظ نظام"، مُجددانه به داشت آن همت گمارده اند؟

پاسخ به این سوال را می توان از جدال پُلَمیک آنها بر سر مصادره خدمات خود از سوی باند رقیب برگرفت. "اصلاح طلبان" با باند خجّت الاسلام رفسنجانی با آب و تاب یادآور می شوند که این آنها بودند که پروژه هسته ای را کلید زدند، آنها هستند که تسلیح پاسداران به موشکهای چینی و کره ای را آغاز کردند و سرانجام طعنه می زنند که

چه کسی جُز آنها از سه تفتنگدار اروپایی در سداباد آنچنان پذیرایی کرد که از یک چشم، نطنز و سانتریفیوژها را نادیده بگیرند؟ در لیست صورت حساب ارایه شده به رقیبای نمک نشناس، به طبع نمی تواند پرور شدن سپاه قدس در دوران فرمانروایی آقایان رفسنجانی و خاتمی گسترش قلمرو فعالیتهای آن به اروپا و عراق گنجانده شود.

منافع و ایدئولوژی

نزدیک به چهارسال پس از تصرف سرچشمه های تصمیم گیری پیرامون ثروت و قدرت، قانع کردن باند نظامی - امنیتی به چشم پوشی از امتیازهایی که در غارت از آن برخوردار شده است، بسیار دشوار می نماید. آنها نه تنها درآمدهای به دست آمده از فروش منابع انرژی را از طریق بوروکراسی دولتی کنترل می کنند بلکه، بر فراز آن مجموعه ای از کارتلهای نفتی و گازی را نیز قرار داده اند که به طور ساختاری جریان انتقال ثروت را تنظیم و هدایت می کند. آنها تصمیم گیرنده بی شریک در مورد چگونگی هزینه کردن ۳۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی بوده اند و فرصت کافی نیز داشته اند تا با تکیه به این پُشتوانه نیرومند، ظرفهای تداوم شرایط کنونی و حفظ منافع خود را ایجاد کنند.

مُستقل از این، موقعیت انحصاری باند مزبور فعالیتهای اقتصادی پیشین آنها را تقویت و در این میان پهنه های دیگری را به گونه مداوم بدان افزوده است. اکنون از انبوه سازی تا تجارت فوتبال، با واسطه یا به طور مُستقیم همه راهها از فیلتر الیگارشی نظامی گذر می کند.

یک ایدئولوژی ستیزه جو، انزوا طلب و بُنیادگرایانه که با هدف مسدود کردن راه دخالت یا تغییر منابع ثبات "نظام" ترویج و به ماده تعیین سیاست داخلی و خارجی تبدیل گردیده، در نقش عایق رویی مُناسبات سیاسی و اقتصادی موجود به پاسداری از آن مشغول است. "حق مسلم" و "بُمب اتمی"، "قدرت منطقه ای" و "خلافت اسلامی"، "ظهور امام زمان" و "مدیریت دُنيا"، "نابودی اسرائیل" و روشن نگه داشتن شعله بُخران، تنها برخی از مفهومیهای هستند که باند ولی فقیه به مدد آنها تنش با همسایگان و طرفهای خارجی خود را حفظ می کند.

در پهنه داخلی گسترش حضور پُلِیسی در جامعه به بهانه ترویج و تحمیل آداب و شرعیات اسلامی که از نوع کفش زنان تا محل دفن قربانیان جنگ را در برمی گیرد، زیر نقش باند نظامی - امنیتی و دستگاههای تقشیش و تعزیر آنها خط تاکید می کشد. همین تاکتیک با پوش امنیتی،

توجه گر سرکوب همه جانبه ای است که افشار گوناگون جامعه در حوزه کار و فعالیت خود با آن مُواجه داده شده اند. لشگری از دادگاهها، زندانها، دوایر امنیتی و اطلاعاتی و ارگانهای ویژه و نوظهور به صورت هماهنگ یا موازی با یکدیگر فعالانه برای تاکید بر چشم پوشی ناپذیر بودن دستگاه سرکوب نظامی - امنیتی در "حفظ نظام" به رقابت برخاسته اند.

صاحبخانه و مُنتقدینش

با توجّه به این مجموعه شرایط، انتقاد باند های رقیب از سُختن سرکرده سپاه پاسداران به دلیل "دخالت در انتخابات"، حداکثر یک لطفیه می تواند انگاشته شود. آقای جعفری بر وضعیت موجود انگشت تاکید گذاشته است و ظرفیتهای آن را یادآور شده است. او ایده یا طرح جدیدی را برای گشودن دروازه ی تاثیرگذاری بر سیاست به روی نظامیان عرضه نمی کند تا بتوان بدین سبب بر او خرده گرفت. آنها دیرگاهی است که از آستانه ی دروازه عبور کرده - و اگر چه به سختی می توان باور کرد که از چشم آقایان کربوی یا موسوی پنهان مانده باشد - و در این میان دیگر صاحبخانه به حساب می آیند.

باند آیت الله خامنه ای برای حفظ قدرت، بیشتر از آرای بسیج، به ساز و کارهای "مهندسی انتخابات" نیاز دارد؛ شرطی که شورای نگهبان، وزارت کشور با پاسداران محصولی و افشار و دیگر پاسدارها و بسیجیهای گمارده شده به عنوان استاندار، فرماندار و بخشدار آن را به خوبی تامین می کنند. نظامی - امنیتیها برای فرستادن شبه نظامیان تحت امر خود به پای صندوقهای رای به ابتکاری پیچیده تر از روشهای معمول مانند رشوه نقدی یا پخش سبب زمینی نیاز ندارند.

از این رو، انتقاد نامزدهای باند رقیب در این زمینه، جُز ایجاد هیاهو برای گمراه کردن نگاه ها از مُشکل به طور کلی به سوی یکی از جلوه های نمود آن نمی تواند باشد. علت نیز در این امر نهفته است که نه آقای موسوی و نه خجّت الاسلام کربوی نمی خواهند و نمی توانند آرایش سیاسی موجود که در آن بر اساس یک استراتژی معین سیاسی، کفه ترازوی نظامیان سنگین تر شده است را بر هم بزنند. هنگامی که نخست وزیر پیشین آیت الله خامنه ای، آقای موسوی ستاد بسیج تشکیل می دهد، روشن می کند که مساله او یارگیری از پادگانها و جلب اطمینان آنها است و نه مخالفت اصولی با دخالت باند مسلح ولی فقیه در تعیین مُقدرات "نظام" و سیاستی که راه این دخالت را هموار می کند.

برآمد

سرنوشت نمایش انتخابات ریاست جمهوری رژیم مَلاها به هر صورت که رقم زده شود، تاثیرگذاری نظامیان در آن، عنصر ثابت و بدون تغییر خواهد ماند و این امر تنها به دلیل ناتوانی نامزدها یا نمایشی بودن مراسم انتخابات نیست.

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی بین المللی کارگران را به تمامی کارگران و زحمتکشان جهان و به ویژه به کارگران، مزدبگیران، معلمان و پرستاران ایران تبریک می‌گوییم و برای کارگران همه کشورها در مبارزه علیه استثمار، استبداد و عقب‌ماندگی موفقیت‌های بزرگ آرزو می‌کنیم.

هنگامی که در سال ۱۸۵۶ کارگران استرالیا در اعتراض به شرایط دشوار کار و برای هشت ساعت کار روزانه حرکت اعتراضی خود را آغاز کردند و پس از مبارزه متحد و سراسری پیروز شدند، تصمیم گرفتند که هر سال در یک روز معین دست از کار کشیده و همبستگی خود را در مقابل سرمایه داران و حامیان آنان نشان دهند.

در سال ۱۸۸۶ کارگران نساجی شیکاگو در آمریکا طی یک تظاهرات بزرگ در روز اول ماه خواست ۸ ساعت کار روزانه را مطرح کردند. این تظاهرات به شدت سرکوب و به خون کشیده شد. کارگران آمریکا تا سال ۱۸۸۹ هر ساله در چنین روزی دست از کار می‌کشیدند و با تظاهرات خیابانی به مناسبت متکی بر چهل و بردگی اعتراض می‌کردند.

در سال ۱۸۸۹ در کنگره انترناسیونال احزاب کارگری و سوسیالیستی روز اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران اعلام شد. از آن زمان تا کنون کارگران و زحمتکشان جهان در شرایط متفاوت در این روز دست از کار می‌کشند و این روز را جشن می‌گیرند.

در سال گذشته با ترکیدن حباب سرمایه داری نئولیبرال و گسترش بحران مالی به بخشهای دیگر اقتصاد تهاجم عنان گسیخته انحصارات سرمایه داری به سطح زندگی و معیشت توده های زحمتکش و پایمال کردن حقوق آنان شدت یافت.

در تقابل با این وحشیگری مدرن مبارزه کارگران و مزدبگیران علیه جهانی شدن بربریت و ویرانگری، علیه فقر، بیکاری، جنگ، نظامیگری و دیکتاتوری همچنان ادامه پیدا کرد.

ما بارها اعلام کرده ایم که بار اصلی ضرر و زیان و هزینه جهانی سازی نئولیبرال بر دوش کارگران، مزدبگیران، زحمتکشان و لشکر میلیونی بیکاران است. اما واقعیت مهمتر که چشم بستن بر آن زیانهای جبران ناپذیری به مبارزه جهانی برای پیشرفت، آزادی و عدالت وارد می‌کند، این است که برای کارگران و

مزدبگیران راه عقب گرد وجود ندارد. از نظر ما بدیل پروسه جهانی سازی لیبرالیسم جدید، ایده‌های ارتجاعی و ناسیونالیستی افراطی و یا ایده‌های نیهیلیستی نیست. بدیل قطعی، واقعی و علمی جهانی سازی، سوسیالیسم جهانی است. در سال گذشته و هنگامی که در اثر شدت بحران مالی، نگاهها متوجه کارل مارکس شد، شرایط واقعی برای تقویت و گسترش اندیشه های سوسیالیستی مدرن، انسانی و دمکراتیک بیش از پیش فراهم شد.

نظریه پردازان سرمایه داری نئولیبرال که سالها بر طبل نابودی سوسیالیسم می‌کوبیدند و حذف بیمه‌های اجتماعی و تعرض به سطح زندگی و معیشت کارگران و مزدبگیران را برای به اصطلاح توسعه اقتصادی ضروری می‌دیدند، اکنون در وحشت از گرایش رو به رشد به سوسیالیسم واقعی به سوسیالیست شدن وال استریت چشم دوخته اند.

در ایران برای اولین بار و به ابتکار «شورای مرکزی فدراسیون سندیکاهای کارگری» در سال ۱۳۹۹ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی) جشن اول ماه مه به شکل نیمه مخفی در واحد های تولیدی برگزار شد و یک سال بعد به ابتکار همین تشکل مراسم اول ماه مه در تهران به شکل علنی برگزار شد.

از آن زمان تاکنون جنبش کارگری ایران راه پر فراز و نشیب و با چالشهای بسیار را طی کرده است. کارگران ایران طی صد سال گذشته عموماً مجبور بوده اند که تحت شرایط دیکتاتوری و اختناق مبارزه کنند و در این مسیر سخت و دشوار هزینه های بسیاری پرداخت کرده و بسیاری از کارگران در مبارزه برای اولیه ترین خواسته ها در زندانها و یا در مبارزه خیابانی جان باخته اند.

در مسیر جنبش کارگری ایران بدون شک دوران سیاه حاکمیت جمهوری اسلامی سخت ترین دوران بوده است. استبداد مذهبی حاکم بر ایران طی ۳۰ سال گذشته تا آنجا که در توان داشته به پایمال کردن حقوق و سرکوب مبارزه کارگران ایران مبادرت ورزیده است.

کارگران و مزدبگیران ایران از یک طرف تحت ستم و سرکوب استبداد مذهبی قرار دارند و از طرف دیگر باید هزینه سیاستهای رژیم برای پیوستن

به اردوی جهانی سازی نئولیبرال را بپردازند. کارگران و زحمتکشان ایران تعرض عنان گسیخته سرمایه داران را با تمام گوشت و پوست و استخوان خود حس می‌کنند. فقر، فحشاء، بی خانمی، بیکاری و فقدان شرایط مناسب آموزشی و بهداشتی دستاورد رژیم ایران برای توده های مردم بوده است. رژیم ولایت فقیه با افزایش هزینه هایی که به امنیت نظام مربوط می شود، زندگی کارگران، مزدبگیران، معلمان، پرستاران و در یک کلام اکثریت قاطع مردم ایران را به فلاکت کشیده است.

شورای عالی کار بدون حضور نمایندگان انتخابی کارگران و با نادیده گرفتن نرخ واقعی تورم، حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۸۸ را ۲۶۳ هزار و ۵۰۰ تعیین کرد. و این در شرایطی است که بسیاری از کارشناسان اقتصادی و فعالان کارگری خط فقر را یک میلیون تومان تعیین کرده اند. روزنامه اعتماد ملی در شماره روز دوشنبه ۱۶ دی گزارش داد که ۷۵ درصد کارگران در ایران با در آمدی زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

طی چهار سال گذشته در اثر سیاستهای اقتصادی فاجعه بار احمدی نژاد نقدینگی موجود در جامعه از ۶۰ هزار میلیارد تومان به ۱۷۰ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرد. این حجم عظیم نقدینگی سبب افزایش سرسام آور نرخ تورم و در نتیجه سقوط سطح زندگی اکثریت مردم ایران شده است. افزایش نقدینگی و واردات بی رویه کالا چنان ضربه مهلکی به اقتصاد ایران وارد کرده که با هیچ دورانی در تاریخ معاصر ایران قابل مقایسه نیست.

برای رژیم ولایت فقیه زندگی کارگران و زحمتکشان ایران کوچکترین ارزشی ندارد. رژیم ایران میلیاردها دلار در لبنان، غزه، عراق، آفریقا و آمریکای لاتین برای توسعه تروریسم هزینه می‌کند و همزمان کارگران و مزدبگیران کشورها از فقر، فلاکت و فقدان امنیت کار رنج می‌برند. فاجعه انفجار گاز متان در معدن «باب نیرو» در شمال استان کرمان، که در آن تعدادی از کارگران محروم جان باختند یک نمونه از هزاران مورد بی توجهی به زندگی محرومان ایران است.

کارگران و کارکنان شرکتهای دولتی و خصوصی، معلمان و پرستاران ایران در مقابل اوضاع فلاکت‌بار خود به

اشکال مختلف دست به مقاومت و مبارزه می‌زنند.

حرکتهای کارگری در سال گذشته به شکلهای گوناگون صورت گرفت. نامه نگاری به گردانندگان رژیم، تجمع اعتراضی، اعتصاب، تحصن، بستن جاده ها، راه پیمایی و ... شیوه هایی بود که کارگران در مبارزه خود از آن استفاده کردند. حرکتهای اعتراضی کارگران در سال گذشته از نظر کمی گسترش بی سابقه پیدا کرد. لیست برخی از مهمترین حرکتهای کارگری توسط دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران منتشر شده است*.

نیروهای سرکوبگر رژیم گرچه در مقابل حرکتهای کارگری با احتیاط برخورد می‌کنند، اما در حرکتهایی که جنبش کارگری گامهایی بزرگ به جلو بر می‌دارد با سرکوب ددمنشانه مانع از گسترش جنبش کارگری می‌شوند.

نیروهای سرکوبگر ولایت خامنه ای بارها به حرکتهای مسالمت آمیز کارگران یورش بردند و کارگران محروم و بی دفاع را سرکوب کردند. ماموران وزارت اطلاعات بارها به خانه های کارگران یورش برده و آنان را دستگیر و یا با تماسهای تلفنی کارگران را تهدید به دستگیری کردند. اما این سرکوبگری در عزم کارگران برای تحقق خواسته های بر حق خود خللی ایجاد نکرد و بر عکس منجر به همبستگی هرچه بیشتر کارگران شد.

در اول آبان سال گذشته کارگران شرکت نیشکر هفت تپه توانستند با انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیات مدیره سندیکای خود یک گام مهم در جهت مزدوران وزارت اطلاعات در تقابل با این حرکت سندیکایی به دستگیری و پیگرد نمایندگان کارگران هفت تپه مبادرت کردند.

در روز ۲۶ آذر آقای ران ازولدا دبیرکل iuf طی نامه ای به خامنه ای خواستار لغو پیگرد پنج کارگر شرکت نیشکر هفت تپه شد.

در این نامه نوشته شده که: «ما قاطعانه تمام اتهاماتی که به این فعالان سندیکایی وارد شده، از جمله اقدام علیه امنیت ملی و فعالیتهای غیر قانونی و غیره را مردود می‌دانیم و محکوم می‌کنیم.»

اتحادیه بین المللی کارگران (آی. یو. اف) طی جلساتی که کمیته اجرائی آن در روزهای ۱۲ و ۱۳ دسامبر ۲۰۰۸ برگزار نمود، سندیکای کارگری شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه را به عنوان عضو این اتحادیه پذیرفت.

بقیه در صفحه ۶

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه

بقیه از صفحه ۵

در سال گذشته معلمان زحمتکش و محروم کشورمان بارها برای تحقق خواسته های خود دست به اعتراض زدند. در آخرین بیانیه کانون صنفی معلمان ایران که روز اول اردیبهشت ۱۳۸۸ منتشر شده اعلام شد که: «براساس تعهد ملی، برنامه های اعتراضی اسفندماه ۸۷ را که به حالت تعلیق در آورده بود، از ششم اردیبهشت ماه ۸۸ به شرح زیر دوباره به اجرا خواهد گذاشت.

۱- روز یکشنبه ششم اردیبهشت ۱۳۸۸ معلمان محترم ضمن حضور در مدرسه و کلاس درس از تدریس خودداری نموده، دانش آموزان را نسبت به دلایل انجام این حرکت آگاه خواهند کرد.

۲- روز دوشنبه هفتم اردیبهشت ۱۳۸۸ معلمان محترم ضمن حضور در مدرسه از رفتن به کلاس خوداری کرده و در حفظ نظم کلاس و مدرسه با مدیران و معاونان محترم مدارس همکاری خواهند کرد.

۳- روز سه شنبه هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ به عنوان روز اعتراض ملی معلمان نامگذاری شده و تمامی معلمان از حضور در مدرسه خودداری خواهند نمود.

بدیهی است چنانچه حداکثر تا پایان روز دهم اردیبهشت ۱۳۸۸ احکام جدید، مطابق قانون مدیریت خدمات کشوری به طور کامل و از اول فروردین ۱۳۸۶ صادر نشوند، حق برگزاری اعتراضات گسترده تر را خصوصا در هفته ی معلم برای همکاران فرهنگی محفوظ می دانیم.»

در سال گذشته اتحادیه ها، سندیکاهای و سازمانهای جهانی کارگری و نیروهای سیاسی مترقی بارها از جنبش طبقه کارگر ایران و خواسته های آنان حمایت کردند که آخرین آن حمایت اتحادیه بین المللی کارگران صنایع مواد غذایی، کشاورزی و خدمات (آی یو اف)، سازمان آموزش جهانی (ای.ای.ای)، فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (آی.تی.اف)، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه کارگری (آی.تی.یو.سی) است که در آستانه اول ماه مه طی بیانیه ای سرکوبی کارگران و تشکلهای کارگری در ایران را محکوم کردند. در این بیانیه آزادی فوری همه فعالان اتحادیه ای ایران که «صرفا به خاطر فعالیتهای

مشروع و مسالمت آمیزشان» زندانی شده اند، درخواست شده است.

در تابستان سال گذشته با تلاش هیات نمایندگی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

که در کنگره حزب احیای کمونیستی ایتالیا شرکت کرده بود، این کنگره طی قطعنامه ای که در روز ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۸ به تصویب اجلاس عمومی خود رساند اعلام کرد که: «حکومت ایران با سرکوب و دستگیری رهبران سندیکایی، همچنان که در مورد اعتراضهای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران اتفاق افتاد و منصور اسانلو همچنان در زندان است، به حرکتهای کارگری پاسخ می دهد.

کنگره حزب احیای کمونیستی قویا خواستار به رسمیت شناختن حق کارگران ایران برای ایجاد تشکلهای سندیکایی است. ما خواستار آزادی فعالان جنبش کارگری و پایان دادن به سرکوب سیاسی آنان هستیم.»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آستانه اول ماه مه، از کارگران سراسر جهان و از اتحادیه ها و سندیکاهای کارگران و مزدبگیران جهان می خواهد که به کارگران ایران در مبارزه برای رهایی کشور از چنگ نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه یاری رسانند. ما از سازمان جهانی کار می خواهیم که به جمهوری اسلامی برای به رسمیت شناختن حقوق حقه کارگران بیش از پیش فشار وارد نماید.

امسال یک کمیته متشکل از جریانهای کارگری برای برگزاری اول ماه مه فراخوان داده است. این فراخوان را تشکلهای زیر امضا کرده اند:

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، هیات مؤسس بازگشایی کارگران نقاش و تزئینات ساختمان، کانون مدافعان حقوق کارگر، شورای همکاری فعالان و تشکلهای کارگری شامل کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، شورای زنان و جمعی از فعالان کارگری در این فراخوان خواسته های فوری و مبرم کارگران به شرح زیر اعلام شده است:

«ما کارگران ایران، امروز یک پارچه و متحد، مطالبات زیر را به عنوان حداقل خواسته های خود فریاد می

زنیم و خواهان تحقق فوری این مطالبات هستیم:

۱- تأمین امنیت شغلی برای همه کارگران و لغو قراردادهای موقت و سفید امضا و برپسیده شدن فرمهای جدید قرارداد کار.

۲- حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار، خط مرگ تدریجی است! حداقل دستمزد کارگران باید توسط نمایندگان واقعی و تشکلهای مستقل کارگری تعیین گردد.

۳- برپایی تشکل مستقل کارگری، اعتصاب و اعتراض و تجمع حق مسلم ماست!

۴- دستمزدهای معوقه باید بدون عذر و بهانه پرداخت گردد!

۵- اخراج و بیکارسازی کارگران باید متوقف گردد!

۶- حقوق زنان و مردان در تمامی شئون اقتصادی - اجتماعی باید برابر باشد.

۷- بازنشستگان باید از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی برخوردار شوند.

۸- کارگران با معلمان (کارگران فکری)، پرستاران و سایر اقشار زحمت کش جامعه متحدند و از مبارزات آنان پشتیبانی می کنند.

۹- از اعتراضات و خواسته های کارگران فضلی و ساختمانی قاطعانه پشتیبانی می کنیم.

۱۰- کار کودکان غیرانسانی و استثمارگرانه است. ما با فعالین لغو کار کودک هم سنگر هستیم.

۱۱- منصور اسانلو، ابراهیم مددی و دیگر کارگران زندانی باید بدون قید و شرط آزاد گردند و تعقیبهای قضایی علیه دیگر کارگران باید فوراً پایان پذیرد.

۱۲- ما خود را متحد با جنبشهای اجتماعی دیگر مانند دانشجویان و زنان می دانیم.

۱۳- ما از کارگران مهاجر مانند کارگران افغانی، به عنوان بخشی ازهم طبقه ای های خود، قاطعانه پشتیبانی می کنیم.

۱۴- ضمن تشکر از حمایتهای جهانی از کارگران ایران، ما کارگران ایران، خود را متحد با دیگر کارگران جهان می دانیم.

۱۵- اول ماه مه، باید تعطیل رسمی گردد و هرگونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روزملفی گردد.»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با حمایت از فراخوان کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه، یکبار دیگر همبستگی خود را با مبارزه کارگران و مزدبگیران ایران اعلام می کند و به

تمامی زنان و مردانی که به خاطر دفاع از حقوق کارگران به زندان افتاده و زیر شکنجه های مزدوران رژیم مقاومت می کنند درود می فرستد و خواستار آزادی فوری همه ی کارگرانی که به خاطر اعتراض به وضع فلاکتبار خود دست به اعتراض می زند می باشد.

همچنین کمیته دفاع از کارگران هفت تپه طی اعلامیه ای در آستانه روز جهانی کارگر از تمامی کارگران و تشکلهای کارگری ایران و جهان درخواست نمود که در روز جهانی کارگر از هر طریق ممکن، دفاع از کارگران هفت تپه را در دستور کار خود قرار دهند.

خواسته های فوری کارگران بنا به اعلامیه کمیته دفاع از کارگران هفت تپه به قرار زیر است:

*پایان فوری ارباب و شایعه سازی در هفت تپه علیه نمایندگان کارگران

*لغو احکام صادره برای نمایندگان این کارگران

*توقف پرونده سازی و پیگردهای قضایی علیه آنان و آزادی فعالیت آنان برای دفاع و پیگیری مطالبات کارگران هفت تپه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که قبلا همبستگی خود را با این کمیته اعلام کرده اکنون نیز به این درخواست پاسخ مثبت داده و از همه فعالان و پشتیبانان سازمان می خواهد که در روز اول ماه مه در هر حرکت کارگری از خواسته های فوری و عاجل کارگران هفت تپه دفاع کنند.

رژیم حاکم بر ایران نیروی عمده در مقابل مبارزه کارگران و زحمتکشان برای تحقق ایرانی دیگر، ایرانی عاری از استبداد و استثمار و بدون ستم جنسی، مذهبی و ملی است. از این رو ما از تمامی کارگران، کارکنان و مزدبگیران شاغل در مراکز دولتی و خصوصی و از تمامی مدافعان آزادی و توسعه پایدار می خواهیم که برای برچیدن بساط ننگین نظام ولایت فقیه متحد و متشکل شوند.

زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر! سازمان چریکهای فدایی خلق ایران چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۸۸ (۲۹ آوریل ۲۰۰۹)

*برای اطلاع از کلیه اخبار کارگری در سال گذشته به سایت ایران نبرد و در آدرس زیر مراجعه کنید.

http://www.iran-nabard.com/zinat/karegari_mai88.htm

«صدقه پروری» در برابر عدالتخواهی

زینت میرهاشمی

در حالی که کارگران و کنشگران حقوق کارگری در سياهچالهای جمهوری اسلامی به سر می برند و یا در بیدادگاههای آن به حبس محکوم می شوند، پذیرش پایوران رژیم در نود و هشتمین اجلاس سالانه کار، تأکیدی بر نقض حقوق کارگران و مزدبگیران در ایران است. در حالی که یکی از مواد برنامه سازمان جهانی کار (ای ال او)، رسمیت دادن به تشکلهای مستقل کارگری خارج از حکومت است، پذیرش نماینده های رژیم در فقدان نماینده های واقعی کارگران، دست رژیم را برای سرکوب بیشتر باز می گذارد. باید تلاش کنیم که اسم دولت ایران به عنوان نقض کننده حقوق کار و کارگران در لیست سیاه سازمان جهانی کار بار دیگر گنجانده شود و جایگاه ایران در سازمان جهانی کار به نمایندگان واقعی کارگران سپرده شود.

در اجلاس سال گذشته این سازمان، پایوران رژیم مورد سوال قرار گرفته بودند و این سازمان خواهان شرکت نمایندگان تشکلهای واقعی کارگری شده بود. جهرمی وزیر کار و امور اجتماعی خبر داد که برای ریاست نود و هشتمین اجلاس این سازمان خود را کاندید می کند، چون این بار ریاست به عهده یک کشور آسیایی خواهد بود. بر اساس اخبار منتشر شده، رژیم از کاندیدا کردن خود عقب نشینی کرده است.

تلاش برای بهبود وضعیت زندگی، دریافت دستمزد عادلانه و برخورداری از تشکل مستقل از جمله پایه ای ترین مطالبه ای است که کارگران و مزدبگیران در ایران در روز ۱۱ اردیبهشت برای آن دست به گردهمایی زدند. همایش روز کارگر در ایران، در پی فراخوان ۱۰ تشکل مستقل کارگری و کوشندگان دفاع از حقوق کارگران، علیرغم اعمال فشار، تهدید و ارباب ماموران امنیتی علیه فعالان کارگری در استان روز کارگر، در چندین منطقه برگزار شد. مجموعاً ۱۵۰ نفر از کوشندگان حقوق کارگری، در این روز دستگیر و تعدادی از آنها تا این تاریخ همچنان در بند هستند.

تعداد کثیری از مردم و کارگران و کنشگران اجتماعی به این فراخوان پاسخ مثبت دادند و در این همایش شرکت کردند.

حرکت مسالمت آمیز کارگران و مزدبگیریانی که در این روز می خواستند روز خودشان را جشن بگیرند و بر خواسته های عادلانه شان تأکید

کنند، مورد سرکوب و خشونت حکومتی قرار گرفت. قاضی حداد معاون امنیت دادسرای عمومی و انقلاب تهران، اتهام دستگیر شدگان در روز کارگر را «اقدام علیه امنیت و اخلال در نظم عمومی» اعلام کرد.

این سومین سالی است که کارگران تلاش می کنند در روز کارگر به شکل علنی و مستقل از حکومت گرد هم آیند و خواسته هایشان را اعلام کنند. این حرکت مستقل تا کنون هزینه هایی از جمله دستگیری، بیکار شدن و تحت پیگرد قرار گرفتن فعالان آن را در بر داشته است. علیرغم سرکوبگریهای این چند سال، فراخوان و همبستگی نهادهای کارگری برای برگزاری روز کارگر در اردیبهشت امسال چشم اندازهای روشنی را در جنبش کارگری به نمایش گذاشت. آن چه که در روز کارگر امسال روی داد نقش و جایگاه با اهمیت و ویژه ای در جنبش کارگری ایران بر جای خواهد گذاشت. ویژگی این بار، فراخوان متشکل یافته آن بود. این حرکت در تداوم حرکت شجاعانه کارگران سندج در برگزاری روز کارگر در سال ۱۳۸۶ است.

اگر چه برگزاری مراسم روز کارگر هزینه هایی مانند حبس، اخراج از کار برای فعالان کارگری داشته است اما تأثیرات مهمی در سیاسی شدن جنبش کارگری و همبستگی آن داشته است. دستگیری فعالان سیاسی و دخالت مستقیم دولت به عنوان کارفرما و سرمایه دار بزرگ در سرکوب حرکت های عدالتخواهانه کارگران و مزدبگیران، این جنبش را سیاسی تر نموده است.

ویژگی حرکت اول ماه امسال، در اتحاد و همبستگی کارگران برای تحقق خواسته هایشان و حمایت دانشجویان، زنان و نیز مردم آگاه از خواسته های عادلانه آنان، در برابر نظم ناعادلانه موجود است. این نقطه قوت است که می تواند جنبش کارگری را به مرحله جلوتری ببرد و همین رشد خطری جدی برای حکومت سرمایه است. پیوستگی جنبش کارگری با جنبشهای اجتماعی از چالشهای رژیم خواهد بود و دستگیری آنها و وابسته کردن آنها به خارج از مرزها، از شگردهای رژیم برای سرکوب این جنبش است.

روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت معلمان در برابر وزارت آموزش و پرورش برای تحقق خواسته هایشان دست به یک تجمع اعتراضی زدند. در همایش

اعتراضی معلمان، رسول بدایعی عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران توسط ماموران دستگیر شد. در همین روز خانواده های دستگیر شدگان روز کارگر، در مقابل بیدادگاه انقلاب اسلامی در تهران دست به تجمع زدند و خواستار آزادی بستگان خود شدند.

وخیم تر شدن وضعیت اقتصادی

بر اساس داده های آماری منتشر شده، در سالهای اخیر اقتصاد ایران نه تنها توسعه ای نداشته است بلکه با دامن زدن به رانت خواری و چپاولگری، در وضعیت نزولی قرار گرفته است. در کشاکشهای بر سر قدرت میان وابستگان دایره قدرت، پرده های کوچکی هر از چند گاه از دزدیهای کلانی که توسط باندهای مختلف صورت می گیرد، برداشته می شود. یک نمونه عباس پالیزدار است که برای پوشاندن گنداب مافیای حکومتی، وی را در گوشه زندان انداختند.

بانک مرکزی در آخرین گزارش خود، اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۷، را در رکود ارزیابی کرده است. این گزارش فعالیت اقتصادی طی ۹ ماه اول سال ۱۳۸۷ را چنین اعلام کرده است: «تاسیس واحدهای جدید صنعتی در ۶ ماهه اول سال ۱۳۸۷ حدود ۴۰ درصد و بهره برداریها حدود ۲۱ درصد نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۸۶ کاهش داشته است.» (منبع اعتماد سه شنبه اول اردیبهشت ۱۳۸۸)

بر اساس این آمارها، فروش نفت طی همین زمان بیش از ۷۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار بوده است.

از طرف دیگر علیرضا محبوب اقرار کرد که در سال گذشته ۴۰۰ واحد تولیدی تعطیل شدند که منجر به بیکاری ۲۰۰ هزار نفر شده است. (منبع اعتماد اول اردیبهشت)

بر اساس همین نامگر بانک مرکزی، سرمایه گذاری برای تاسیس واحدهای جدید صنعتی، در ۶ ماه نخست سال ۸۷ نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۷/۷ درصد کاهش داشته است. (همان منبع)

شورای عالی کار هنگامی که در اجلاس دوم خود، نرخ دستمزد تعیین شده را کمتر از اجلاس اول اعلام کرد دلیل خود را پیش بینی پایین آمدن نرخ تورم بیان کرده بود. طی سالهای اخیر، تولیدات صنعتی با سابقه چندین ساله دچار رکود و تعطیل شده است. شرکتهای زودبازده هم عملاً به شکست کشانده شد. بهای مواد خوراکی هم طی این مدت بالا رفته است. با توجه به عدم ناهمخوانی مزد کارگران و مزدبگیران با نرخ تورم و نیز بالا رفتن هزینه

های زندگی، بیشترین فشار سیاستهای حکومت بر دوش مردم است. واردات کالا و خدمات سالی ۲۹ درصد رشد داشته است. در حالی که نرخ متوسط رشد اقتصادی بنا به گفته کارشناسان خود رژیم، ۵ تا ۶ درصد بوده است.

بهای کالای مصرفی و خوراکی افزایش چشمگیری داشته است. بنا به آمار روزنامه سرمایه ۲۹ اردیبهشت، «قیمت میوه هلم اکنون در مقایسه با ایام آغاز به کار دولت نهم تا ۱۸۰ درصد افزایش داشته است.»

تولید قند و شکر در اثر حمایت دولت پاسداران از مافیای وارد کنندگان قند و شکر به سطح بسیار نازلی رسیده و تولید داخلی توانایی رقابت با قند و شکر وارداتی را ندارد. بر اساس داده های آماری، سرنوشت تولید و کشت پنبه هم در اثر واردات پارچه و پنبه به سرنوشتی غم انگیزتر از قند و شکر تبدیل شده است.

عضو ستاد اجرایی خانه کشاورز استان قم از به صفر رسیدن تعرفه های گمرکی روی واردات پنبه خبر داد. وی گفت که: «هم اکنون ۳۰ هزار تن پنبه در کارخانجات پنبه پاک کنی و انبار کشاورزان موجود است که با این حال تعرفه گمرکی پنبه به صفر رسیده است.» (خبرگزاری حکومتی فارس ۲۱ اردیبهشت). وی اعلام کرد کشت پنبه در سالهای اخیر از ۸ هزار تن به ۲ هزار تن رسیده است.

در رویدادی دیگر دبیر و عضو هیات مدیره انجمن صنفی کارخانه های قند و شکر گفت که به دنبال اجرایی نشدن مصوبه دولت برای خرید شکر داخلی، تولید قند و شکر در کارخانه های ایران متوقف شد. بنا به گزارش سایت حکومتی تابناک، بهمن دانایی گفت که با پایین آمدن تعرفه بر واردات شکر، از ۱۵۰ درصد به ۱۰ درصد، در سالهای اخیر ۴ میلیون و ۸۷۱ هزار تن قند و شکر وارد شده است. این حجم واردات در حالی است که نیاز سالانه بازار ایران ۲ میلیون تن قند و شکر است. (تابناک ۲۰ اردیبهشت)

سقوط تولید داخلی پنبه و شکر سبب بیکار شدن تعداد هرچه بیشتری از کارگران و در نتیجه منجر به سقوط زندگی کارگران و خانواده های آنان شده است.

افزایش بیکاری

بر اساس گفته های سعید لیلانز که در سایت حکومتی آفتاب سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ۸۸ منتشر شده است «نرخ تورم در ابتدای سال ۸۵ تنها در حدود ۶/۵ درصد بوده ولی در طی ۳۰ ماه این نرخ به ۳۰ درصد رسیده است.» وی که تعداد بیکاران را در شرایط حال، ۳ میلیون نفر ارزیابی می کند پیش بینی می کند که «این احتمال وجود دارد تا پایان امسال تعداد بیکاران به ۴ میلیون نفر برسد.» (همان منبع)

بیکاری در میان جوانان افزایش چشمگیری داشته است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، «هیزان بقیه در صفحه ۸

«صدقه پروری» در برابر عدالتخواهی

بقیه از صفحه ۷

بیکاری جوانان طی سال گذشته از ۲۰/۳ به ۲۷/۴ در صد رسیده است. (ايرنا سه شنبه ۸ اردیبهشت) بر اساس همین منبع، موج دوم بیکاری که شامل جوانانی می شود که در دهه ۶۰ متولد شده اند در راه است.

شعارهای شوی انتخاباتی

در نمایش انتخاباتی دوره قبل، احمدی نژاد شعار تقسیم پول نفت و بردن درآمد آن بر سفره های مردم را داده بود. این بار شعارش را ارتقا داد. وی روز دوشنبه ۲۸ اردیبهشت طرح «توزیع سود نفت میان ایرانیان جهان با انتشار اوراق مشارکت» را وعده داد. طرحی که مورد اعتراض برخی خودیها به دلیل این که هیچ پشتوانه عملی ندارد، قرار گرفت.

این حرفهای پوچ در حالی زده می شود که یکی از اعتراضهای گسترده و متدوام کارگران و مزدبگیران، عدم دریافت به موقع حقوقشان و نیز اعتراض به سطح نازل دستمزد است.

شیخ مهدی کروی هم در دوران نمایش انتخاباتی قبلی از دادن ۵۰ هزار تومان صحبت کرده بود. این بار احمدی نژاد با دادن عیدی به بعضیها و سرانجام پخش پاکتهایی حاوی ۵۰ هزار تومان به تعدادی از دانشجویان، آنها را به رای دادن به خود تشویق می کند. این شیوه گدا پروری و صدقه دادن کارگزاران ولی فقیه یک شیوه نفرت آور و توهین به مردم ایران است.

روز یکشنبه ۲۷ اردیبهشت دانشجویان در برابر پخش بنهای ۵۰ هزار تومانی احمدی نژاد دست به اعتراض زدند و آن را توهین و مانور تبلیغاتی دولت دانستند.

فرهاد رهبر رئیس دانشگاه تهران که اعتراض دانشجویان را برنتابیده بی شرمانه ادعا کرد که دانشجویان به کمی مقدار بنها اعتراض داشتند و میزان بیشتری می خواستند.

معلمان و فرهنگیان سالهاست برای دستیابی به حقوقشان اعتراض می کنند. سازمان آموزش و پرورش تهران در روز معلم، اعلام کرد که قرار است تعدادی معلم به عنوان معلم نمونه انتخاب شده و به این افراد (۴۰۰ هزار تومان به صورت نقد به عنوان کمک هزینه سفر عتبات عالیات اهدا می شود). همچنین معاون پژوهش و منابع انسانی سازمان آموزش و پرورش اعلام کرد که «۵۰ هزار تومان به حساب ۴۰۰۰ هزار معلم برتر در سطح مدارس، ۴۰۰ هزار تومان به حساب ۲۷۶ معلم برتر در سطح مناطق و ۶۰۰ هزار تومان به حساب ۲۰ معلم نمونه استانی واریز می شود.» (ایسنا سه شنبه ۸ اردیبهشت)

شکردهای احمدی نژاد مانند پخش کادو و یا دادن پول در سفرهایش عوامفریبی است.

کارگران و مزدبگیران، فرهنگیان و معلمان که طی سالهای اخیر در وضعیت معیشتی فاجعه بار هستند و هیچ چشم اندازی برای بهبود وضعیتشان در این حکومت یافت نمی شود، به طور مرتب برای خواستهای عادلانه خود دست به اعتراض می زنند، آنها صدقه نمی خواهند. آنها حقوق خود و مزدی عادلانه را طلب می کنند.

برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در اردیبهشت ۱۳۸۸

سرکوب، آزار، بیرون‌ده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

*روز سه شنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۸۸ پس از آن که مدیریت خواسته کارگران صنایع ریخته‌گری ساوه را قبول کرد، اعتصاب کارگران پایان یافت.

به گزارش ایلنا کارگران صنایع ریخته‌گری چندی پیش در اعتراض به افزایش ساعات کار روزانه از ۸ ساعت به ۱۲ ساعت و کاهش شیفت‌های کاری از ۳ شیفت به ۲ شیفت اعتصاب کرده بودند.

*بنا بر گزارشهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران روز دوم اردیبهشت بیش از صد نفر از کارگران کارخانه قند دزفول در اعتراض به وضعیت خود در محل کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارخانه قند دزفول در هفت جاده شوش - دزفول قرار دارد و بزرگترین کارخانه قند چغندری در منطقه خاورمیانه است که از سال ۸۲ به تعطیلی کشیده شد و پس از اعتراضهای مکرر کارگران این کارخانه تعدادی از آنان بازنشست شده و تعدادی دیگر با وعده شروع به کار کارخانه در سالهای آینده به بیمه بیکاری وصل شدند.

تاکنون ۸ نفر از کارگران این کارخانه بر اثر فشارهای ناشی از تعطیلی کارخانه سکنه کرده و جان باخته اند.

*در پی اخراج تعدادی از کارگران کارخانه لاستیک سازی دنا در شیراز، از روز چهارشنبه ۲ اردیبهشت کارگران کارخانه ضمن اخراج هیات مدیره کارخانه دنا خود راسا اقدام به اداره کارخانه کرده‌اند. به گزارش روز دوشنبه ۷ اردیبهشت آفتاب نیوز کارخانه دنا از سال گذشته به دلیل وضعیت بد تولید خود اقدام به اخراج تعدادی از کارگران کارخانه کرده است که این کار با ناراضیاتی کارگران مواجه شده و چند روز است که کارگران کارخانه مذکور ضمن اخراج مدیران آن، دست به اعتصاب زده‌اند.

*جمعی از صافکاران و نقاشان خودرو جیرفت روز سه شنبه ۸ اردیبهشت در اعتراض به فعالیت کارگران افغان این صنف در شهرستان جیرفت، مقابل استانداری کرمان تحصن کردند.

به گزارش ایرنا، معترضان به فعالیت گسترده کارگران افغان در این صنف از مسئولان خواستند تا از ادامه فعالیت آنان جلوگیری به عمل بیاورند.

*روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت جمعی از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی شهر کرمانشاه که مدتی است بیکار شده‌اند، مقابل سازمان کار و امور اجتماعی استان تجمع کردند.

به گزارش ایسنا، منطقه کرمانشاه، با واگذاری اتوبوسهای سازمان اتوبوسرانی کرمانشاه به بخش خصوصی، ۹۴ راننده شرکتی این سازمان بیکار شدند که جمعی از آنها در این روز در اعتراض به وضعیت خود و حل نشدن مشکل بیکاری‌شان، در مقابل سازمان کار و امور اجتماعی استان تجمع کردند.

*به گزارش خبرگزاری دولتی فارس شماری از نمایندگان کارگران شرکت نیبر کشت و صنعت کارون شوشتر صبح روز سه شنبه ۲۲ اردیبهشت با تجمع در مقابل مجلس رژیم خواستار تامین مقرری بیمه بیکاری طبق ماده ۲ قانون کار شدند.

*جمعی از کارگران شرکت قطعه‌سازی خودرو پلاستیران صبح روز سه شنبه ۲۲ اردیبهشت در اعتراض به آن چه قطع شدن مزایا و سخت‌تر شدن شرایط کاری عنوان می‌کردند در محل کار خود تجمع کردند.

به گزارش ایسنا شرکت پلاستیران که از قدیمی‌ترین شرکتهای تولیدکننده باک پلی‌مری خودرو در ایران است توسط مدیریت جدید این شرکت نیمه‌دولتی که پس از ۳۰ سال عوض شده است، سطح رفاه کارگران را پایین آورده و مزایا را قطع کرده است.

در یک طومار که ۳۹۰ نفر از کارکنان این شرکت آن را امضا کرده‌اند خواستار رسیدگی به مطالبات و پرداخت مزایا طبق قانون شده‌اند.

*بیش از ۵۰ نفر از کارگران کارخانه شیمیایی کروم کیمیکال ساری به دلیل دریافت نکردن یکساله حقوق، عیدی و پاداش و نپرداختن پنج ساله بن کارگری از سوی کارفرما روز پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت در مقابل استانداری مازندران تجمع کردند.

به گزارش سایت امیر کبیر مسئولان دولتی و کارخانه به درخواست کارگران جواب نمی دهند.

*طبق گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری روز یکشنبه ۲۷ اردیبهشت، کارگران شرکت پیمانکار نصاب نیروگاه گازی خرمشهر دست به اعتصاب زدند. کارگران این شرکت به دلیل عدم پرداخت دستمزدهایشان، در یک حرکت متحدانه در محل نیروگاه دست به اعتصاب زدند.

*سلمان یگانه فعال جنبش کارگری جان باخت

با کمال تأسف. سلمان یگانه رفیق فعال و زحمتکش جنبش کارگری در پنجشنبه روز ۱۷ اردیبهشت در حین انجام کار در کارخانه فولاد لوشان به نحو دلخراشی در دستگاه بنونر سقوط نموده و بر اثر شدت جراحتهای وارده در بیمارستان آریا رشت جان سپرد.

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری سلمان در شمار فعالین، کارگری پیگیر در منطقه گیلان بوده که سالهای سال در جهت احقاق حقوق کارگران و زحمتکشانش تلاش نموده است. فقدان این عزیز بی شک باعث تأثر و اندوه فراوان فعالان کارگری خواهد بود.

*پیام سندیکای کارگر نیشکر هفت تپه در رابطه با دستگیریهای اول ماه مه امسال تهران

در روز ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۸۸ (روز جهانی کارگر) بنا به فراخوان تشکلهای اجتماعی و مستقل جنبش کارگری ایران مراسمی برگزار گردید که خواسته ها و مطالبات کارگران ایران در آن قید شده بود.

در آن روز تعداد کثیری از فعالان کارگری، خانواده های کارگران و مردمی، بنا به فراخوان در محل پارک لاله و در اطراف میدان آب نمای آن تجمع کردند که پیش از شروع برنامه از طرف نیروهای انتظامی سرکوب و دستگیر شدند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به عنوان یکی از امضا کنندگان این فراخوان، این سرکوب و دستگیریهها را محکوم می کند و خود را در کنار خانواده زندانیان می داند و در راه آزادی این عزیزان و در چهارچوب قوانین داخلی و بین المللی، هر کاری که صلاح باشد انجام می دهد و از تمام نهادهای کارگری عضو فدراسیون جهانی مواد غذایی که ما عضوش هستیم می خواهد که به دولت‌هایشان فشار بیاورند که از دولت ایران بخواهند که تمامی زندانیان کارگری ایران هر چه سریعتر بدون هیچ قید و شرطی آزاد گردند.

با امید به برقراری عدالت در سراسر جهان سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اردیبهشت هشتاد و هشت

گزارشی پیرامون راهپیمایی و اعتصابات کارگری در گوشه و کنار جهان

آناهیتا اردوان

کارگران جهان امسال در حالی روز اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران را جشن می گیرند که سیستم سرمایه داری با یکی از دشوارترین بحرانهای خود روبروست. حذف بیش از پیش خدمات رفاهی دولتی، تشدید بیکاری، فقر و کاهش روزافزون دستمزدها به عنوان برآیند سیستم بهره کشی انسان از انسان، بیش از پیش شرایط معیشتی طبقه کارگر جهان را به چالش گرفته است. بحران سرمایه داری با جهانی شدن سرمایه نیز جهانی شده و طبقه کارگر همه کشورها را به طور مشترک مورد هدف قرار داده است. نتیجه این وضعیت تشدید شدن، همه گیر شدن و رادیکالیزه تر شدن مبارزه طبقاتی در سراسر جهان است. طبقه کارگر جهان با دردی مشترک روبروست، بنابراین، یک صدا و بیش از پیش، در سراسر جهان در کارزاری مشترک به گرد هم آمده است. بحران ساختاری سرمایه داری یک همبستگی بین المللی کارگری در جهان به وجود آورده که با نگاهی مختصر به گزارش مینی بر برگزاری روز جهانی کارگر و اعتصابات جهانی کارگران در ماههای اخیر بسیار محسوس و قابل توجه است.

طبقه کارگر جهان با فریادهای مشترک، در راهپیمایی در روز جهانی کارگر در کشورهای مختلف از فرانسه تا اسرائیل، از ایتالیا تا تایوان، پاکستان، هند و ایران نشان داد که تضاد بین سرمایه و کار به عنوان تضادی دایمی در شرایط بحرانی بیش از پیش در مقابل سیستم سرمایه داری که بحران ذاتی آن است، قد علم می کند و بر "سوسیالیسم" به عنوان تنها آلترناتیو سیستم سرمایه داری مهر تأکید و تأیید چندین باره می زند.

گزارش زیر مختصری از اعتراضها و راهپیماییهای روز جهانی کارگر در گوشه و کنار جهان است:

فرانسه

اتحادیه های کارگری فرانسه بعد از گذشت سالها، جهت برگزاری راهپیمایی مشترک به مناسبت روز اول ماه مه به هم پیوستند. به گزارش "چینا پست"، اول ماه مه، بیش از سیصد راهپیمایی در مناطق مختلف کشور فرانسه برگزار شد که نسبت به راهپیماییهای سالهای گذشته به همین مناسبت چشمگیر تر بوده است.

البته این راهپیماییها به دنبال اعتراضها گسترده در ماههای اخیر علیه بیکاری و وضعیت وخیم اقتصادی صورت گرفت که یکی از بزرگترین آن اعتراضها شانزده مارس بود که بیش از یک میلیون کارگر را به خیابانها کشاند. فرانسوی و یگو، سخنگوی جریان تازه تاسیس "حزب چپ جدید"، در راهپیمایی که در جنوب شهر "مونپلیه" برگزار شد ابراز داشت: "خشم مردم در حال افزایش است زیرا که مردم حاضر نیستند بهای بحرانی که دیگران عاملان اصلیش بودند را بپردازند."

به گزارش "ورلد سوسیالیست"، ۲ مه، بیش از یک میلیون نفر در راهپیماییهای روز جهانی کارگر در شهرهای مختلف فرانسه شرکت کردند. س.ژ.ت، بزرگترین اتحادیه کارگری فرانسه وابسته به حزب کمونیست، به ۲۳۸ راهپیمایی در فرانسه اشاره کرده است. کارگران و جوانان در این راهپیماییها بر مطالبات خود مبنی بر تغییرات جدی اجتماعی و اقتصادی تأکید کردند. این اتحادیه شمار راهپیمایی کنندگان تنها در شهر پاریس را حدود ۱۶۰ هزار نفر اعلام کرد. این در حالیست که مأموران دولتی تعداد شرکت کنندگان در شهر پاریس را تنها ۶۵ هزار نفر گزارش کرده اند. روی پرچمهایی که راهپیمایی کنندگان در دست داشتند نوشته شده بود: "سرکوزی به ما قول داد. سرکوزی به ما دروغ گفت!" شمار شرکت کنندگان در شهرهای مarse و لیون به ترتیب ۳۵ و ۱۵ هزار نفر گزارش شده است. میزان بیکاری در فرانسه به دلیل بحران ساختاری سرمایه داری به یک میلیون نفر در سال جاری رسیده است. بر اساس دو نظر سنجی عمومی که در اواخر ماه آوریل منتشر شد، هفتاد درصد از مردم فرانسه از اعتراضها اول ماه مه حمایت می کنند.

ایتالیا

رهبران اتحادیه ها جهت اعلام همبستگی با هزاران کارگر که در اثر حادثه ماه گذشته کار خود را از دست دادند، اعتراضها روز اول ماه مه را از شهرهای دیگر به شهر زلزله زده آکویلا کشیدند. "ورلد نیوز"، ۹ آوریل، قبلا اعلام کرده بود که بزرگترین راهپیماییها قرار است در روزهای بیست و پنج آوریل به عنوان "روز ملی"، اول ماه مه و دوم ژوئن مصادف با "روز جمهوری" از سوی

سازماندهندگان برگزار گردد. آنان تخمین می زدند که بسیاری برای مخالفت با سیاستهای برلوسکونی، نخست وزیر کشور ایتالیا در این راهپیماییها شرکت خواهند کرد. به گزارش "گرین لفت"، ۲ مه، نزدیک به دو و نیم میلیون نفر با حمل پرچمهای سرخ و در حالی که سرود معروف ضد فاشیستی "بلا چاو" را می خواندند، در تاریخ چهار آوریل به خیابانها آمدند. این راهپیمایی توسط اتحادیه سراسری کارگران ایتالیا برگزار شد.

اقتصاد کشور ایتالیا نیز مانند دیگر کشورهای جهان با بحران روبروست. رشد اقتصادی کشور ایتالیا بر اساس تخمین همین اتحادیه، ۲ تا ۳ درصد در سال جاری کاهش پیدا خواهد کرد و به احتمال میزان بیکاری به یک میلیون نفر تا سال ۲۰۱۰ خواهد رسید. بسیاری از کارگران ایتالیایی با درآمد بسیار پایینی زندگی را سپری می کنند. بر اساس گزارش اداره مالیات این کشور در ماه آوریل، ۳۵ درصد از ایتالیاییها با درآمدی کمتر از ده هزار یورو در سال زندگی می کنند.

درگیری بین معترضان و مأموران دولتی در کشورهای

آلمان، یونان و ترکیه

آلمان

درگیری بین مأموران پلیس و تظاهرکنندگان در یک راهپیمایی در پایتخت کشور آلمان به دستگیری دوازده نفر در شهر برلین و دویست نفر در غرب شهر دورتمند انجامید. به گزارش رویتر، ۲ مه، پلیس با استفاده از گاز اشک آور به معترضان که صورت خود را ماسک پوشانده بودند و به بانکها سنگ پرتاب می کردند، حمله کرد. همچنین یک راهپیمایی کننده در یک تجمع اعتراضی علیه نو - نازیستها بازداشت شد. در شهرهای برلین و هامبورگ راهپیمایی کنندگان در حالی که شعارهای ضد سیستم سرمایه داری می دانند، به بیش از پنجاه اتومبیل پلیس خسارتی وارد ساختند.

یونان

در کشور یونان نیز اخباری مبنی بر درگیری بین تظاهرکنندگان و مأموران پلیس در شهر آتن گزارش شده است. از شمار دستگیرشدگان و آمار خسارات خبری در دست نیست اما

اعتصابها عظیم کارگری سیستم حمل نقل شامل اتوبوسها، قطار و حتی سرویس هوایی را مختل ساخت.

به گزارش رویتر، ۲ مه، نزدیک به شش هزار نفر از اعضای اتحادیه کمونیستی کارگری در برابر چشم چهار هزار پلیس در شهر آتن گرد هم آمدند. آنان با سر دادن شعار به طرحهایی که سرمایه را با وجود فقر کارگران نثار بانکها می کند، به شدت اعتراض کردند.

ترکیه

به گزارش رویتر، ۲ مه، در جریان درگیری بین معترضان به وضعیت وخیم اقتصادی و مأموران پلیس در شهر استانبول، ۶۸ نفر دستگیر شدند. امسال روز اول ماه مه تحت فشار اتحادیه های کارگری از سوی دولت ترکیه به عنوان روز تعطیل عمومی شناخته شد. یک فیلمساز در جریان یک راهپیمایی به همین مناسبت عنوان کرد: "بحران اقتصادی جهان را در بر گرفته است اما شرایط در ترکیه بسیار وخیم است. اینجا در بین راهپیمایی کنندگان دانشجویان جوانی هستند که قادر به پرداخت هزینه تحصیل خود نیستند."

تقریباً یک نفر از هر سه جوان در ترکیه بدون شغل است و دولت از آشفته گی اجتماعی و افزایش اعتراضها به دلیل بحران اقتصادی در هراس می باشد.

روسیه

دولت روسیه برای رویارویی با اعتراضهای روز اول ماه مه پیشاپیش به خیابانها آمد و هنگامی که کمونیستها و حتی لیبرالها علیه دولت شعار می دادند، راهپیمایی روز اول ماه مه را تحت نظر داشت. بر اساس گزارش پلیس مسکو و خبرگزاری اسوشیتد پرس، ۲ مه، چهار کمونیست در همین رابطه بازداشت شده اند. هزاران کمونیست در شهر مسکو با ایجاد گردهمایی کنار مجسمه مارکس از دولت خواستند تا استعفا دهد زیرا نیاز همه مردم را نادیده گرفته و در اداره اقتصاد کشور شکست خورده است.

در شهرهای دیگر نیز گردهماییها و تجمعهای اعتراضی برپا شد اما به دلیل اتوریتته دولت، در بیشتر این راهپیماییها نگرانیها به دلیل بحران اقتصادی ابراز شد ولی از مخالفت با سیاستهای دولت خودداری به عمل آمد.

به گزارش گاردین، ۲ مه، پلیس در سن پترزبورگ، دومین شهر بزرگ روسیه و شهر تولد انقلاب بلشویکی سال ۱۹۱۷، صد و بیست نفر از جناح راست مسلح به چاقو را دستگیر کرد.

بقیه در صفحه ۱۰



گزارشی کوتاه از شرکت فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آلمان - دوئیسبورگ

فریدون رضانی

روز اول ماه ماه، روز کارگر امسال، با شرکت سازمانها و گروههای مختلف، همراه با جشن و پایکوبی برگزار شد.

شهر هامبورگ دوئیسبورگ یکی از شهرهای کارگری آلمان به شمار می رسد. وجود معادن مختلف به خصوص معدنهای ذغال سنگ، باعث فعالیت سندیکاهای کارگری در این شهر است. در راهپیمایی امسال همچون گذشته سندیکاهای کارگری نقش فعالی داشتند.

راهپیمایی روز کارگر در ساعت ۱۰/۳۰ صبح از مقابل شهرداری دوئیسبورگ هامبورگ با موزیک، ترانه سرود و شعارهای انقلابی به سمت لندشتافت پارک آغاز شد.

امسال پلیس بر عکس سال قبل مشکلی برای راهپیمایان ایجاد نکرد و راهپیمایان بدون هیچ مشکلی تا محل برگزاری مسیر راه را ادامه دادند.

راهپیمایان در محل فابریک متروکه، لند شافت پارک در کنار سن سخنرانی و برنامه های موسیقی گرد هم آمدند. گروههای مختلف موزیک ترانه های زیبا و دل انگیز و تهیهی اجرا کردند و مردم را به شور آوردند.

غرفه های احزاب و سازمانها امسال فعال تر از سال قبل به نظر می رسید.

منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به زبانهای آلمانی و فارسی، به همراه بیانیه اول ماه مه سازمان به زبان فارسی، ویکی از بیانیه های اول ماه مه سالهای قبل که ترجمه به زبان آلمانی شده بود را در اختیار شرکت کنندگان حاضر در مراسم بر روی میز غرفه (روت هیلفه) قرار داده شد و مورد استقبال قرار گرفت.

کشور دانمارک ۲۰۰ هزار نفر گزارش شده است.

اعتصابها گسترده کارگران در کشور عراق

کارگران صنعت نفت در بصره و کارگران صنعت برق در ناصریه در حال مبارزه برای رسیدن به خواسته های خود هستند. مبارزه کارگران عراقی با توجه به وضعیت وخیم بعد از جنگهای متوالی و اشغال این کشور، بسیار مهم و ارزشمند ارزیابی می شود.

به گزارش "در دفاع از مارکسیسم"، ۱۵ مه، کارگران صنعت چرم که بیش از دو هزار نفر می باشند، برای مطالبات خود اعتصاب کردند. کارگران صنعت میل و پارچه نیز به این اعتصاب پیوستند. بیش از دویست نفر از کارگران صنعت پتروشیمی در ۱۷ آوریل سال جاری برای گرفتن دستمزدهای عقب افتاده خود تجمع کردند. کارگران صنعت برق ناصریه نیز با برگزاری تجمع در ۲۸ مه ماه از دولت خواستند تا وضعیت استخدامی آنها را تغییر دهد و آنان را به عنوان کارگران تمام وقت در نظر بگیرد.

"احمد سلیم"، یکی از رهبران تجمع می گوید که این راهپیماییها و تجمعها جهت فشار آوردن به دولت است تا به کارگران گوش دهد. یکی دیگر از کارگران ابراز داشت: "دستمزدهای ما بسیار پایین است، ما فقط ۴ هزار دینار (برابر و یا کمتر از ۳ دلار و نیم آمریکا) حقوق می گیریم." وی اضافه می کند که کارگران قادر به پرداخت هزینه زندگی خود با این دستمزدها نیستند.

کارگران عراقی همچنین به قانون ضد تروریسم اعتراض دارند و ابراز می دارند که دولت از این قانون علیه اتحادیه های کارگری استفاده می کند. ماموران دولتی با استفاده از اتهام تروریست بودن به محل سکونت "حمیار سلیم"، مدیر اتحادیه کشاورزی عراق حمله برده و او را بدون هیچ مدرکی دستگیر کردند. وی بعد از سه ماه حبس در شرایط بسیار دشوار با تلاش اتحادیه ها و تشکلهای مختلف از زندان آزاد شد.

این گزارش اضافه می کند که ماموران دولتی، "حمیار سلیم" را بدون هیچ دستور قانونی و حکم رسمی بازداشت و زندانی کردند، در صورتی که روند دادگاه وی نشان داد که تروریست بودن، اتهامی واهی نسبت به وی بوده است.

است که قرار است در همین ایالت در هفته های آینده اعتصاب کنند.

جمهوری دمیونیک

کارگران به مناسبت روز همبستگی جهانی کارگران با فراخوان تشکل معروف این ایالت دست به اعتصابی یک هفته ای و همگانی زدند که با خشونت نیروهای دولتی روبرو گشت که در نتیجه آن چندین کارگر مجروح و دو نفر دیگر به قتل رسیدند. یکی از این دو نفر، پسر نوجوانی سیزده ساله بود.

هنگ کنگ

هفت هزار کارگر در راهپیمایی روز اول ماه مه سال جاری در هنگ کنگ، شرکت کردند. بیش از ۳۵۰۰ راهپیمایی کننده به تجمع اعتراضی که توسط کنفدراسیون اتحادیه های کارگری هنگ کنگ برپا شده بود، پیوستند. بیشتر آنان را جوانان، کارگران، کارگران مهاجر و زنان تشکیل می دادند که خواهان افزایش دستمزدها بودند. انجام راهپیماییهایی در سطح کوچکتر توسط کارگران مهاجر در شهرهای دیگر هنگ کنگ نیز گزارش شده است.

پاکستان

به گزارش اسوشیتدپرس، ۲ مه، صدها هزار نفر از کارگران پاکستان در سراسر کشور به خیابانها آمدند تا روز همبستگی جهانی کارگران را پاس داشته و بر خواسته های خود تاکید ورزند. کارگران از بخشهای مختلف اقتصادی، از اقوام، نژاد و مذاهب گوناگون دست در دست یکدیگر در این راهپیمایی شرکت کردند.

دانمارک

تنها در سه ماه گذشته بیش از ۲۱ هزار کارگر در کشور دانمارک تحت تاثیر بحران اقتصادی از کار اخراج شده اند. خبرگزاری "سوسیالیست ورلد"، ۲ مه، از تفاوتهای بنیادین بین راهپیماییهای سالهای قبل روز جهانی کارگر با مراسم امسال در این کشور خبر داد.

سالانه ۱۱ هزار نفر در کشور دانمارک دچار فقر می شوند. طبقه کارگر زیر فشار بحران مجبور به تحمل کاهش دستمزدها، اخراج و ساعتی کوتاه تر کاری است. صدها هزار کارگر در روز جهانی کارگر در مخالفت با معضلات بحران اقتصادی سرمایه داری اقدام به راهپیمایی کردند. "ورلد سوسیالیست" اضافه می کند که شمار شرکت کنندگان در پایتخت

گزارشی پیرامون راهپیمایی و اعتصابهای کارگری در گوشه و کنار جهان

بقیه از صفحه ۹

توکيو

۳۶ هزار نفر در راهپیمایی روز جهانی کارگر در شهر توکیو گرد هم آمدند. به گزارش گاردین، ۲ مه، آنان خواستار امکانات اجتماعی بیشتر و کاهش بودجه نظامی شدند. راهپیمایی روز جهانی کارگر در توکیو امسال با شرکت چشمگیر جوانان روبرو گردید.

اسپانیا

به گزارش گاردین، ۲ مه، در کشور اسپانیا، جایی که گفته می شود یک کارگر از هر پنج کارگر با خطر بیکاری در سال آینده روبرو خواهد شد، دهها هزار نفر در راهپیمایی روز جهانی کارگر شرکت کردند. شمار شرکت کنندگان در مادرید ده هزار نفر گزارش شده است.

کره جنوبی

گاردین همچنین از راهپیمایی هشت هزار کارگر و دانشجوی در کشور کره جنوبی خبر داد. آنها خواستار توقف فوری تشدید اخراجها و کاهش دستمزدها که محصول بحران اقتصادی است، شدند.

افزوده بر این، گاردین از راهپیمایی ده ها هزار نفر در پایتخت کامبوج و دیگر شهرهای این کشور خبر داد.

شیلی

به گزارش "ورلد سوسیالیست"، اول مه، کارگران شیلی در اقدامی مشترک به اعتصابی سراسری در شانزده آوریل سال جاری دست زدند. شعار آنان "کارگران نباید بهای بحران را بپردازند" بود. بازده صنعتی این کشور نسبت به سال گذشته ۷،۱ درصد کاهش یافته و نرخ بیکاری رسمی به ۹،۲ درصد افزایش یافته است.

ونزوئلا

دو هزار کارگر صنعت ذوب آهن ساکن ایالت پونتورو در کشور ونزوئلا به مناسبت روز اول ماه مه با بستن خیابانها و آتش زدن لاستیک خشم خود را نسبت به شرایط وخیم اقتصادی نشان دادند. این مقدمه اعتراض ۲۷ هزار کارگر

دبیر خانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران منتشر می کند.

برخی از حرکت‌های کارگری از اول اردیبهشت ۱۳۷۸ تا اول اردیبهشت ۱۳۸۸

مه ۲۰۰۸ تا مه ۲۰۰۹

چند توضیح:

* حرکت‌های کارگری که در لیست زیر جمع آوری شده در ۱۲ شماره قبلی نبرد خلق به شکل مسروح تری همراه با منبع خبر منتشر شده است.
* این اخبار به نقل از رسانه‌های جمعی گوناگون است و مسلماً بسیاری از حرکت‌های کارگری که در رسانه‌های جمعی پوشش خبری داشته در این لیست وجود ندارد.
* آن چه مسلم است بسیاری از حرکت‌های کارگری در سال گذشته پوشش خبری پیدا نکرده و بنابراین این لیست نمی تواند بیان کامل حرکت‌های کارگری در سال گذشته باشد.

* حرکت‌های کارگری در شرکت کشت و صنعت هفت تپه به علت اهمیت آن به طور جداگانه در پایان این لیست درج شده است.
* برای اطلاع روزانه از چالش‌ها و حرکت‌های کارگران و مزدبگیران ایران به آدرسه‌های زیر مراجعه کنید:

<http://www.iran-nabard.com/kareghari.htm>

<http://www.jongekhabar.com/>

اردیبهشت ماه ۱۳۸۷

۷ اردیبهشت: اعتصاب سراسری کارگران زغال سنگ البرز مرکزی که کارخانه آن در حاشیه شهر سوادکوه قرار دارد.

۷ اردیبهشت: تجمع اعتراضی کارگران شرکت آونگان اراک. کارگران معترض در جاده اصلی منتهی به شهر را مسدود کردند.

۹ اردیبهشت: مسدود کردن جاده قم-تهران به وسیله صدها تن از کارگران شرکت آونگان اراک.

۱۰ اردیبهشت: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه آذرباب برای چندمین بار.

۱۰ اردیبهشت: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه قند کامیاب شهرستان خمینی شهر.

۱۶ اردیبهشت: اعتصاب کارگران کاشی رویال سمنان به مدت ۲ روز.

۲۳ اردیبهشت: تجمع اعتراضی کارگران شرکت بهداشتی مینا در قزوین. نیروی انتظامی در این حرکت دخالت سرکوبگرانه کرد.

۶ خرداد: اعتصاب طولانی حدود سه هزار تن از کارگران کارخانه های آجر پزی ارومیه.

۷ خرداد: اعتصاب کارکنان شرکت صنایع پتروشیمی کرمانشاه.

۷ خرداد: راهپیمائی کارگران صنایع اراک در مسیر ۱۳ کیلومتری کارخانه تا اداره کار اراک.

۸ خرداد: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه قند بردسیر در استان کرمان.

۸ خرداد: اعتصاب بیش از ۸۰۰ تن از کارگران شاغل در ۳۰ کوره آجرپزی قرچک.

۱۲ خرداد: تحصن کارگران کارخانه صنایع چوب طالقانی به همراه اعضای خانواده‌های خود در محوطه ساختمان وزارت کار و امور اجتماعی.



۱۲ خرداد: ادامه اعتصابات گسترده بیش از ۳ هزار تن از کارگران کوره آجرپزی قرچک.

۱۸ خرداد: تحصن و تجمع کارگران شرکت ریسندگی خاور رشت. کارگران با بستن جاده فومن به رشت اقدام به آتش زدن لاستیک در این مسیر نمودند.

۲۰ خرداد: تجمع اعتراضی کارگران معدن ذغال سنگ طیس.

۲۰ خرداد: تجمع اعتراضی و اعتصاب کارگران شرکت فرنگ و مه نخ قزوین.

۲۰ خرداد: اعتصاب و تحصن کارگران لاستیک البرز (کیان تایر).

۲۲ خرداد: تجمع اعتراضی کارگران شرکت تولیدی پونل پاکدشت.

۲۲ خرداد: تجمع اعتراضی کارگران شرکت تولیدی پونل پاکدشت در مقابل دفتر مدیریت کارخانه.

۲۵ خرداد: پایان اعتصاب ۱۰ روزه ۷۶۰ کارگر مجتمع تولیدی فرنگ و مه نخ قزوین.

نخ قزوین.

۲۶ خرداد: کارگران کوره پزخانه های شستر توانستند پس از ۱۹ روز اعتصاب کارفرمایان را به افزایش دستمزدها وادارند.

۲۷ خرداد: تجمع اعتراضی کارگران سنگ آهن شهر سنگان.

۲۷ خرداد: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور در استان فارس.

۳۰ خرداد: پایان اعتصاب و اعتراض بلندمدت کارگران صنایع اراک.

تیر ماه ۱۳۸۷

۴ تیر: تجمع اعتراضی کارگران مجتمع هما مرغ وابسته به کشت و صنعت مهاباد در مقابل فرمانداری این شهر.

۱۱ تیر: ادامه اعتصاب کارگران ایران خودرو با شعار «زندگی شایسته حق مسلم ماست».

۱۲ تیر: تجمع اعتراضی کارگران صنایع مخابراتی راه دور ایران در مقابل استانداری شیراز.

۱۵ تیر: هشتمین روز اعتصاب کارگران کارخانه‌های تولیدی تهران پتو و ایران ترمه قم.

۱۵ تیر: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه قند بردسیر کرمان در مقابل فرمانداری کرمان.

۱۶ تیر: اعتصاب ۲ ساعته کارگران کارخانه شماره ۲ صنایع فلزی «سازه‌های سنگین».

۱۸ تیر: تجمع اعتراضی کارگران اخراجی کارخانه «فرش بافت» سنندج در مقابل اداره کار این شهر.

۱۹ تیر: اعتصاب، تجمع اعتراضی و مسدود کردن جاده اهواز - خرمشهر توسط کارگران شرکت لوله‌سازی خوزستان.

۱۹ تیر: اعتصاب کارگران مجتمع تولیدی «فرنگ و مه نخ» قزوین.

۲۲ تیر: اعتصاب کارگران کارخانه لاستیک البرز (کیان تایر تهران).

۲۸ تیر: تجمع اعتراضی کارگران شرکت «فرش پارس» سنندج در مقابل کارخانه.

۳۰ تیر: ادامه اعتصاب کارگران لاستیک البرز.

۳۱ تیر: اعتصاب کارگران نیرو رخش سنندج.

مرداد ۱۳۸۷

۵ مرداد: اعتصاب کارگران کارخانه اشکان چینی و نشستن کارگران این کارخانه اعم از زن و مرد در دو طرف خیابان.

۷ مرداد: تجمع اعتراضی کارگران شرکت لامپ الوند قزوین در مقابل فرمانداری البرز.

۸ مرداد: پایان اعتصاب کارگران کارخانه نساجی پریس سنندج.

۱۳ مرداد: تجمع اعتراضی و بستن جاده بین المللی قزوین توسط کارکنان مجتمع تولیدی نازخ و فرنگ قزوین.

۱۷ مرداد: اعتصاب کارگران سد استور(شهریار) میانه.

۱۹ مرداد: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه شیر در تربت حیدریه.

بقیه در صفحه ۱۲

برخی از حرکت‌های کارگری از اول اردیبهشت ۱۳۷۸ تا اول اردیبهشت ۱۳۸۸ مه ۲۰۰۸ تا مه ۲۰۰۹

بقیه از صفحه ۱۱

۱۹ مرداد: تجمع اعتراضی کارگران شرکت نساجی کردستان برای چندمین بار در مقابل این شرکت.
۲۱ مرداد: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه نساجی زربافت کردستان در مقابل اداره کار در سنندج.
۲۰ مرداد: تجمع اعتراضی کارگران کارگران شرکت لامپ الوند قزوین برای بار دوم.
۲۵ مرداد: اعتصاب کارگران قطار شهری اهواز.
۳۰ مرداد: ادامه اعتصاب کارکنان و کارگران شرکت کیان تایر (لاستیک سازی البرز) که از روز ۲۲ تیر آغاز شده است. روز ۲۲ مرداد کارگران خشمگین کیان تایر در جاده ساوه مستقر شدند و صدای اعتراض خود با کوبیدن بر بشکه‌هایی که از قبل آماده کرده بودند به گوش مردم رساندند.
۳۱ مرداد: تجمع اعتراضی و اعتصاب پرستاران بیمارستان کامکار قم.

شهریور ۱۳۸۷

۲ شهریور: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه لوله سازی اهواز.
۳ شهریور: تجمع اعتراضی کارکنان شرکت پشتیبانی صنعت برق گیلان در مقابل دفتر این شرکت.
۸ شهریور: تجمع اعتراضی بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تامین اجتماعی شهرستان رشت در مقابل اداره این سازمان.
۹ شهریور: تجمع اعتراضی و بستن سه راه خرمنشهر توسط کارگران کارخانه لوله سازی اهواز.
۱۱ شهریور: تجمع اعتراضی کارگران شهرداری اندیمشک در مقابل شهرداری اندیمشک.
۱۲ شهریور: تجمع اعتراضی رانندگان وسایل نقلیه و تاکسیهای گازسوز شهرستان کازرون در فرمانداری این شهرستان.
۱۳ شهریور: تجمع اعتراضی کارگران لاستیک البرز (کیان تایر) در مقابل نهاد ریاست جمهوری.
۱۶ شهریور: اعتصاب کارگران شرکت رامشیر که در پروژه پالایشگاه گاز، فازهای ۹ و ۱۰ کار می‌کنند.
۱۷ شهریور: اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران لوله سازی اهواز با شعار «مرگ بر ظالم»

۱۸ شهریور: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه نساجی کردستان در مقابل استانداری کردستان در سنندج.
۱۸ شهریور: اعتصاب و تجمع اعتراضی کارکنان اداره کل تربیت بدنی هرمزگان در مقابل درب استانداری.
۲۰ شهریور: اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران شرکت فرش غرب بافت سنندج.
۲۴ شهریور: اعتصاب ۳ روزه کارگران فلات پارس و تجمع آنان در محوطه کارخانه.

مهر ماه ۱۳۸۷

۲ مهر: تجمع اعتراضی کارگران قراردادی شرکت گاز استان کرمانشاه.
۳ مهر: اعتصاب کارگران نساجی کردستان، فرش غرب بافت و ریسندگی پیریس سنندج.
۳ مهر: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه لاستیک البرز.
۶ مهر: تجمع اعتراضی کارکنان اخراجی شرکت سراب بافت در مقابل مجلس ارتجاع.
۸ مهر: اعتصاب رانندگان کامیونهای باربری اهواز وارد سومین هفته خود شد.
۱۴ مهر: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه لاستیک‌سازی البرز در محوطه وزارت کار.
۱۴ مهر: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه پیریس.
۱۷ مهر: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه قند بردسیر همراه با همسران و فرزندان خود در محوطه این کارخانه.
۲۰ مهر: راهپیمایی کارگران فرش غرب بافت سنندج همراه با همسران و فرزندان خود از چهار راه ادب - شریف آباد تا جلو اداره کار سنندج با شعار «زندگی انسانی حق ماست».
۲۴ مهر: تجمع اعتراضی پرسنل اداره برق گیلان.

آبان ۱۳۸۷

۱ آبان: تجمعی اعتراضی پرستاران مراکز بهداشتی و درمانی شهرستان خمینی‌شهر در مقابل اداره‌ی تامین اجتماعی این شهرستان.
۹ آبان: اعتصاب کارگران شرکت پارس خودرو.
۱۶ آبان: تجمعی اعتراضی کارگران شرکت سیلان پارچه اردبیل برای چندین بار.
۲۰ آبان: تجمعی اعتراضی کارگران کیان تایر (لاستیک البرز) در مقابل دفتر احمدی نژاد. شعار کارگران «این آخرین پیام است کارگر مبارز آماده قیام است» بود و مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی به کارگران زحمتکش کیان تایر یورش بردند.
۲۱ آبان: اعتصاب کارگران شرکت لوله‌سازی لوشان، مشغول در پروژه لوله‌گذاری در بندر انزلی. قبلاً یک بار

تعدادی از کارگران دست به اعتصاب زده بودند که آن اعتصاب منجر به اخراج ۴ نفر از کارگران شده بود.
۲۲ آبان: اعتصاب دو هفته‌ای کارگران کارخانه ایران برک رشت. کارخانه ایران برک رشت با بیش از ۳۷ سال سابقه کار، تنها مرکز تهیه پارچه فاستونی و دوخت و دوز کت و شلوار در منطقه گیلان است.

۲۶ آبان: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه چینی اشکان در مقابل دادگستری شهرستان قزوین.
۲۹ آبان: تجمع اعتراضی کارگران شرکت سازمایه پاکدشت در مقابل دادگستری پاکدشت.

آذر ۱۳۸۷

۶ آذر: تجمع اعتراضی کارگران شرکت لاستیک سازی البرز در مقابل دفتر این شرکت نزدیک میدان ونک تهران.
۷ آذر: تجمع اعتراضی و اعتصاب کارگران شرکت لوله‌سازی لوشان.
۹ آذر: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه صنایع فلزی ۲ ایران.
۹ آذر: تجمع اعتراضی کارگران اخراجی شرکت پیریس سنندج در محل اداره کار استان در سنندج.
۱۲ آذر: تجمع اعتراضی کارگران شرکت ذوب آهن اصفهان در جاده زرین شهر - اصفهان.
۱۷ آذر: تجمع اعتراضی کارگران صنایع شیمیایی ساری در مقابل تامین اجتماعی استان.
۲۰ آذر: اعتصاب کارگران کارخانه پارچه بافی «کرب ناز» کرمانشاه.
۲۰ آذر: تجمع اعتراضی و اعتصاب کارکنان و کارگران شهرداری خرمنشهر.
۲۵ آذر: تجمع اعتراضی کارگران لاستیک البرز.
۲۷ آذر: تجمع اعتراضی کارگران شرکت لوله سازی اهوز روبروی استانداری خوزستان.
کارگران معترض در مسیر ۵ کیلومتری کارخانه تا استانداری راهپیمایی کرده و شعار «زندگی حق مسلم ماست» را فریاد می‌زدند.

دی ماه ۱۳۸۷

۱ دی: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه صنایع فلزی ۲. گروه صنایع فلزی سازنده اسکله فلزی ساختمان و تاسیسات عمرانی، شامل دو کارخانه در منطقه غرب تهران است.
۱ دی: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه لاستیک سازی اردبیل در مقابل استانداری اردبیل. اجتماع کردند.
۲ دی: تجمع اعتراضی و تحصن کارگران کارخانه صنایع فلزی شماره ۲ در تهران.

۱۰ دی: بیستمین روز اعتصاب کارگران پروژه احداث پتروشیمی.
۱۶ دی: اعتصاب کارگران سیمان هگمتانه ی همدان.
۱۶ دی: ادامه اعتصاب کارگران کشت و صنعت مهاباد، واحد یک که از روز ۱۵ دی آغاز شد.
۲۴ دی: تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی در مقابل مجلس ارتجاع.
۳۰ دی: تجمع اعتراضی کارگران اخراجی شرکت آرمین شرق در مقابل اداره کار و امور اجتماعی سیستان و بلوچستان.

بهمن ماه ۱۳۸۷

۲ بهمن: تجمع اعتراضی کارگران فصلی کارخانه قند تربت‌حیدریه در مقابل فرمانداری شهرستان.
۶ بهمن: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه نازنخ قزوین مقابل محل کار احمدی نژاد. کارگران شب قبل از این حرکت را در خیابان به صبح رساندند.
۵ بهمن: تجمع اعتراضی بازنشستگان کارخانه پارسیلون خرم‌آباد در مقابل استانداری لرستان.
۶ بهمن: تجمع اعتراضی و راهپیمایی کارگران شرکت زغال سنگ البرز شرقی.
۹ بهمن: تجمع اعتراضی کارگران شرکت نساجی خامنه در مقابل درب ورودی کارخانه. کارگران معترض پس از تجمع به سمت اداره کار شهرستان شستبر راهپیمایی کردند.
۱۳ بهمن: کارگران فرنیخ و مه نخ جاده بین المللی قزوین را مسدود کردند. این چندمین بار است که کارگران این واحد دست به تجمع زده اند.
۱۳ بهمن: تجمع اعتراضی کارگران شرکت شیلر مهاباد. کارگران به مدت ۱۰ روز در داخل شرکت دست به تجمع زدند و یک بار نیز مقابل فرمانداری تجمع کردند.
۱۳ بهمن: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه ی نساجی مازندران در جلوی درب ورودی کارخانه و پس از آن راهپیمایی به سمت اداره کار.
۱۶ بهمن: شروع اعتصاب ۱۰ روزه کارگران شرکت شیمیایی گرم کیمیکال ساری. این شرکت تنها تولید کننده کرم در کشور است.
۱۹ بهمن: تجمع اعتراضی کارگران شرکت سیمان.
۲۰ بهمن: اعتصاب کارگران شرکت گردآفرین. شرکت گردآفرین یک مؤسسه تولید لباس است که در شهر صنعتی نصیرآباد در منطقه رباط کریم قرار دارد و بیشتر کارگران آن زن هستند.
۲۰ بهمن: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه سرب و روی زنجان در مقابل دفتر این شرکت.
۲۱ بهمن: تجمع اعتراضی کارگران شرکت خورد و لوله اهواز در مقابل استانداری خوزستان.
۲۱ بهمن: تجمع اعتراضی مجدد کارگران نساجی خامنه در مقابل اداره کار تبریز.
بقیه در صفحه ۱۳

برخی از حرکت‌های کارگری از اول اردیبهشت ۱۳۷۸ تا اول اردیبهشت ۱۳۸۸ مه ۲۰۰۸ تا مه ۲۰۰۹

بقیه از صفحه ۱۲

۲۳ بهمن: تجمع اعتراضی کارگران واحد صنایع چوب طالقانی از توابع اسلامشهر در مقابل ساختمان اصلی وزارت کار و امور اجتماعی. کارگران این کارخانه تا این تاریخ برای گرفتن حق خود دوبار به همراه خانواده هایشان به تهران رفتند و یک بار مقابل دفتر احمدی نژاد و سه بار مقابل فرمانداری اسلامشهر و یک بار دیگر مقابل ساختمان وزارت کار تجمع کردند.

۲۹ بهمن: تجمع اعتراضی کارگران شرکت آجرثبات در محل کارشان در ورامین.

۲۷ بهمن: تجمع اعتراضی کارگران صنایع فلزی در میدان پاسنور و راهپیمایی به طرف دفتر احمدی نژاد. در ادامه این تجمع و با اصرار نیروهای انتظامی و امنیتی مستقر در محل، کارگران خیابان را باز کرده و کمی دورتر از محل به تجمع خود ادامه دادند.

۲۹ بهمن: تجمعی اعتراضی کارگران واحد یک و واحد جوجه کشی «کشت و صنعت مهاباد».

۳۰ بهمن: تجمعی اعتراضی کارگران کارخانه نوشابه سازی ساسان در مقابل مجلس ارتجاع.

اسفند ۱۳۸۷

۵ اسفند: هفتمین روز تجمعی اعتراضی کارگران «چینی بهداشتی مینا» در مقابل کارخانه.

۱۰ اسفند: تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته تامین اجتماعی در مقابل مجلس ارتجاع.

۱۱ اسفند: تجمع اعتراضی و راهپیمایی کارگران صنایع فلزی شماره ۲ به سوی دادگستری یافت آباد.

۱۲ اسفند: اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران کارخانه تولیدی لاستیک دنا در شیراز.

کارخانه تولیدی لاستیک دنا ۲ هزار کارگر و کارمند دارد و بیش از ۱۰ هزار نفر به طور غیر مستقیم در ارتباط با این کارخانه قرار دارند.

۱۳ اسفند: ادامه اعتصاب نمایندگان کارگران ذوب آهن اصفهان از طریق عدم دریافت غذای کارخانه که از روز ۱۰ اسفند آغاز شده بود.

۱۳ اسفند: روز دوم اعتصاب و تجمعی اعتراضی کارگران کارخانه نوشاب در تهران

۱۳ اسفند: تجمع اعتراضی کارگران نساجی خامنه در در مقابل کارخانه و راهپیمایی به سمت تبریز و تجمع در مقابل استانداری آذربایجان شرقی.

۱۷ اسفند: دهمین روز اعتصاب کارگران سد زولا سلماس.

۱۷ اسفند: شروع تجمع اعتراضی هر روزه کارگران کارخانه کشف کار در مقابل استانداری گیلان که تا روز ۲۱ اسفند ادامه داشت.

۲۰ اسفند: اعتصاب و تجمع اعتراضی کارکنان و کارگران لوله سازی اهواز که در آن ماموران نیروی انتظامی به کنترل جمعیت پرداخته و از گرفتن هر گونه فیلم و عکس جلوگیری و با افراد مذکور برخورد و گوهشی یا دوربین آن افراد را ضبط می کردند.

۲۱ اسفند: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه آردل در مقابل این شرکت واقع در خیابان توانیر. این کارگران روز ۱۹ اسفند نیز تجمع اعتراضی امیز در مقابل دفتر سهامدار اصلی این کارخانه واقع در ضلع شرقی خیابان مصلی برگزار کرده بودند.

۲۱ اسفند: تجمع اعتراضی کارگران نساجی خاور در مقابل استانداری گیلان. حدود سه هفته پیش از این حرکت، کارگران نساجی خاور در مقابل کارخانه تجمع کردند. کارگران در آن تجمع سه راه خاور را بستند و مانع عبور و مرور وسایل نقلیه شدند. در آن مورد نیز کارگران با سرکوب نیروهای انتظامی و اطلاعاتی رو به رو شدند

۲۱ اسفند: برای چندمین بار طی سال گذشته کارگران شرکت صنایع اراک تجمع اعتراضی کردند. در این روز تجمع کارگران با خشونت بیشتر همراه بود.

۲۲ اسفند: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه پارچه بافی سیلان در اردبیل. کارگران در روز ۲۶ اسفند مسیر ورودی کارخانه سیلان پارچه را مسدود کردند. کارگران سپس راهپیمایی کرده و نیروهای یگان ویژه پلیس که در طول مسیر حرکت اعتراض کنندگان حضور داشتند چندین بار قصد داشتند که مانع حرکت این کارگران به جاده شوند که با مقاومت تجمع کنندگان روبرو شدند.

۲۴ اسفند: تجمع اعتراضی کارگران شهرداری آبادان.

۲۶ اسفند: سومین روز حرکت اعتراضی کارگران اخراجی کارخانه لوله سازی اهواز و تجمع آنان در مقابل درب کارخانه. این تجمع با تهدید نیروی انتظامی پایان یافت.

۲۸ اسفند: تجمع اعتراضی کارگران و کارکنان شرکت نیکو فر در جلوی فرمانداری شاهرود. این تجمع با دخالت نیروهای انتظامی سرکوب شد.

فروردین ۱۳۸۸

۵ فروردین: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه چینی کرد در مقابل اداره کار کرمانشاه.

۱۵ فروردین: تجمع اعتراضی و تحصن روزانه کارگران اخراجی شرکت لوله سازی اهواز که تا روز ۲۹ فروردین به طور مداوم هر روزه جلوی درب اصلی شرکت ادامه داشته است.

۱۶ فروردین: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه فرش پارس قزوین در مقابل این واحد تولیدی.

۱۶ فروردین: تجمع اعتراضی کارگران شرکت همکار ماشین در مقابل استانداری تهران.

۱۷ فروردین: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه «ایران پویا».

۱۷ فروردین: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه ذوب آهن ملایر در مقابل فرمانداری این شهرستان.

۲۰ فروردین: تجمع اعتراضی کارگران شرکت صنایع اراک که در این ماه چندین بار صورت گرفت.

۲۳ فروردین: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه کشتی سازی صدرا بوشهر در مقابل مجلس ارتجاع.

۲۳ فروردین: اعتصاب کارکنان کارخانه کیان تایر.

۲۳ فروردین: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه ریسندگی پرریس سنندج و درگیری بین کارگران کارخانه و نیروهای انتظامی و مستولان این واحد صنعتی.

۲۶ فروردین: تجمع اعتراضی کارگران کنتور نویس در مقابل اتاق مدیریت شرکت آب و فاضلاب شهری استان اردبیل.

۲۶ فروردین: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه قند بردسیر در مقابل فرمانداری این شهر. کارگران هر روز در مقابل ارگانهای مختلف دولتی اعم از فرمانداری، اداره کار، تامین اجتماعی و یا در کارخانه قند تجمع کرده اند.

۲۷ فروردین: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه کشت و صنعت شمال. کارخانه کشت و صنعت شمال با داشتن هزار کارگر در استان مازندران از واحدهای تولید کننده و صادرکننده برتر روغن خوراکی کشور است.

۲۹ فروردین: تجمع اعتراضی کارگران شرکت همکار ماشین در وزارت کار.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه در سال گذشته

۱۶ اردیبهشت: اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در جلوی درب مدیرعامل کارخانه. این حرکت اعتراضی در روز ۱۷ اردیبهشت ادامه پیدا کرد و کارگران تمامی قسمتهای شرکت در این اعتصاب شرکت داشتند.

در ادامه اعتصاب و تجکع اعتراضی در روز ۲۳ اردیبهشت کارگران در مقابل فرمانداری شوش با شعارهایی مانند «معیشت زندگی حق مسلم ماست» و «کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم گرسنه» تجمع کردند. کارگران پس از یک ساعت تجمع در مقابل فرمانداری شوش به سمت مرکز شهر راهپیمایی کردند که با دخالت نیروی انتظامی پایان یافت.

۲۶ اردیبهشت: اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد یازدهمین روز خود شد. نیروی انتظامی هنگامی که کارگران همراه با خانوادههای خود از فرمانداری شوش به سوی بازار شهر در حال راهپیمایی بودند به صورت وحشیانه ای به آنان یورش برد.

۲۹ اردیبهشت: چهاردهمین روز اعتصاب و اعتراضهای گسترده کارگران نیشکر هفت تپه. در این روز کارگران در مقابل درب فرمانداری شوش تجمع کرده و پس از مدتی از فرمانداری به سمت بازارشهر راهپیمایی کردند. کارگران از بازار به سمت چهار راه شوش راهپیمایی کردند و مسیر شوش دزفول را مسدود کردند.

۳۰ اردیبهشت: پانزدهمین روز اعتصاب و اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه. در این روز کارگران جاده اهواز - اندیمشک را مسدود کردند.

۳۰ اردیبهشت: کارگران بار دیگر جاده اهواز - اندیمشک را مسدود کردند. کارگران از فرمانداری به سمت چهار راه شوش راهپیمایی کرده و در طی مسیر تعداد زیادی از مردم و جوانان به کارگران پیوستند.

کارگران در طی مسیر اقدام به دادن شعارهایی مانند مدعی عدالت خجالت خجالت، معیشت و زندگی حق مسلم ماست، حقوق ماهیانه حق مسلم ماست، پرونده سازی علیه کارگران را متوقف کنید، محاکمه کارگران را متوقف کنید، کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد و.....

۱ خرداد: در شهر شوش حکومت نظامی اعلام نشده برقرار و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی از صبح روز اول خرداد شروع به دستگیری گسترده کارگران در سطح شهر نموده و دهها کارگر را دستگیر کردند.

۲ خرداد: هفدهمین روز اعتصاب و اعتراضهای کارگران نیشکر هفت تپه که در آن هر ۳ شیفت کاری شرکت داشتند شروع شد.

روز دوم خرداد کارگران شرکت نیشکر هفت تپه از تمامی کارگران شرکتهایی که از آنها حمایت نمودند تشکر کردند.

۴ خرداد: در بیستمین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران بخشهای مختلف در مقابل دفتر مدیریت شرکت تجمع کردند.

۶ خرداد: نیروهای امنیتی و گارد ویژه به کارگران معترض در مقابل فرمانداری شوش یورش بردند و حدود ۱۲ کارگر را دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل کردند.

کارگران در بیست و پنجمین روز اعتصاب و اعتراضات خود بار دیگر در محوطه صنعتی شرکت تجمع نمودند.

بقیه در صفحه ۱۴

بیان تازه ناکارایی سیاست

مُشت آهنین در برابر

دهانهای گرسنه

فراسوی خبر ۱۲ اردیبهشت

همایشهای طبقاتی کارگران در ۱۱ اردیبهشت، پروسه سازمانیابی مستقل کارگران گرد نیازها و خواستههای خود را یک گام دیگر به پیش بُرد. پیام گردهماییهای کارگران در تهران، سنج، کرمانشاه و سقز، بی بازگشت بودن این فرآیند و تحمیل خود به عنوان یک فاکتور نادیده گرفته شده بر محاسبات حکومت برای تنظیم روابط کار و سطح معیشت میلیونها کارورز است.

بیانیه های علنی که در آنها عزم تشکلهای کارگری به برگزاری مراسم اول ماه مه به نمایش درآمده بود، یک فراخوان صریح به اداره و سازمان دادن امور مربوط به کارگران توسط خود آنها و کوتاه کردن دست دخالتهای دولتی بود. با توجه به سرکوب و پیگرد سیستماتیک و همیشگی که کارگران پیشرو و کوشندگان کارگری به طور ویژه و تحرک صنفی کارگران به طور فراگیر با آن روبرو هستند، بسیج آشکار آنها در این جهت و در برابر چشم حکومت، ناکارایی روزافزون سیاست مُشت آهنین در برابر دهانهای گرسنه را بیانی تازه بخشیده است.

برگزار کنندگان و شرکت کنندگان مراسم روز کارگر نمی بایست پیشگو می بودند تا دریابند که گردهمایی آنها با یورش گزبه های امنیتی حکومت روبرو خواهد گردید. دستگاه های مربوطه خود مُدتها پیش از فرا رسیدن این روز با احضار، تهدید و دستگیری کارگران، پرده های این سناریو را کنار زده بودند. این واقعیت، وزنه ی سنگین و اتکاپذیر حرکت اول ماه را در گشودن پهنه دیگری برای صراحت بخشیدن به خواستهها و استقلال طبقاتی خود و گذار به این نقطه باز می شناساند.

در آینه ی این وضعیت، تشکل دست ساز حکومتی موسوم به "خانه کارگر" را می توان دید که به گونه ناگزیر هر سال نسبت به سال پیش، فتیله آن پایین تر کشیده می شود؛ اقدامی که از یکسو به دلیل بی اعتباری این دستگاه رسمی در میان کارگران و از سوی دیگر، به سبب ناتوانی آن از کانالیزه کردن و کنترل سوژه های خود، به حکومت تحمیل شده است. لباس شخصیهای "خانه کارگر" امسال تنها توانستند در ساختمان این مرکز بساط خود را پهن کرده و شماری را برای سوگاری بر این حال نزار گرد آورند.

نمایش قدرت و همبستگی کارگران در اول ماه مه، درونمایه کنش و واکنشهای این طبقه در ماه های حساس آینده را تشخیص پذیر ساخته است. رویارویی مُشکل تر و همه جانبه تر کارورزان و مزدبگیران با توطئه حکومت برای خالی کردن بار بحران اقتصادی بر شانه آنها، چشم اندازی است که در افق ۱۱ اردیبهشت ۸۸ پدیدار شده است.

بقیه از صفحه ۱۴

۸ خرداد: اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران کارخانه شاهو و جمعی از کارگران کارخانه های نساجی کردستان، پالایشگاه گاز فازهای ۹ و ۱۰، عسلویه، نیرو رخش، پریس، پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه، آجر پزی سنج، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه و شهر صنعتی قم با صدور یک بیانیه از مبارزه کارگران هفت تپه حمایت نمودند.

۱۲ خرداد: در بیست و هشتمین روز اعتصاب و اعتراضهای کارگران نیشکر هفت تپه، فرماندار و مدیر عامل شرکت از طریق تلفن که به بلندگوهای شرکت وصل شده بود از کارگران خواست که نمایندگان خود را جهت مذاکره با نمایندگان استانداری به فرمانداری شهر اعزام کنند. کارگران برای پیشگیری از پرونده سازی جدید علیه نمایندگان خود این پیشنهاد را رد کردند و به آنها اعلام کردند که مذاکرات در محوطه شرکت و در حضور کارگران باید انجام گیرد و ثاباً خواسته ها اعلام شده است. نهایتاً قرار بر این شد که نمایندگان استانداری به محوطه شرکت بروند و با کارگران صحبت کنند.

۲۱ خرداد: کارگران شرکت کشت و نیشکر هفت تپه در ادامه ی اعتصاب و اعتراضهای خود بار دیگر به خیابانهای شوش آمده و نسبت به عدم توجه مسئولان در خصوص پرداخت مطالباتشان اعتراض کردند که با یورش مأمورین نیروی انتظامی خیابانهای شهرستان شوش به درگیری کشیده شد.

۲۸ خرداد: در چهل و چهارمین روز کارگران همراه با خانواده های خود اقدام به بستن جاده ترانزیتی اهواز - اندیشمک در نقطه سه راه خوانساری شوش نمودند.

نیروی های امنیتی و اطلاعاتی با آوردن ماشینهای آب پاش آتش نشانی کارگران و خانواده های آنها را در محاصره خود قرار دادند.

۲۹ خرداد: کارگران همراه با خانواده های خود و مردم هفت تپه طی یک تجمع اعتراضی چند هزار نفری به سمت سه راهی

خوانساری حرکت کردند و در این نقطه اتوبان ترانزیت اهواز اندیشمک را برای دومین روز متوالی بستند.

۳۰ خرداد: کارگران همرا با خانواده های خود در محوطه صنعتی شرکت تجمع نمودند و با سر دادن شعارهای خود به سمت دفتر حراست شرکت حرکت و این دفتر را در محاصره خود در آورده اند.

۱۸ تیر: از این روز دور جدید اعتصابات کارگری شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه آغاز شد.

۲۰ مرداد: اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه برای تحقق خواسته هایشان ۱۴ شهریور: اعتصاب محدود و تجمع اعتراضی کارگران و پرسنل شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت جلوی درب مدیریت کارخانه. ۳ مهر: تجمع اعتراضی کارگران شرکت کاغذ سازی پارس هفت تپه در جلوی فرمانداری شهرستان شوش. کارگران جاده نیشکر، کاغذ سازی و حریر خوزستان به هفت تپه را برای مدتی مسدود کردند.

برخی از حرکت‌های کارگری از اول اردیبهشت ۱۳۷۸ تا اول اردیبهشت ۱۳۸۸

مه ۲۰۰۸ تا مه ۲۰۰۹

۱ آبان: سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه با انتخاب هیات مدیره کار خود را آغاز کرد. در رای گیری برای این انتخابات بیش از هزار نفر از کارگران شرکت کردند.

۲۹ بهمن: ۵ تن از کارگران هفت تپه در بیدادگاه انقلاب دزفول به اصطلاح محاکمه و قرار است در مورد این فعالان کارگری احکامی صادر شود.

۵ اسفند: رحیم بوستاق، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت هفت تپه پس از احضار به ستاد خبری بازداشت شد.

۱۰ اسفند: علی نجاتی رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت هفت تپه و رضا رخشان مسئول روابط عمومی این سندیکا، توسط مأموران امنیتی اداره اطلاعات شهرستان شوش بازداشت شدند.

۱۳ اسفند: دو نفر از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به نامهای محمد حیدری مهر و قربان علیپور توسط اداره اطلاعات شوش بازداشت شدند.

۱۷ اسفند: تعدادی از کارگران شرکت کشت و صنعت کارون مقابل مجلس رژیم تجمع کردند و خواستار حق بیمه کامل و سنوات کارگران در فصل بیکاری شدند.

۱۸ اسفند:

علی نجاتی، رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت هفت بعد از یک هفته آزادی دوباره بازداشت شد. ۱۰ فروردین: اعلام موجودیت و فراخوان «کمیتة ی دفاع از



کارگران هفت تپه»

۱۸ فروردین: کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به کم کردن اضافه کاری و عدم پرداخت دست مزد هایشان و نیز اعتراض به دستگیری علی نجاتی رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در محل کارخانه دست به اعتصاب زده اند. به دنبال این حرکت اعتراضی علی نجاتی از زندان آزاد شد.

۳ مهر: تحصن کارگران کاغذ سازی پارس، از شرکت‌های تابع طرح نیشکر هفت تپه، در مقابل فرمانداری شوش. کارگران جاده ارتباطی اهواز - اندیشمک را برای ساعاتی مسدود کردند.

۴ مهر: دومین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و تجمع اعتراضی آنان در مقابل دفتر مدیریت شرکت.

جهان در آینه مرور



لیلا جدیدی

پاکستان، "مهمترین نقطه تمرکز سیاست خارجی دولت اوپاما"

امپریالیسم آمریکا که با هدف پیشبرد هژمونی خود در مناطق مهم استراتژیکی و نفت خیز آسیای مرکزی و خلیج فارس دست به تهاجم به افغانستان در سال ۲۰۰۱ و عراق در سال ۲۰۰۳ زد، این منطقه را به بی ثباتی کشانده و شرایطی برای پا گرفتن جنگهای جدید و خونین دیگر فراهم کرده است. جنگ خونین و خانمانسوز در این دو کشور اکنون به پاکستان نیز رخنه کرده و این کشور را در معرض سقوط دولت، تجزیه قومی و جنگ داخلی قرار داده است. از همین رو، دولت اوپاما پاکستان را "مهمترین نقطه توجه در سیاست خارجی" خود اعلام کرده است.

کشور پاکستان که محصول تقسیم بندی ارتجاعی امپریالیسم انگلیس در هند است، دارای بحرانهای اقتصادی و سیاسی وسیعی است که سیاستهای امپریالیستی آمریکا به آن شدت بخشیده است. تلاش آمریکا برای تحت کنترل درآوردن پاکستان، با مخالفت مردم این کشور روبرو است، از این رو بنیادگرایان ارتجاعی طرفدار طالبان فرصت را غنیمت شمرده و تلاش می کنند سلطه خود را با جلب حمایت مردم ناآگاه و محروم روستایی، بر ۱۷۰ میلیون جمعیت این کشور تحمیل کنند. در همین حال سیستم سیاسی فاسد و غیردمکراتیک این کشور نیز یک عامل دیگر ناآرامیهای اجتماعی به شمار می رود. در این نوشتار به روند رشد تنشها و بحران به لحاظ اقتصادی و سیاسی و نقش آمریکا در این کشور پرداخته شده است.

اکتبر ۲۰۰۸ و صندوق بین المللی پول

پاکستان تضعیف شده به خاطر نداشتن ثبات سیاسی و ضربه خوردن از بحران اقتصادی جهان، در ماه اکتبر سال گذشته برای گرفتن کمک دست به سوی چین دراز کرد. این در حالی بود که سرمایه گذاران خارجی پاکستان را ترک کرده و ارزش روپیه

به شدت پایین آمده بود. دولت پاکستان به شدت به مبلغی نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار برای ترمیم امور مالی کشور نیاز داشت. رییس جمهور پاکستان، آصف علی زرداری از سفر خود به پکن، متحد دیرین کشورش با دست خالی برگشت. عربستان سعودی یک دوست قدیمی دیگر نیز دست پاکستان را برای گرفتن کمک در صادرات نفت به این کشور پس زد. آقای شوکت فیاض احمد ترین، مشاور مالی نخست وزیر پاکستان اعلام کرد که پاکستان ناچار خواهد شد به صندوق بین المللی پول روی آورد و بخت کشورش را آنجا آزمایش کند. روشن است که مقروض شدن به این نهاد بزرگ مالی به معنای پذیرش تمامی قید و شرط هایی است که فقیر ترین قشر جامعه، آثار مخرب آن را بر معیشت خود احساس خواهد کرد.

پاکستان که همزمان تحت فشار آمریکا و آنچه که "جنگ علیه تروریسم" خوانده می شود قرار دارد، از فرصت استفاده کرده و انتظار دریافت مبالغ هنگفتی از واشنگتن را دارد. یکی از مقامهای رسمی پاکستان در این باره به روزنامه نیویورک تایمز می گوید: "یک راه برای گرفتن کمک این است که یادآوری کنیم اگر اقتصاد ما سقوط کند، جنگ علیه ترور روند منفی خواهد داشت." یک گزارش آژانس اطلاعاتی آمریکا این وضعیت را در جمع بندی نهایی "بدون پول، بدون انرژی، بدون دولت" توصیف کرده بود.

تنها دوسال پیش، تحت دولت نظامی مشرف اوضاع اقتصادی پاکستان آنچنان شکوفا شده بود که "بیر بعدی آسیا" خوانده می شد اما بعدها بحرانهای سیاسی این کشور را به مرز سقوط اقتصادی سوق داد.

نیمه اول مارس ۲۰۰۹ - اوج گیری اختلافات

در پی بحران اقتصادی، پاکستان دچار سلسله بحرانهای سیاسی نیز شد. در اواسط ماه مارس سال جاری، هزاران تن از وکلای دادگستری و فعالان سیاسی پاکستان جهت باز گرداندن قضات برکنار شده از سوی پرویزمشرف، رییس جمهوری پاکستان تظاهراتی در بندر کراچی بر پا کردند. این تظاهرات که به آن نام "راه پیمایی طولانی" داده شده بود، با شرکت یکی از احزاب سیاسی عمده پاکستان، یعنی "حزب مسلم لیگ - شاخه نواز شریف"، نخست وزیر پیشین پاکستان صورت می گرفت.

حامد خان، رییس پیشین کانون وکلای دادگستری پاکستان اعلام کرد که خواستهای سازمان دهندگان تظاهرات روشن است: "رییس جمهوری پاکستان باید برکنار شده و قضات باز گردند."

در واکنش به این امر، نیروهای امنیتی نخست دست به سرکوب و بازداشت دهها تن از رهبران و شخصیتهای برجسته حزب نواز شریف و شماری از وکلا زدند. خودداری دولت جدید پاکستان از بازگرداندن قضات برکنار شده به بروز اختلافات جدی بین نواز شریف و زرداری منجر شد. دولت پاکستان برای جلوگیری از حوادث ناخوشایند، قوانین امنیتی ویژه ای در همه شهرهایی که قرار بود راهپیمایی وکلا و هواداران سه حزب "مسلم لیگ"، "جماعت اسلامی" و "حزب عدالت" برگزار شود، تدارک دید. همزمان با اصرار وکلا برای راهپیمایی به سمت اسلام آباد، نیروهای پلیس کراچی با باتوم به فعالان و وکلا در مقابل دیوان عالی این شهر حمله کردند که سبب خشم جمعیت شد.

نواز شریف اعلام کرد: "ما می خواهیم این نظام منسوخ را تغییر دهیم زیرا این نظام موجودیت ما را به خطر می اندازد و آنها می خواهند من را به اتهام فتنه تحت پیگرد قضایی قرار دهند."

"شاهد حسین"، دبیرکل "حزب مسلم لیگ" در جمع خبرنگاران گفت، حزبی از روش مسالمت آمیز و به دور از خشونت برای پایان دادن به تنش سیاسی در این کشور پیروی می کند. او خواستار آن شد که یوسف رضا گیلانی، نخست وزیر پاکستان تنش سیاسی این کشور را با تدابیری مدیرانه حل کند.

با این وجود، ژرفش اختلافات بین دو حزب قدرتمند پاکستان یعنی، "حزب مردم" و "شاخه نوازشریف مسلم لیگ"، به گسست بیشتر سیاسی بین جریانهای طرفدار حزب حاکم به دلیل بروز اختلافات دیدگاهی راه برد.

رسانه های جمعی پاکستان اعلام کردند که رضا ربانی، عضو مجلس سنا و از نزدیکان بی نظیر بوتو، رهبر فقید "حزب مردم" از سمت خود به عنوان وزیر فدرال استعفا کرده است. سناتور انور بیگ، رییس کمیته امور خارجی "حزب مردم" نیز به دلیل بروز اختلاف با زرداری از سمت خود استعفا داد. شایعاتی نیز درباره تشدید تنش بین زرداری و یوسف رضا گیلانی، نخست وزیر و از اعضای "حزب مردم پاکستان" شکل گرفت. در همین حال نواز شریف همچنان حملات لفظی علیه شخص زرداری را تشدید می کرد و تلاشهای نمایندگان انگلیس و آمریکا برای میانجیگری بین او و زرداری نیز بی نتیجه ماند.

آمریکا بیشتر نگران بود که اختلافهای سیاسی، توجه پاکستان را از جنگ با طالبان و القاعده منحرف سازد. دیوید میلیبند، وزیر امور خارجه انگلیس تأکید کرد که زرداری و شریف باید اختلافها را کنار بگذارند و

علیه تهدید جدی که پاکستان با آن مواجه است، متحد شوند.

نیمه دوم مارس ۲۰۰۹ - عقب نشینی دولت در برابر مخالفان

در این زمان، حزب حاکم به دستگیری و حبس نواز شریف و بسیاری از شخصیتهای مهم مخالف دولت دست زد. دولت به همان روشی که مشرف در گذشته اجرا می کرد، جاده ها به سوی اسلام آباد را بست. اما برخلاف آن دوره، این بار بخشی از ارتش در پنجاب از پیروی دستورات دولت خودداری می کرد. از همین رو، شریف توانست از بازداشتگاه فرار کند. یک وکیل و رهبر سابق "حزب مردم پاکستان" که اکنون در زمره مخالفان قرار داشت نیز توسط بخشی از پلیس فرار داده شد. از سوی دیگر، بخش بزرگی از مقامهای مهم دولتی در لاهور، پنجاب و غیره استعفا داده بودند. بدین صورت تظاهرات وسیعی به سوی اسلام آباد ترتیب داده شد، آنهم در حالی که بسیاری از نیروهای امنیتی کنار کشیده بودند و حاضر نمی شدند از اعتراضات جلوگیری کنند.

همچنانکه آمریکا به حل اختلافات اصرار می ورزید، اشفاق پرویز کیانی، فرمانده کل ارتش پاکستان به صراحت به آصف علی زرداری، رییس جمهور پاکستان و یوسف گیلانی، نخست وزیر هشدار داد که باید تغییر رفتار بدهند. این امر مهمترین علتی بود که آقایان زرداری و گیلانی را وادار به عقب نشینی کرد. گیلانی از طریق رادیو اعلام کرد که افتخار چودری، رییس دیوان عالی پاکستان و دیگر قضات دوران مشرف که به خاطر مخالفت با او برکنار شده بودند را به مقام خود باز خواهند گرداند. این عده به طور فعال در برکناری مشرف دست داشتند اما دولت جدید آنها را که توسط مشرف برکنار شده بودند، به مقام پیشین خود باز نگردانده بود. در این روز همچنین به یکی از مهمترین خواستهای مخالفان که آزادی تظاهرات و میتینگها بود، تن داده شد. دقایقی بعد شریف تظاهرات به سوی اسلام آباد را منحل اعلام کرد.

نقش آمریکا

همانطور که توضیح داده شد، مهمترین نگرانی واشنگتن وقفه در حمایت منسجم پاکستان از جنگ علیه طالبان در افغانستان بود و از این رو اصرار می ورزید که هر چه زود تر به اختلافات خاتمه داده شود. آمریکا نگران بود که این بحران دولت را فلج کرده و یا به دو قسمت تقسیم کند، آنهم در حالی که به طور دایم نقش اسلام آباد در حفظ اشغال افغانستان را با افزایش سرکوب مخالفان خود در بخش پشتو زبان پاکستان و با حملات موشکی در داخل خاک این کشور که تخلف در قوانین بین المللی نیز به شمار می رفت، گوشزد می کرد.

از همین رو پس از اعلام توافق دولت با خواست قضات و وکلا، سفارت آمریکا از تصمیم دولت پاکستان ابراز خوشحالی و

بقیه در صفحه ۱۶

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۱۱

رضایت کرد و اعلام کرد، "تصمیمی مردانه برای خاموش کردن درگیریها" و "گامی بزرگ به سوی همبستگی ملی" برداشته شده است. این در حالیست که در جریان این رویدادها، واشنگتن به شدت بر هر دو طرف، نواز شریف و دولت فشار می آورد. افزوده بر این، دولت اواما از این هراس داشت که اختلافات بین طبقه ممتاز جامعه که به تظاهرات توده ای و رویارویی با پلیس ختم می شود، راه را برای مردم محروم و فقیر برای نمایش خشم خود نسبت به بحران اقتصادی و برنامه های ساختاری صندوق بین المللی پول باز کند.

آن پترزسون، سفیر آمریکا، ریچارد هولبروک، فرستاده ویژه آمریکا در افغانستان و پاکستان و هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا، همگی ساعتها با زرداری و شریف گفتگو کردند و این در حالی بود که گفتگوی علنی و چندانی با فرمانده های ارتش پاکستان نداشتند.

اواما اما سیاستهای پیشین مداخله در بحران سیاسی پاکستان را تغییر جهت داد. او به نواز شریف و "حزب مسلم لیگ" تمایل شد. دولت بوش توجه چندانی به شریف نشان نمی داد زیرا او با مشرف، شریک بی گفتگوی بوش در "جنگ علیه تروریسم"، مخالف بود و همزمان با سیاستمداران بنیادگرا که با طالبان سمپاتی داشتند، نزدیکیهایی داشت.

نواز شریف شخصی راستگرا است که فعالیت سیاسی خود را با حمایت از ضیالالحق که مورد پشتیبانی آمریکا قرار داشت، شروع کرده بود. او هنگامی که آمریکا از "حزب مردم پاکستان"، رقیب تاریخی "حزب مسلم لیگ" حمایت می کرد، گهگاهی دولت آمریکا را مورد انتقاد قرار می داد. شریف می گفت که آمریکا حاکمیت ملی پاکستان را زیر پا می گذارد و از روشهای دیکتاتور مایانه در پاکستان حمایت می کند. او با این وجود همواره اعلام می کرد که حاضر است با واشنگتن همکاری کند و از نزدیکی پنتاگون با ارتش پاکستان حمایت می کرد.

به نظر می آید که شریف این بار به آمریکا اطمینان خاطر داده است که با آنها کنار خواهد آمد. او به روزنامه نیویورک تایمز می گوید، این که واشنگتن تصور می کند او به اسلام گراهای رادیکال نزدیک است، به کلی اشتباه است و وی طرفدار "جهه مشترک" علیه تروریسم می باشد.

از سوی دیگر، حمایت از "حزب مردم پاکستان" که تنها یک سال پیش به قدرت رسید، به خاطر سیاستهای راستگرایانه مشابه رژیم مشرف همچون حمایت از آمریکا در اشغال افغانستان و پیروی از سیاستهای صندوق بین المللی پول به تدریج کاهش پیدا کرده است. این مساله "حزب مردم" را دچار نوعی انشعاب کرده است. بدین صورت که بخشی از آن خواستار بازگرداندن شدن قضات بوده که زرداری با آنها مخالفت می کرد. این امر که زرداری جای همسرش، بی نظیر بوتو را گرفته نیز برای بخشی دیگر خوش آیند نیست. قابل توجه آن که آقای گیلائی، نخست وزیر در طول تمام این جریانها تلاش کرد که فاصله خود با زرداری را حفظ کند و از اقدامات او نسبت به مخالفان حمایت نکند.

ارتش پاکستان که متوجه اختلاف بین "حزب مردم" و "مسلم لیگ" شد، آن را وسیله ای برای نشان دادن زور بازوی خود قرار داد و یک بار دیگر به آمریکا نشان داد که بهترین نگهدارنده منافع آن در پاکستان است. بخش وسیعی از ارتش به طور عمیق با "حزب مردم" به خاطر سقوط حکومت نظامی در سالهای ۶۹-۷۰ مخالف است. در سوی دیگر نیز موسس "حزب مردم"، ذالفقار علی بوتو توسط ژنرال ضیالالحق در سال ۱۹۷۹-حلق آویز شد. ارتش و بوروکراسی پنجاب به طور دائمی همراه با شریف و حزب او "مسلم لیگ" علیه دولت "حزب مردم" در دهه نود توطیه چینی می کردند.

واشنگتن از اختلافات بین شریف و ارتش و دولت در این میان استفاده کرده تا منافع خود را پیش ببرد. قضات که شامل چودری نیز می شوند، سابقه طولانی در دادن اتوریته به ارتش دارند و مهمتر اینکه به نظم اجتماعی ناعادلانه سرمایه داری شکل قانونی بخشیده اند. به همین دلیل نیز بود که تمام نیروهای ارتجاعی از جمله حمید گل، رییس پیشین سازمان اطلاعات ارتش پاکستان و ژنرالهای ارتجاعی دیگر و همچنین "جمعیت اسلامی" که بزرگترین حزب بنیادگرای اسلامی در این کشور است، خواستار بازگرداندن شدن قضات بر سر کار بودند. به همین دلیل نیز شریف در مخالفت با "حزب مردم پاکستان" تمرکز خود را بر سر مساله قضات گذاشت. این درحالیست که "حزب مسلم لیگ" اختلاف بنیادی با "حزب مردم" ندارد و هر دو از جنگ افغانستان حمایت کرده و از سیاستهای اقتصادی نو - لیبرالیستی دفاع می کنند. به هر جهت ادعای شریف مبنی بر این که بازگشتن قضات حادثه ای تاریخی برای

بازگشتن دموکراسی به پاکستان است نیز کذب است.

نیمه اول آوریل ۲۰۰۹ - پیشروی طالبان، حملات آمریکا

در ماه های گذشته، نیروهای طالبان در منطقه "مهمند" (در ایالت "سرحد"، شمال غرب پاکستان) حملات زیادی را علیه نیروهای امنیتی پاکستان انجام دادند. در پی گسترش نفوذ طالبان در پاکستان و رسیدن آنها به فاصله صد کیلومتری پایتخت این کشور، خطر سقوط دولت مرکزی در اسلام آباد افزایش پیدا کرد که موجب نگرانی آمریکا و دیگر کشورهای غربی شد. بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ تن از نیروهای بنیادگرا، منطقه "بونیر" که در ۱۱۰ کیلومتری اسلام آباد قرار دارد را به اشغال خود درآوردند.

در این هنگام هیلاری کلینتون، وزیر خارجه ی آمریکا ضمن هشدار به پاکستان تاکید کرده بود، اسلام آباد "تسلیم تندروان و طالبان" شده است. او گفت: "ما نمی توانیم تحمل کنیم که یک دسته تروریست پراکنده، دولت پاکستان را متلاشی کنند." در همین حال، رابرت گیتس، وزیر دفاع ایالات متحده از مقامهای پاکستان خواست تا برای مقابله با طالبان به سرعت اقدام کند.

در همین رابطه اواما یک نشست اضطراری با کلینتون، جو بایدن و ریچارد هولبروک ترتیب داد. پس از این نشست، رابرت گیتس، سخنگوی کاخ سفید گفت که پاکستان وقت زیادی از رییس جمهور را گرفته است و این موضوع در مرکز سیاست خارجی دولت اواما قرار دارد.

از سوی دیگر، در دو ماه گذشته حملات هوایماهای بدون سرنشین آمریکا علیه مناطق قبایلی پاکستان شدت یافته است. روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در گزارشی اعلام کرده بود آمریکا امکان گسترش جنگ پنهان خود در داخل پاکستان از طریق حمله به مناطقی در ایالت بلوچستان را بررسی می کند. روزنامه اینترنشنال هرالد تریبیون نیز نوشته بود که باراک اواما و مشاوران امنیت ملی او سرگرم بررسی گسترش جنگ مخفی آمریکا در پاکستان هستند. آمریکا معتقد بود که حملات موشکی علیه مناطق قومی، برخی رهبران طالبان و القاعده را مجبور کرده به جنوب و به "کوئته" بگریزند و این مساله آنها را آسیب پذیرتر کرده است. بسیاری از مشاوران اواما از وی خواسته بودند دستوراتی را که جرج دبلیو بوش، رییس جمهور پیشین آمریکا در تابستان گذشته برای ادامه حملات هوایماهای بدون سرنشین علیه طیف وسیعی از اهداف

در مناطق قومی پاکستان صادر کرد، استمرار بخشد.

پاکستان نیز ابراز کرده بود با هرگونه گسترش حملات هوایماهای جاسوسی آمریکا در خاک آن کشور مخالف است و هشدار داده بود این اقدامها به احتمال زیاد با واکنش منفی افکار عمومی همراه خواهد بود. مردم پاکستان به شدت از حملات آمریکا خشمگین هستند. با این حال از ماه اوت سال گذشته تا اواسط ماه آوریل سال جاری، ۳۵ موشک بدون سرنشین به خاک پاکستان شلیک شده که به کشته شدن ۳۴۰ نفر انجامیده است.

از آنجا که حملات موشکی آمریکا با مخالفت مردم این کشور روبرو است، تمامی سران سیاسی پاکستان با آن مخالفت کرده اند. آفتاب احمد شرافتو، وزیر کشور پاکستان در دوران حکومت مشرف میزان حمایت مردم این کشور از عملیات جنگی آمریکا را یک یا دو درصد ارزیابی کرده است. طرفداران گروه طالبان نیز اعلام کردند تا زمانی که آمریکا به حملات هوایماهای بی سرنشین ادامه می دهد، هفته ای دو عملیات انتحاری انجام خواهند داد. پیشتر، مقامهای پاکستانی، طرفداران طالبان را مسوول حملات مرگبار در شهرهای بزرگ پاکستان و همچنین ترور بی نظیر بوتو اعلام کرده بودند.

در نیمه اول ماه آوریل، آدمیرال مایک مولن، رییس ستاد مشترک ارتش ایالات متحده آمریکا و ریچارد هولبروک، فرستاده ویژه آمریکا در افغانستان و پاکستان برای گفتگو با مقامهای پاکستان به خاطر نگرانی از پیشروی طالبان به سوی اسلام آباد، به پایتخت این کشور سفر کردند. آنها از مقامهای پاکستانی خواستند تلاشهای خود را علیه نیروهای ضد آمریکایی شدت بخشند. شاه محمود قریشی، وزیر امور خارجه پاکستان در یک کنفرانس مطبوعاتی و در کنار این دو گفت: "صادقانه بگویم بین ما یک فاصله است و من می خواهم پلی روی آن بزنم." او افزود: "به نظر من حملات آمریکا به سود تندرورها تمام می شود." آقای قریشی ادامه داد: "دو طرف توافق کردیم که در این مورد با هم موافق نباشیم."

وزیر امور خارجه پاکستان با بیان این که یک سری "خط قرمزها" باید رعایت شود و مهمترین آن نرسیدن "پای خارجی به خاک پاکستان" است، در واقع به ادامه حملات آمریکا چراغ سبز نشان داد.

اما حمایت دولت پاکستان از حملات آمریکا رازی نیست که گشوده نشده باشد. همکاری ارتش پاکستان با پنتاگون برای سردمداران پاکستان امری سیاسی و استراتژیکی است. حتی بنا به نظریه ای، آمریکا حملات خود را از پایگاههای سازمان سیا در پاکستان انجام می دهد.

با این حال پنتاگون به طور روشن مایل است که نیروهایش در جنوب افغانستان بتوانند به پاکستان پا بگذارند. اما پیش از آن و مهمتر این است که پاکستان را وادار

بقیه در صفحه ۱۳

تصویب قانون شریعت اسلامی، خود زنی دولت پاکستان

جعفر پویه

مشروعیت بدهند. طالبان که حساب شده عملیات خود را گسترش می دهد، هر وقت که شرایط اقتضا کند با ارسال جنگجویان خود به افغانستان عرصه را بر نیروهای هم پیمان آمریکا و ناتو تنگ می کند و پس از یک دوره زد و خورد به پایگاههای امن خود در مناطق مرزی بین افغانستان و پاکستان باز می گردد. بر اساس گزارشهای گوناگون، آنها در این مناطق قبیله نشین بیمارستانهای مجهز دارند و با حمایت جریانهای نامریی، امکانات دارویی و رفاهی آنها بسیار وسیع و کامل است.

حمله های شتاب زده و گاه ناشیانه نیروهای چند ملیتی و ناتو به این مناطق باعث کشته شدن غیر نظامیان و مردم بی گناه شده است. هم این کشتارهای دستجمعی خوراکی تبلیغاتی خوبی در اختیار طالبان قرار می دهد تا با مظلوم نمایی

نگاهها را به سوی خود جلب کند و از سوی دیگر مردمی که در جهاد مقدس آنها شک دارند را در حمایت از خود مصمم تر نماید. این گونه است که آنها بی گناهی که سعی می کنند تا به زور بمب و هواپیماهای مدرن و ارتش تا دندان مسلح

مشکلات را رتق و فتق کنند نه تنها ناکام می مانند بلکه، اعمالشان به ضد خود تبدیل می شود. سازمان اطلاعات و امنیت پاکستان که اوضاع را تحت نظر دارد نیز سو و جهت این جار و جنجال را حساب شده کانالیزه می کند. دلیل این کار چیست؟



گشایش اعتبار
قدرت گرفتن طالبان در پاکستان و گسترش سریع آن موضوعی شد تا در ماه آوریل کنفرانسی در ژاپن برای کمک به پاکستان تشکیل شود. در این کنفرانس که بیش از ۲۷ کشور شرکت داشتند، تصمیم گرفته شد تا مبلغ ۵ میلیارد دلار به پاکستان کمک مالی شود. پیش از این، صندوق بین المللی پول اعطای یک اعتبار ۷ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلاری به پاکستان را به تصویب رسانده بود. در ازای این پولها که تحت نام کمک به پاکستان پرداخت می شود، پاکستان نیز تعهد کرد تا به طور جدی به مقابله با اسلام گرایان تند رو و گسترش طالبان بپردازد. آصف علی زرداری در این کنفرانس گفت: "مبارزه علیه تروریستها و شورشیان مساله ای تنها پاکستان نیست. تروریسم در مرزهای کشور من پایان نمی گیرد. اگر ما ببازیم، شما نیز باختید. اگر ما شکست بخوریم، جهانیان شکست خورده اند."

جالب اینجاست که یک روز قبل از شروع کنفرانس کمک به پاکستان، مولانا عبدالغزیز، رهبر تندروها و تفنگچیان که

بقیه در صفحه ۱۸

می شوند و چرا همچون ویروسهای مرگ زا به رشد و تکثیر مشغولند نیز برای سازمانهای اطلاعاتی عریض و طویل چندان مشکل نباید باشد. پس چرا چشمها به روی این موضوعها بسته است؟ چرا پس از این همه سال تجارت پر سود اکنون صدها بلند می شود تا هشدار دهد که خطر نزدیک است؟ خطر را چه کسانی ساخته اند و به چه منظوری آن را بزرگ و بزرگ تر می کنند؟

منطقه ای که در آن با وجود دولت وحشی و ضد انسانی جمهوری اسلامی که به تکثیر تروریستهای خون آشام برای صدور خویش مشغول است به اندازه کافی دچار دردسر هست، حال طالبهای پاکستانی دست به عمل زده اند و با پیشروی به سوی پایتخت سوژه ای شده اند تا همه چشمها به آن سو خیره شود. نگاه همه سیاستمداران و تحلیلگران سیاسی جهانی و منطقه ای اکنون بر روی پاکستان تمرکز کرده است و توجهی به اطراف خویش ندارد که چه می گذرد. از این وضعیت چه کسانی سود می برند؟

رژیم جمهوری اسلامی که از سوی دولت جدید آمریکا و جامعه جهانی تحت فشار قرار دارد تا تکلیف خود را با موضوع غنی سازی اتمی و پروژه ساخت بمب اتمی روشن کند، از فرصتی که طالبان پاکستان آفریده است استفاده کرده و از صدر اخبار به زیر آمده است. موضوع طالبان پاکستان به اندازه ای وحشت آفرین است که دیگر کسی به جمهوری اسلامی و غنی سازی اتمی آن بهای لازم را ندهد.

مدهاست که به دلیل حضور طالبان در مناطق مرزی آن با افغانستان به پاکستان هشدار داده می شود اما سیاستمداران پاکستانی ای نمی پذیرند و یا سعی دارند با سیاه و سفید کردن و جدا دانستن آنها از طالبهای افغانستان به چشم پوشی خود

نظامیان آمریکایی و انگلیسی می بینند و کمر به نابودی آنان بسته اند. عربستان سعودی سالهاست که هزینه سرسام آور این گسترش اسلام به ضرب گلوله و شلاق را با آموزه های دینی و فتوای مفتیهای خودی را تامین می کند. شاهزاده ای از داخل همین جمع خیمه زده بر چاههای نفت و پترو دلارهای باد آورده، به رهبری جماعتی برگزیده شده است که شیخ آن همچون کابوسی در سراسر جهان در حال گسترش است. اما خدمات دولت آل سعود به اینها خلاصه نمی شود. پرداخت هزینه و تدارک ساخت بمب اتمی اسلامی توسط پاکستان را هم عربستان تقبل کرد تا جهان را با کابوسی مواجه سازد که به ظاهر سکوهایی آن به سوی هند، این کشور دموکراسی وسیع هفتاد و دو ملت نشانه رفته است. حال از قضا سکنجبین، صفر ساز شده است و مشکل یکی و دوتا نیست بلکه، مجموعه ای از مشکلات پر شمار در کشوری روی هم تلنبار شده است که در آن از یکسو مدارس اسلامی شب و روز به تربیت طالبها مشغولند و از سوی دیگر، ژنرالها و سیاستمداران دزد و بی وجدان آن به دسیسه اشتغال دارند.

تجارت پرسود

آن چه در کنار گوشه پاکستان فقیر می گذرد سالهاست که به چشم کسی نمی آید. اگر در گذشته دولت انگلیس جهت دردسر سازی برای هند تازه استقلال یافته و از قیمومیت او خارج شده، پاکستان علم می کند و اولین دولت اسلامی تند رو را با گردهم آوردن مسلمانان پولدار و متمول ناراضی از شرایط هند به آنجا می کشاند اما امروز دیگر تنها بخشهایی از ارتش پاکستان به دلیل آموزه های دیرینه خود، دشمن اصلی را کشور هند می دانند. تجارت پر سود پرورش طالبان و صادرات آن برای اعمال کنتراستی چیزی نیست که به آسانی بشود از آن دست شست. سازمان امنیت پاکستان بهتر از هر تشکیلاتی به مشخصات و مختصات این جریان آگاه است و بهتر از هر کسی می داند که در درون آن چه می گذرد. اطلاعات وسیع و درست و به موقع رهبران این جنگجویان یک لاقبا و تجهیز آنان به مدرنترین اسلحه های روز جهان از آن موضوعهایی است که به هیچ وجه نمی شود آن را به زیر فرش راند و خود را به نفهمی زد. پیدا کردن رد این که آنها از کجا تغذیه

آغاز وحشت

پاکستان مجهز به بمب اتمی که تبدیل به کابوسی برای منطقه شده بود، اکنون بدل به بمب ساعتی ای شده که بسیاری را در جهان به هراس انداخته است. قدرت گرفتن طالبان در منطقه وسیعی از کشور و برپایی دولتهای خودمختار شریعت محلی با توسل به قوانین دینی و رتق و فتق امور با تازیانه و لوله تفنگ، به سرعت رو به گسترش است و می رود تا بساط دولت مرکزی را نیز جمع کند. بیت الله محسود، رهبر طالبان پاکستان بسیار مصمم و امیدوار خطابه های خود را رو به مردمی که زیر سایه تفنگهای اتوماتیک و مدرن جنگجویان تجمع کرده اند، ادا می کند. در اسلام آباد عده ای که تنها به منافع شخصی خود می اندیشند، از هیولایی که به سرعت دارد بزرگ و بزرگ تر می شود بی خبر نیستند. دیر زمانی نیست که پاکستان، دولتی غیر نظامی را تجربه می کند. برکناری ژنرال مشرف به یمن بمب قدرتمندی که بی نظیر بوتو را در میان جمعیت به خاک افکند، ممکن شد. آصف علی زرداری که به "مرد ۲۵ درصدی" شهرت دارد، میراث خوار خونی شد که معلوم نیست به دست چه کسی بر زمین ریخته شده است. در مقابل او، سیاستمدار نه چندان خوشنامی قرار دارد که سالها تبعید را تجربه کرده است و اکنون برای به دست آوردن قدرت هر چه در چنته دارد، رو می کند. نواز شریف از یک سو و آصف علی زرداری از جانب دیگر به متهم کردن یکدیگر و دسیسه سازی مشغولند و در خفا این ژنرالهای ارتش و ماموران کارکشته "آی. اس. آی" (سازمان امنیت پاکستان) هستند که برای حفظ منافع خود شمشیر دو دم طالبان را در دست دارند که امروز می رود تا لبه تیز آن به سوی خودشان برگردد.

سوابق سوء

اگر در گذشته سازمانهای اطلاعاتی غربی به ویژه سیا و اینتلجنت سرویس انگلیس برای تیز کردن آتش جنگ سرد و پیروزی بر کمونیسم روسی، اسلامگراهای تندرو را از اطراف و اکناف جهان گرد آوردند و به آموزش آنان پرداختند تا جنگجویان آزادی "Freedom Fighter" را سازمان دهند، اکنون همان جنگجویان، "کفار" را در لباس

تصویب قانون شریعت اسلامی، خود زنی دولت پاکستان

بقیه از صفحه ۱۷

حادثه مسجد لعل را آفریدند، از زندان آزاد شد. او همزمان با شروع کنفرانس در ژاپن، در مسجدی در پایتخت پاکستان اسلام آباد سخنرانی کرد و خواستار اجرای شریعت اسلامی در سراسر پاکستان شد. او همچنین گفت: "هر اندازه قربانی بیشتری بدهیم، به همان اندازه اسلام گسترش بیشتری خواهد یافت."

بازی با آتش

پاکستان که منبع عمده درآمد آن کمکهای خارجی است، برای بیشتر کردن این کمکها و همچنین جلو انداختن موعد پرداخت آنها دست به ریسک بزرگی زده است. "آی. اس. آی" و ژنرالهای ارتش به امید این که همه چیز را تحت کنترل دارند، با کمک عده ای از سیاستمداران شریک و نمایندگان پارلمان موضوع را در لافاه قانونی پیچیدند و با مذاکره با طالبان و تندروهای محلی سعی کردند تا با آنها کنار آمده و بخشی از مناطق را به آنها واگذار کنند. در این کار سیاستمدارانی همچون ویلیام کیسی، رییس سازمان سیا که در سفرش به افغانستان به مناطق مرزی نیز سر زد و با گروههایی از این جنگجویان دیدار و مذاکره کرد هم شریک است. باری، فشار بر دولت از طرفهای مخالف افزایش پیدا کرد و آصف علی زرداری را وادار کردند تا با دادن امتیازهایی به گروههای اسلامی، رضایت آنها را برای توقف خشونت جلب کند. حال این چه خشونتی است که با باز گذاشتن دست اسلام گرایان تند رو متوقف می شود نیز از آن حرفهاست! زیرا جاری کردن قوانین شریعت به معنای برپا کردن بساط دار و شلاق در ملاء عام و فرمان به سنگسار و اعدام روزانه دادن است. آیا این اعمال در مسلک معامله گران به شیوه طالبان و تفنگ و گلوله خشونت نیست؟ حال خشونت از نظر آنان چیست این سوالی است که پاسخ چندان پیچیده ای ندارد.

متن توافق بین طالبان و دولت از سوی نمایندگانی از مجلس پیشنهاد شد که تعدادی از آنها از حزب خود زرداری یعنی "حزب مردم" بودند. تنها یک حزب کوچک به نام "جنبش متحد قومی" در مورد این توافقنامه هشدار داد و رای گیری در مجلس برای امتیاز دادن به شریعت خواهان را تحریم کرد. شریعت خواهان نیز آنها را تهدید کرده و اعلام کردند که

نمایندگان مخالف را به چشم کافر می نگرند و خونشان را می ریزند. با این تهدیدها، معامله در مجلس تصویب شد. طبق این معامله، قوانین حقوقی شریعت اسلامی در منطقه "ملکنند" اجرا خواهد شد و در ازای آن، جنگجویان طالبان نیز اقدامات خشونت آمیز خود را متوقف خواهند کرد. حال دیگر به خوبی قابل مشاهده است که چه کسانی به حمایت از طالبان مشغولند و دامنه این حمایت تا کجا گسترده است.

این عمل غیر انسانی، غیر اخلاقی و بی شرمانه دولت باعث شد تا طالبان کنترل "دره سوات"، یکی از مناطقی که نیروهای پیشرو در آنجا پایگاه داشتند را به دست گیرند و با روانه کردن تفنگچیهای خود به خیابانها و برقرار کردن ایست بازرسی و بازداشت و محاکمه های سرپایی به مانور بپردازند. هر روزه گزارشهای مختلفی از بدرفتاری طالبان و شریعت خواهان با مردم مخایره می شود. بساط شلاق بر چهارراهها برقرار می شود، عده ای مشغول سنگسار هستند و تعدادی دیگر با کافر و غیر اسلامی دانستن مردم آنها را یا به گلوله می بندند و یا از چوبه های دار آویزان می کنند. با همه این احوال طالبان از موقعیت به دست آمده حداکثر استفاده را کرده و سعی کرد تا منطقه تحت کنترل خود را گسترش دهد. روانه شدن تفنگچیها به شهرهای همجوار همچون "بونر" و "دیر سفلی" شروع شد و با پیشروی به سوی پایتخت، زنگ خطر برای اسلام آباد به صدا در آورد.

چالب این که در این بین، هنگامی که طالبان از راه رسیده به مراکز دولتی حمله ور شدند و ساختمانهای دولتی را تخریب کرده و میز و صندلیهای آنها را به خیابان آورده و به آتش کشیدند، پلیس و نیروهای نظامی نظاره گر بودند و هیچ واکنشی از خود نشان ندادند، تا جایی که به زودی طالبان به صد کیلومتری اسلام آباد رسیدند و اعلام کردند که خواهان جاری شدن قوانین شریعت در سرتاسر پاکستان هستند. آنها گفتند که حکومت پاکستان، پارلمان و قانون اساسی آن را قبول ندارند. هنگامی که دولت پاکستان به طالبان اعتراض کرد که مفاد قرارداد را زیر پا گذاشته و صلح را رعایت نکرده است، امیر عزت خان، یکی از سخنگویان صوفی محمد، روحانی افراطی و میانجی عقد قرارداد با دولت، گفت: "قرارداد صلحی میان ما و دولت محلی وجود نداشته است. ما قراردادی مبنی بر اجرای نظام حقوقی بر بنیان شریعت بسته ایم."

قبل از این ماجرا نیز رادیو آلمان به نقل از کیل کالن گزارش داده بود: "دولت پاکستان دیگر بر دو سوم کشور کنترل ندارد. در مناطق پرت ایالتهای مرزی، رهبران طالبان مانند

بیت الله محسود یا حافظ گل بهادر، دولت در دولت درست کرده اند. در این مناطق، نیروهای افغانی طالبان نیز پناهگاههای امن یافته اند. مقر اصلی شبکه ای ترور القاعده نیز در همین ناکجا آباد صعب العبور است و بمب گذاران آینده ی خود را آماده می کند. ترور در پاکستان گسترش می یابد و هر روز عده های را به کام مرگ می کشد."

هم چنین پیر لولوش، نماینده ویژه دولت فرانسه در امور افغانستان و پاکستان، از طالبانی شدن خزنه پاکستان اظهار نگرانی کرده بود. او گفته بود طالبان اکنون نه تنها در افغانستان، بلکه، در پاکستان هم در حال پیشروی اند و ترس از آنها در افکار همه رسوخ کرده است.

زنگ خطر

حال در این وضعیت آن چه از کنار گوشه جهان به گوش می رسد این است که باید کمکهای مالی به دولت پاکستان هرچه زودتر فرستاده شود، تاخیر در فرستادن کمکهای مالی باعث خواهد شد تا طالبان همه کشور را تسخیر کند و زرادخانه اتمی پاکستان به دست آنها و اسلام گرایان تندرو بیفتند. ریچارد هالبروک در کنگره آمریکا با دفاع از واگذاری کمکهای گسترده به پاکستان، تاکید می کند که رها کردن اسلام آباد منافع ملی آمریکا را به خطر خواهد انداخت. هالبروک که در کمیسیون امورخارجی سنای آمریکا سخن می گفت در ادامه اضافه کرد که فقط دشمنان پاکستان از تعویق طرح اعطای کمک به این کشور سود خواهند برد. هم چنین جان کری و ریچارد لوگار، اعضای کمیته روابط خارجه سنای آمریکا نیز طرحی را برای دادن ۷/۵ میلیارد دلار کمک غیر نظامی به اسلام آباد در پنج سال آینده ارایه کرده اند. دیوید پترئوس، فرمانده نیروهای مرکزی آمریکا در خاورمیانه نیز هشدار می دهد که پاکستان دو هفته تا سقوط فاصله دارد. این گونه ارتش پاکستان وادار به عمل می شود و تحت فشار دولت آمریکا، عملیات "تندر سیاه" را آغاز می کند. یوسف رضا گیلانی، نخست وزیر پاکستان دستور پاکسازی منطقه "ملکنند" از وجود شبه نظامیان را صادر می کند و ارتش از زمین و هوا به آنها حمله ور می شود. سیل مردمی که بین دو نیروی متخاصم گرفتار شده اند به اطراف روانه می شود. در مدت کوتاهی بیش از نیم میلیون زن و کودک، پیر و جوان با رها کردن خانه و کاشانه در میهن خود آواره و بی خانمان شدند. صفحه تلویزیونها و روزنامه ها پر است از تصاویر و گزارشهایی که به این موضوع می پردازند و با بزرگ نمایی آواره ها،

درخواست کمک بیشتر برای پاکستان دارند. کمیته جهانی صلیب سرخ اعلام کرده است، گزارشهای تایید نشده نشان می دهد در عملیات ارتش پاکستان در مناطق "دیر"، "سوات" و "بونر" حدود ۵۰۰ هزار پاکستانی بی خانمان شده اند. یعنی، ژنرالهای چند ستاره و ماموران کارکشته "آی. اس. آی" پاکستان و سیاستمداران آن کشور نمی دانستند که دادن امتیاز اجرای قوانین شریعت و ایجاد دولت در دولت به نیروهای تندرو اسلامی این آخر و چرا دست به ریسکی با درجه خطر به این بالایی زدند؟

این گونه است که رد پای یک توطیه بی شرمانه برای دریافت پول و سرکیسه کردن دیگران به خوبی هویدا می شود. در خطر انداختن جان هزاران نفر از مردم بی گناه، آواره و بی خانمان کردن بیش از یک میلیون نفر تا کنون و باز گذاشتن دست طالبان برای بدرفتاری و اعمال بی شرمانه با ساکنان محلی تنها برای به دست آوردن هرچه زودتر دلارهای ارسالی است؛ شغلی که آصف علی زرداری و دار و دسته نظامی - امنیتیهای پاکستانی در اجرایی کردن آن از تبحر کافی برخوردارند. به ظاهر دریافت کمک مالی دوازده میلیارد دلاری پرویز مشرف از آمریکا به مزاج قدرتمندان پاکستانی مزه کرده است و آنها برای بیشتر کردن این کمکها و سرعت دادن به سیر حرکت آن دست به هر عملی می زنند. هنگامی که طرح ریچارد هالبروک، فرستاده ویژه آمریکا به افغانستان و پاکستان در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا با مشکل برخورد کرد، آنها فکر دیگری برای بزرگ تر کردن ترس بین المللی را اجرایی کردند. زیرا سناتورهای آمریکایی اعلام کردند که در صورت روشن نشدن معیارهای محاسبه مالی دقیق در برنامه کمک مالی به پاکستان، با آن مخالفت خواهند کرد. قبل از آن باراک اوباما نیز از سنا خواسته بود تا کمک مالی به پاکستان را به سه برابر افزایش دهد. به همین گونه است کمک دیگر کشورهایی که در کنفرانس ژاپن متعهد شده بودند به این کشور پول بپردازند. با این حساب حمله ارتش پاکستان به منطقه غیر نظامی و زیر آتش گرفتن مردم و جنگجویان باعث شد تا عده زیادی از منطقه فرار کنند و در حاشیه جاده ها و بیابانها به هر سو روانه شوند. همین موضوع را دولت پاکستان دستمایه می کند و آصف علی زرداری دست به سفر به دور دنیا می زند تا نظر مثبت کشورها را برای کمک مالی به پاکستان و آواره های آن جلب کند؛ آواره هایی که به دست ارتش پاکستان بی خانمان شده اند. او در کنفرانس خبری ای که همراه با "بان کی مون"، دبیرکل سازمان ملل متحد انجام داد گفت: "هدف من و دبیرکل سازمان ملل جلب توجه جهانیان به فاجعه ای انسانی است که به دلیل این جنگ در منطقه بروز کرده است."

دبیرکل سازمان ملل نیز ضمن ابراز نگرانی بقیه در صفحه ۱۹

تصویب قانون شریعت اسلامی، خود زنی دولت پاکستان

بقیه از صفحه ۱۸

حادثه مسجد لعل را آفریدند، از زندان آزاد شد. او همزمان با شروع کنفرانس در ژاپن، در مسجدی در پایتخت پاکستان اسلام آباد سخنرانی کرد و خواستار اجرای شریعت اسلامی در سراسر پاکستان شد. او همچنین گفت: "هر اندازه قربانی بیشتری بدهیم، به همان اندازه اسلام گسترش بیشتری خواهد یافت."

بازی با آتش

پاکستان که منبع عمده درآمد آن کمکهای خارجی است، برای بیشتر کردن این کمکها و همچنین جلو انداختن موعد پرداخت آنها دست به ریسک بزرگی زده است. "آی. اس. آی" و ژنرالهای ارتش به امید این که همه چیز را تحت کنترل دارند، با کمک عده ای از سیاستمداران شریک و نمایندگان پارلمان موضوع را در لافاه قانونی پیچیدند و با مذاکره با طالبان و تندروهای محلی سعی کردند تا با آنها کنار آمده و بخشی از مناطق را به آنها واگذار کنند. در این کار سیاستمدارانی همچون ویلیام کیسی، رییس سازمان سیا که در سفرش به افغانستان به مناطق مرزی نیز سر زد و با گروههایی از این جنگجویان دیدار و مذاکره کرد هم شریک است. باری، فشار بر دولت از طرفهای مخالف افزایش پیدا کرد و آصف علی زرداری را وادار کردند تا با دادن امتیازهایی به گروههای اسلامی، رضایت آنها را برای توقف خشونت جلب کند. حال این چه خشونتی است که با باز گذاشتن دست اسلام گرایان تند رو متوقف می شود نیز از آن حرفهاست! زیرا جاری کردن قوانین شریعت به معنای برپا کردن بساط دار و شلاق در ملاء عام و فرمان به سنگسار و اعدام روزانه دادن است. آیا این اعمال در مسلک معامله گران به شیوه طالبان و تفنگ و گلوله خشونت نیست؟ حال خشونت از نظر آنان چیست این سوالی است که پاسخ چندان پیچیده ای ندارد.

متن توافق بین طالبان و دولت از سوی نمایندگانی از مجلس پیشنهاد شد که تعدادی از آنها از حزب خود زرداری یعنی "حزب مردم" بودند. تنها یک حزب کوچک به نام "جنبش متحد قومی" در مورد این توافقنامه هشدار داد و رای گیری در مجلس برای امتیاز دادن به شریعت خواهان را تحریم کرد. شریعت خواهان نیز آنها را تهدید کرده و اعلام کردند که

نمایندگان مخالف را به چشم کافر می نگرند و خونشان را می ریزند. با این تهدیدها، معامله در مجلس تصویب شد. طبق این معامله، قوانین حقوقی شریعت اسلامی در منطقه "ملکنند" اجرا خواهد شد و در ازای آن، جنگجویان طالبان نیز اقدامات خشونت آمیز خود را متوقف خواهند کرد. حال دیگر به خوبی قابل مشاهده است که چه کسانی به حمایت از طالبان مشغولند و دامنه این حمایت تا کجا گسترده است.

این عمل غیر انسانی، غیر اخلاقی و بی شرمانه دولت باعث شد تا طالبان کنترل "دره سوات"، یکی از مناطقی که نیروهای پیشرو در آنجا پایگاه داشتند را به دست گیرند و با روانه کردن تفنگچیهای خود به خیابانها و برقرار کردن ایست بازرسی و بازداشت و محاکمه های سرپایی به مانور بپردازند. هر روزه گزارشهای مختلفی از بدرفتاری طالبان و شریعت خواهان با مردم مخایره می شود. بساط شلاق بر چهارراهها برقرار می شود، عده ای مشغول سنگسار هستند و تعدادی دیگر با کافر و غیر اسلامی دانستن مردم آنها را یا به گلوله می بندند و یا از چوبه های دار آویزان می کنند. با همه این احوال طالبان از موقعیت به دست آمده حداکثر استفاده را کرده و سعی کرد تا منطقه تحت کنترل خود را گسترش دهد. روانه شدن تفنگچیها به شهرهای همجوار همچون "بونر" و "دیر سفلی" شروع شد و با پیشروی به سوی پایتخت، زنگ خطر برای اسلام آباد به صدا در آورد.

چالب این که در این بین، هنگامی که طالبان از راه رسیده به مراکز دولتی حمله ور شدند و ساختمانهای دولتی را تخریب کرده و میز و صندلیهای آنها را به خیابان آورده و به آتش کشیدند، پلیس و نیروهای نظامی نظاره گر بودند و هیچ واکنشی از خود نشان ندادند، تا جایی که به زودی طالبان به صد کیلومتری اسلام آباد رسیدند و اعلام کردند که خواهان جاری شدن قوانین شریعت در سرتاسر پاکستان هستند. آنها گفتند که حکومت پاکستان، پارلمان و قانون اساسی آن را قبول ندارند. هنگامی که دولت پاکستان به طالبان اعتراض کرد که مفاد قرارداد را زیر پا گذاشته و صلح را رعایت نکرده است، امیر عزت خان، یکی از سخنگویان صوفی محمد، روحانی افراطی و میانجی عقد قرارداد با دولت، گفت: "قرارداد صلحی میان ما و دولت محلی وجود نداشته است. ما قراردادی مبنی بر اجرای نظام حقوقی بر بنیان شریعت بسته ایم."

قبل از این ماجرا نیز رادیو آلمان به نقل از کیل کالن گزارش داده بود: "دولت پاکستان دیگر بر دو سوم کشور کنترل ندارد. در مناطق پرت ایالتهای مرزی، رهبران طالبان مانند

بیت الله محسود یا حافظ گل بهادر، دولت در دولت درست کرده اند. در این مناطق، نیروهای افغانی طالبان نیز پناهگاههای امن یافته اند. مقر اصلی شبکه ای ترور القاعده نیز در همین ناکجا آباد صعب العبور است و بمب گذاران آینده ی خود را آماده می کند. ترور در پاکستان گسترش می یابد و هر روز عده های را به کام مرگ می کشد."

هم چنین پیر لولوش، نماینده ویژه دولت فرانسه در امور افغانستان و پاکستان، از طالبانی شدن خزنه پاکستان اظهار نگرانی کرده بود. او گفته بود طالبان اکنون نه تنها در افغانستان، بلکه، در پاکستان هم در حال پیشروی اند و ترس از آنها در افکار همه رسوخ کرده است.

زنگ خطر

حال در این وضعیت آن چه از کنار گوشه جهان به گوش می رسد این است که باید کمکهای مالی به دولت پاکستان هرچه زودتر فرستاده شود، تاخیر در فرستادن کمکهای مالی باعث خواهد شد تا طالبان همه کشور را تسخیر کند و زرادخانه اتمی پاکستان به دست آنها و اسلام گرایان تندرو بیفتند. ریچارد هالبروک در کنگره آمریکا با دفاع از واگذاری کمکهای گسترده به پاکستان، تاکید می کند که رها کردن اسلام آباد منافع ملی آمریکا را به خطر خواهد انداخت. هالبروک که در کمیسیون امورخارجی سنای آمریکا سخن می گفت در ادامه اضافه کرد که فقط دشمنان پاکستان از تعویق طرح اعطای کمک به این کشور سود خواهند برد. هم چنین جان کری و ریچارد لوگار، اعضای کمیته روابط خارجه سنای آمریکا نیز طرحی را برای دادن ۷/۵ میلیارد دلار کمک غیر نظامی به اسلام آباد در پنج سال آینده ارایه کرده اند. دیوید پتریوس، فرمانده نیروهای مرکزی آمریکا در خاورمیانه نیز هشدار می دهد که پاکستان دو هفته تا سقوط فاصله دارد. این گونه ارتش پاکستان وادار به عمل می شود و تحت فشار دولت آمریکا، عملیات "تندر سیاه" را آغاز می کند. یوسف رضا گیلانی، نخست وزیر پاکستان دستور پاکسازی منطقه "ملکنند" از وجود شبه نظامیان را صادر می کند و ارتش از زمین و هوا به آنها حمله ور می شود. سیل مردمی که بین دو نیروی متخاصم گرفتار شده اند به اطراف روانه می شود. در مدت کوتاهی بیش از نیم میلیون زن و کودک، پیر و جوان با رها کردن خانه و کاشانه در میهن خود آواره و بی خانمان شدند. صفحه تلویزیونها و روزنامه ها پر است از تصاویر و گزارشهایی که به این موضوع می پردازند و با بزرگ نمایی آواره ها،

درخواست کمک بیشتر برای پاکستان دارند. کمیته جهانی صلیب سرخ اعلام کرده است، گزارشهای تایید نشده نشان می دهد در عملیات ارتش پاکستان در مناطق "دیر"، "سوات" و "بونر" حدود ۵۰۰ هزار پاکستانی بی خانمان شده اند. یعنی، ژنرالهای چند ستاره و ماموران کارکشته "آی. اس. آی" پاکستان و سیاستمداران آن کشور نمی دانستند که دادن امتیاز اجرای قوانین شریعت و ایجاد دولت در دولت به نیروهای تندرو اسلامی این آخر و چرا دست به ریسکی با درجه خطر به این بالایی زدند؟

این گونه است که رد پای یک توطیه بی شرمانه برای دریافت پول و سرکیسه کردن دیگران به خوبی هویدا می شود. در خطر انداختن جان هزاران نفر از مردم بی گناه، آواره و بی خانمان کردن بیش از یک میلیون نفر تا کنون و باز گذاشتن دست طالبان برای بدرفتاری و اعمال بی شرمانه با ساکنان محلی تنها برای به دست آوردن هرچه زودتر دلارهای ارسالی است؛ شغلی که آصف علی زرداری و دار و دسته نظامی - امنیتیهای پاکستانی در اجرایی کردن آن از تبحر کافی برخوردارند. به ظاهر دریافت کمک مالی دوازده میلیارد دلاری پرویز مشرف از آمریکا به مزاج قدرتمندان پاکستانی مزه کرده است و آنها برای بیشتر کردن این کمکها و سرعت دادن به سیر حرکت آن دست به هر عملی می زنند. هنگامی که طرح ریچارد هالبروک، فرستاده ویژه آمریکا به افغانستان و پاکستان در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا با مشکل برخورد کرد، آنها فکر دیگری برای بزرگ تر کردن ترس بین المللی را اجرایی کردند. زیرا سناتورهای آمریکایی اعلام کردند که در صورت روشن نشدن معیارهای محاسبه مالی دقیق در برنامه کمک مالی به پاکستان، با آن مخالفت خواهند کرد. قبل از آن باراک اوباما نیز از سنا خواسته بود تا کمک مالی به پاکستان را به سه برابر افزایش دهد. به همین گونه است کمک دیگر کشورهایی که در کنفرانس ژاپن متعهد شده بودند به این کشور پول بپردازند. با این حساب حمله ارتش پاکستان به منطقه غیر نظامی و زیر آتش گرفتن مردم و جنگجویان باعث شد تا عده زیادی از منطقه فرار کنند و در حاشیه جاده ها و بیابانها به هر سو روانه شوند. همین موضوع را دولت پاکستان دستمایه می کند و آصف علی زرداری دست به سفر به دور دنیا می زند تا نظر مثبت کشورها را برای کمک مالی به پاکستان و آواره های آن جلب کند؛ آواره هایی که به دست ارتش پاکستان بی خانمان شده اند. او در کنفرانس خبری ای که همراه با "بان کی مون"، دبیرکل سازمان ملل متحد انجام داد گفت: "هدف من و دبیرکل سازمان ملل جلب توجه جهانیان به فاجعه ای انسانی است که به دلیل این جنگ در منطقه بروز کرده است." دبیرکل سازمان ملل نیز ضمن ابراز نگرانی

بقیه در صفحه ۲۰

باز شدن فصل قتل‌های حکومتی در کنار تنور انتخابات

منصور امان جدال لفظی مُدعیان منصب ریاست جمهوری با یکدیگر، جمهوری اسلامی را با سر به درون تنور انتخابات سرازیر کرده است. پس از تبدیل "اسرار نظام" پیرامون چپاول دُلا‌های نفتی به موضوع مَجّ گیری و داغ ننگ کوبی، اینک پرونده‌های آدمکشی حکومتی نیز در حال ورق خوردن و به رُخ کشیده شدن است. حُجّت الاسلام کروی، یک بازیگر نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری، در جریان مُشاجره با آقای حُسن شریعتمداری به صراحت بر نقش وی در قتل نویسنده زندانی، آقای سعیدی سیرجانی نقطه تأکید گذاشته است. رییس پیشین مجلس مَلا‌ها به آقای شریعتمداری که از او به عنوان یکی از اعضای بُلدن‌پایه وزارت اطلاعات نام بُرده می‌شود، یادآور شده است: "این بار نه با سعیدی سیرجانی که با مهدی کروی سُخن می‌گویید."

پیشتر نیز آقای مُحسن رضایی، سرکرده سابق سپاه پاسداران و نامزد انتخابات، بررسی مساله قتل سازمانیافته‌ی نویسندگان (مشهور به "پرونده قتل‌های زنجیره‌ای") را طرح ساخته بود. آقای رضایی بدینوسیله تلاش کرد گرایش دولتی باند نظامی - امنیتی که شماری از عاملان و آمران جنایات مزبور همچون حُجّت الاسلام دُرّی نجف آبادی یا حُجّت الاسلام حُسنیان در هرم آن قرار گرفته‌اند را زیر ضرب بگیرد.

باز کردن فصل قتل‌ها، پس از نشانه گذاری فساد دولتی در دفتر اعمال "نظام" از سوی آقای میر حُسن موسوی صورت می‌گیرد و می‌تواند کوشش برای کشفین کارتهای بُزرگتر انگاشته شود. نخست وزیر پیشین رژیِم مَلا‌ها، از ابهام در مورد سرنوشت "۲۷۰ میلیارد دُلا‌ر پول نفت در این سه، چهار سال" خبر داده بود.

انتقادات و افشاگری‌های مزبور اگر چه طرف خطابه‌های حقیقی خود را دارد اما در پُشت سر آنها هیچ کس کمتر از "نظام" در تمامیت خود نایستاده است. از این رو، نه فقط شلیک تیر اتهامات بلکه، جاخلالی از آن نیز در انتهای حکومت را نشانه گرفته است. این تنگنایی است که هم‌بِه کُشان تنور انتخابات به قیمت کز داده شدن ریش خود در آن مانور می‌دهند.

فراسوی خیر ۱۳ اردیبهشت ۸۸

سلسله دروغگویی و رسوایی

لیلا جدیدی با فاش شدن علت واقعی کاهش بدهیهای خارجی که دولت احمدی نژاد آنرا "دست‌آورد بی سابقه" خوانده بود، تلاشهای سه ساله محمود احمدی نژاد در اثبات بی‌مایگی و دروغ پراکنی خود بار دیگر به نتیجه رسید.

دلیل واقعی کاهش ۲۴ درصدی بدهیهای خارجی که دولت او بر آن مهر "دست‌آورد" و «شاهکار» زده بود، در بررسی کارشناسی بانک مرکزی ایران برملا شد. طبق این بررسی، کاهش مزبور به دلیل "کاهش نرخ برابری یورو در مقابل دُلا‌ر، افزایش محدودیتهای تأمین مالی بین‌المللی و بازخرید بخش دوم اوراق قرضه یورویی" بوده است.

لیست دروغگوئیها و شاهکارهای کذب دست‌نشانده خامنه‌ای و ابواب جمعی دولت نهم طولانی است. نخست از آوردن پول نفت بر سر سفره مردم آغاز شد که به سهمیه بندی بنزین، قطع گاز، جهش نرخ تورم، همه گیر شدن فقر، ارقام نجومی بهای مواد خوراکی و غیره منتهی گردید. "شاهکارهای" بعدی رییس جمهور مَلا‌ها شامل "خبر خوش هسته‌ای" بود و با ادعای قصد ربودن خود در عراق - که بعدها آن را "دروغ مصلحتی" خواند - تمام نشد. بعد از پدیدار شدن هاله نور دور سر او در نشست سازمان ملل و رسوایی دروغگویی در دانشگاه کلمبیا، رییس دولت در ژنو نیز "شاهکار" به عمل آورد و در بازگشت ادعا کرد که با رفراَنوم در ایران موافق است. وی در یک مصاحبه با نیویورک تایمز نیز مدعی عدم اعدام کودکان زیر ۱۸ سال در ایران شد. نامه انداختن در چاه جمکران و وعده ظهور امام زمان بدون ترس از مورد تمسخر خاص و عام قرار گرفتن نیز مساله‌ای نبود. پیش از آخرین دروغ، گماشته خامنه‌ای خود را قدرت اول دنیا معرفی و ادعا کرده بود که دیگر کشورها از او نسخه پیشرفت می‌خواهند چه کسانی جز آنان که فرصت غارت مردم ایران را غنیمت می‌شمارند، صدای گزافه و خارج این طبل میان تپه‌ی را تشویق و همراهی می‌کنند؟

۲۱ اردیبهشت ۸۸

تصویب قانون شریعت اسلامی، خود زنی دولت پاکستان

بقیه از صفحه ۱۹

از وضعیت آوارگان جنگی گفت که سازمان ملل آماده ارسال کمکهای بشردوستانه به آوارگان درگیرمتی در پاکستان است اما هم زمان از زرداری خواست تا قبل از هر موضوع دیگری، به حفظ جان غیرنظامیان در جریان عملیات نظامی توجه کند. بان کی مون به چه کسی نصیحت می‌کند که مراقب جان غیرنظامیان باشد؟ به ظاهر او از معامله زرداری و صدور اجازه برای اجرای قوانین شریعت علیه مردم بی‌خبر است و گرنه باید در ابتدا به این موضوع اعتراض می‌کرد و دلیل رها کردن مردم زیر شلاق و بَدرفتاری طالبان را از زرداری توضیح می‌خواست. اما به نظر می‌رسد مردم تنها به سوژه‌ای برای این گونه سیاستمداران تبدیل شده‌اند و موقعیت و وضعیت آنها در چنگال جریان‌هایی همچون طالبان که بر آنان بدترین و شنیع‌ترین اعمال را روا می‌دارند، مهم نیست.

هرچند زرداری و ژنرالها و ماموران "آی. اس. آی" منتظر کمکهای مالی هستند اما سر و صدا در بسیاری از کشورها بالا گرفته است و بسیاری از این که پاکستان سقوط کند و بمبهای اتمی و دیگر تجهیزات فوق مدرن به دست طالبان و شریعت خواهان بیفتند، نگرانند. دولت فرانسه با ارایه طرحی، به پاکستان پیشنهاد مشارکت برای حفاظت از تاسیسات هسته‌ای این کشور را داد. آمریکاییها با را از این هم فراتر گذاشتند و گفتند که طرح یک برنامه مشترک برای حفاظت و از بین بردن مواد هسته‌ای پاکستان تدوین خواهد شد تا مانع از افتادن این مواد به دست تروریستها شود. آنها هم چنین پیشنهاد دومی را نیز مطرح کردند و آن این که اورانیوم غنی شده با درجه بالا از تاسیسات هسته‌ای غیر نظامی پاکستان به آمریکا منتقل شود. بعد از این پیشنهادات بود که صدای یوسف رضا گیلانی، نخست وزیر پاکستان بلند شد و تلاش غرب برای نامطمین خواندن امنیت زرادخانه اتمی کشور خود را محکوم کرد و گفت، هیچ کشوری اجازه دسترسی به زرادخانه اتمی اسلام آباد را نخواهد داشت. گویا او نمی‌خواهد بپذیرد که با همدستی نظامی - امنیتی بازی خطرناکی را شروع کرده است که پایان بخشیدن به آن از عهده او و هم‌تایانش خارج است. دولت متزلزلی که هر آن امکان سقوط آن می‌رود و اسلام گرایان تندرو پشت دروازه‌های پایتخت آن اردو زده‌اند، در برابر این ریسک ناتوان می‌نماید. اما حامیان طالبان و همدستان آنها در مجلس، کابینه، ارتش و "آی. اس. آی" به ظاهر

همه چیز را تحت کنترل می‌دانند در حالی که در عمل این گونه نیست و احتمال هر اتفاقی وجود دارد. به همین دلیل رابرت گیتس که راهی منطقه شده، پس از دیدار از مصر به سوی عربستان رفت. گیتس پس از ورود به ریاض گفت: "واشنگتن خواهان مشارکت عربستان در کمک به پاکستان جهت رویارویی با شبه نظامیان تندرو در این کشور است." به گزارش بی بی سی، دریاسالار مایک مولن، رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا پس از یازده بار سفر به پاکستان بالاخره درباره امنیت زرادخانه اتمی پاکستان ابراز اطمینان کرد. اما تا چه اندازه می‌توان به این حرفها خوشبین بود، بستگی به این دارد که دولت پاکستان بتواند جنگجویان شریعت خواه را تار و مار کند و آنها را بدون کمکهای مالی با ارقام درشت ممکن نیست.

بی سرانجام

در روزهای گذشته ارتش پاکستان با شدت هرچه تمام تر مناطقی را که احتمال وجود طالبان در آنجا می‌رود زیر آتش گرفته است. ساکنان این مناطق از ترس دو طرف از خانه و کاشانه خود متواری شده و به هر سوئی روانند. قانون منع رفت و آمد که توسط ارتش اعمال می‌شود باعث شده تا بسیاری از آنها نتوانند جان خود را نجات دهند و زیر بمبها و موشکها و آتش باری دو طرف گرفتار شده‌اند. بی‌آبی و بی‌غذایی جان بسیاری را تهدید می‌کند. آنهایی که موفق به فرار شده‌اند نیز از وضعیت بهتری برخوردار نیستند. در چادرها و مکانهای اسکان موقت، بهداشت وجود ندارد و مواد غذایی نایاب است. امکانات سرویس و پوشاک به شدت ناچیز و آواره‌ها در بدترین شکل ممکن نگه‌داری می‌شوند. همه اینها به دلیل سیاست بازی و بده بستانهای کثیف و رذالت پیشگی کسانی است که شماره حسابهای بانکی شان بیش از هر چیزی اهمیت دارد. موضوع قدرت گرفتن اسلام گرایان تندرو و جریاناتی چون طالبان موضوعی امروزی نیست. رژیِم جمهوری اسلامی که در همه عرصه‌های تنش بین‌المللی حضور دارد، خود یکی از آتش بیاران این معرکه است. در روزهای گذشته سخنگوی ارتش پاکستان اعلام کرد: برخی سازمانهای امنیتی خارجی تسلیحات و مواد منفجره در اختیار طالبان قرار می‌دهند و این کمکها همچنان ادامه دارد. هم چنین ژنرال آگون رامس، از فرماندهان آلمانی ناتو مدعی دخالت رژیِم ایران در تسلیح طالبان و قاچاق اسلحه به داخل افغانستان شده است. او می‌گوید: "این بار اول نیست که باید از رفتار عجیب جمهوری اسلامی تعجب کنیم و حرفهایش را به کلی متضاد با عملش ببینیم." به زبان دیگر، طالبان یک پدر خوانده ندارد. رژیِمهای نامشروعی که از هیچ گونه حمایت مردمی برخوردار نیستند با بازی با کارت آنها امورات خود را پیش می‌برند. طالبان و تندروهای اسلام گرا دیر سالی است که تبدیل به ابزار پیشبرد سیاستهای کثیف کشورهای متفاوت بوده‌اند. این موضوع تا چه وقت ادامه خواهد داشت، پرسشی است که پاسخی از جنس دیگر را می‌طلبد.

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

همه نگران هستند که به تروریسم خاتمه بدهند. خوب، خیلی آسان است، بخشی از آن نباش. (نوام جامسکی، متولد دسامبر ۱۹۲۸ - زیانشناس، فیلسوف، فعال سیاسی و نویسنده)

رها کن خود را از بردگی فکری، هیچکس جز خود ما نمی تواند افکارمان را آزاد کند. (باب مارلی - ۱۹۴۵ - ۱۹۸۱)، آهنگساز، خواننده و ترانه نویس جاما بیکیایی

موزیک مانند برگردان روح انسان است. نشان می دهد آنجا چه هست و چه نیست.

ایزاک استرن - Isaac Stern (۱۹۲۰-۲۰۰۱)، موسیقیدان و ویولونیست یهودی متولد اوکراین

موسیقی



بیژن ترقی، ترانه سرای برجسته ایران درگذشت

بیژن ترقی، ترانه سرای برجسته به علت نارسایی تنفسی جمعه شب در سن ۸۰ سالگی درگذشت.

آقای ترقی مدتی بود که به علت آرتروز پیشرفته قادر به حرکت نبود. وی در آخرین مصاحبه اش گفته بود: "چیزی برایم باقی نمانده است. کتابخانه را تعطیل کردم و خانه ام را برای تامین هزینه های درمان فروختم. بیمه هم کاری برای من نکرد. فقط یک بار آمدند و دیگر پشت سرشان را هم نگاه نکردند. هزینه های درمانم را خودم پرداخت کردم."

بیژن ترقی از ۲۰ سالگی ترانه سرایی را آغاز کرد و در نزدیک به شصت سال، آثار مختلفی از جمله مجموعه ای "از پشت دیوارهای خاطره" شامل خاطراتی از نیما یوشیج، شهریار، رهی معیری و ... و "آتش کاروان" دربرگیرنده مجموعه ای سروده هایش را منتشر کرد.

بتهوون، زنده، در اتاق نشیمن

ارکستر سمفونی برلین با به راه انداختن "سالن کنسرت دیجیتال" در اینترنت، شنیدن و دیدن اجراهای زنده کنسرت های موسیقی کلاسیک را در خانه ها جهانی میسر کرده است؛ آن هم با نصب ساده ی پنج دوربین "مخفی" در بخشهای مختلف سالن اجرا.

این فکر رهبر بریتانیایی ارکستر سمفونی برلین، سیمون راتل (Simon Rattle) بود که از ابتدای سال ۲۰۰۹ به مرحله ی اجرا گذاشته شده است. این پروژه که سالها برای پیاده کردن آن وقت صرف شده، "سالن کنسرت دیجیتال" نام دارد. با آغاز فعالیت این "سالن"، فصل جدیدی در تاریخ تکامل رسانه ها گشوده شده است. ارکستر سمفونی برلین یکی از پیشتازان این راه است.

مهم ترین عامل در طرح، تنظیم و پیاده کردن این پروژه، کاستن از هزینه های ضبط و پخش اجرای زنده ی آثار کلاسیک بود. به این منظور، برنامه ریزان از استفاده از تیم های فیلم برداری، ضبط صدا و تنظیم نور صرف نظر کردند و وظایف آنان را به عهده ی یک تیم متخصص سه نفره گذاشتند. این سه تن با نصب پنج دوربین "مخفی" در بخشهای مختلف سالن و تنظیم و رهبری آن از اطاقکی مجهز و کوچک، قادرند صدا و تصویر را هنگام اجرای کنسرت ضبط و از طریق DSL، با سرعت زیاد در سه نسخه ی متفاوت به سراسر جهان بفرستند.

اعتراض بیانیه یست لهستانی به میلیتاریسم آمریکا

کریستن زیمرمن، بیانیه یست کلاسیک نواز در کنسرتی که در ماه آوریل در لوس آنجلس برگزار کرد، در اواخر برنامه کنسرت را قطع کرد و به انتقاد از میلیتاریسم آمریکا و همچنین اقدامات اخیر آن در لهستان پرداخت. او گفت، دیگر هرگز به آمریکا نخواهد آمد و همچنین به زندان گوانتانامو اعتراض کرد. زیمرمن با خشم گفت که آمریکا دست خود را از لهستان باید کوتاه کند. اشاره وی به معامله بوش با دولت دست راستی لهستان برای استقرار سیستم ضد موشکی در این کشور بود.

۲۵۰ سال پس از گئورگ فریدریش هندل

گئورگ فریدریش هندل در ۲۳ فوریه ی ۱۶۸۵ در هاله در شرق آلمان زاده شد. گرچه هندل زاده ی آلمان بود ولی از ۲۷ سالگی به بریتانیا مهاجرت کرد و تابعیت آن کشور را پذیرفت

آثار هندل الهام بخش بزرگانی چون بتهوون و هایدن بوده اند. هندل ۴۰ اپرا ساخت و از ۴۷ سالگی تنها به ساختن اپراهای کلیسایی پرداخت. او پیرو سبک باروک بود یعنی، در آثارش برای بازتاب دادن احساسات انسانی از تکنیک های مشخصی استفاده می شده، برای نمونه گاه از نت های بم برای بیان غم بهره می گرفته است.

هایدن اپرای کلیسایی "آفرینش" خود را با تاثیر از اپراهای هندل نوشته است.

ادبیات

اعتراض کانون نویسندگان ایران به سانسور و سرکوب نهاد های صنفی

کانون نویسندگان ایران در تازه ترین اطلاعیه خود نسبت به تشدید آنچه که "سانسور کتاب، اندیشه و نیز سرکوب نهادهای صنفی" خوانده است، هشدار داد.

آقای رضا خندان مهابادی، عضو هیات دبیران کانون نویسندگان در این باره می گوید: "بیانیه کانون در رابطه با اتفاقاتی است که طی چند روز اخیر و به خصوص نزدیک برگزاری نمایشگاه کتاب رخ داده است، از جمله این که در روز جمعه ۱۱ اردیبهشت ماه در پارک لاله تهران، تعداد زیادی از کسانی را که برای بزرگداشت روز جهانی کارگر تجمع کرده بودند، بازداشت کرده اند.

همچنین در روز ۱۴ اردیبهشت ماه نیز معلمانی را که برای پیگیری خواسته های خود جمع شده بودند، مورد ضرب و شتم قرار دادند و تعدادی از آنها را بازداشت کرده اند.

در ضمن، در نمایشگاه بین المللی کتاب امسال به تعدادی از ناشران اجازه شرکت در نمایشگاه داده نشده است. هیات دبیران کانون نویسندگان اینها را مصداق و موارد بارز مبارزه با آزادی اندیشه و بیان می دانند.

حمله محمود دولت آبادی به اهل قلم خارج از کشور

دفاع از دو نامزد مختلف انتخابات ریاست جمهوری، موجب درگیری لفظی محمود دولت آبادی و عبدالکریم سروش شد. محمود دولت آبادی در حمایت از میر حسین موسوی، به سروش که از کربوبی حمایت کرده بود، انتقاد کرد. او در یک نشست انتخاباتی موسوی در انتقاد از عبدالکریم سروش گفت که "شیخ انقلاب فرهنگی سروش بود".

سروش نیز در پاسخ به دولت آبادی از میرحسین موسوی خواست که به وی یادآور شود که نه سروش بلکه خود او (موسوی)، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است و میان ستاد انقلاب

فرهنگی و شورای انقلاب فرهنگی تفاوت وجود دارد.

دولت آبادی در واکنش به انتقاداتی که از او به خاطر فعالیت تبلیغاتی به نفع موسوی می شود گفت: "دوستان خارج از کشور که من همیشه با احترام از آنها یاد کرده ام بیشتر به جای این که اهل تعمق و تأمل باشند، شتابزده و عجولانه رفتار می کنند تا بتوانند به کسی بهتانی بزنند." وی افزود: "وقتی که شما هیچ محور نظری، عملی، اجتماعی و فرهنگی واحد ندارید دیگر به ما چکار دارید؟ ما در بستر خردمان حرکت می کنیم و با تشخیص خردمان عمل می کنیم."

گفته های انتخاباتی محمود دولت آبادی اعتراض بسیاری از جمله اپوزیسیون و کوشندگان سیاسی و ادبی درون و برون مرزی را برانگیخته است.

انتشار کتابهای صادق هدایت توسط شرکت بین المللی "آمازون"

مدیر دفتر صادق هدایت اعلام کرد، شرکت بین المللی "آمازون" آثار صادق هدایت را به زبان فارسی در کشورهای مختلف دنیا توزیع می کند.

جهانگیر هدایت گفته است که این آثار شامل ۴۲ داستان کوتاه است که در ۶۰۰ صفحه برای علاقمندان به این نویسنده توزیع خواهد شد، ضمن این که شرکت "آمازون" مجموعه ای از آثار طنز هدایت شامل داستانهای "حاجی آقا"، "علویه خانم" و "ولنگاری" را نیز به زودی منتشر خواهد کرد.

وی افزود، دو اثر "پژوهشی در مورد فرهنگ عامیانه" و "بوف کور"، دیگر آثار صادق هدایت هستند که در مراحل بعدی توسط "آمازون" منتشر و پخش می شود.

وی درباره آرایه نشدن آثار هدایت در نمایشگاه کتاب گفت: "ما اصلا نگران این نیستیم که آثار صادق هدایت در نمایشگاه کتاب آرایه نمی شود. متصدیان فرهنگ و ادب هیچ وقت دیدگاه مثبتی به آثار صادق هدایت نداشته اند. حتی در نمایشگاه سال پیش دیده شده که روی عکس صادق هدایت در پوسترها، کاغذهایی چسبانده بودند که چهره او مخفی بماند."

مدیر دفتر صادق هدایت ضمن اظهار این امر که کتابهای صادق هدایت در خارج و داخل همیشه طرفدار داشته است گفت: "کتابهای صادق هدایت حتی توسط دست فروشهای کتاب در معابر و پیاده روهای شهر به نمایش گذاشته می شود و به فروش می رود و این خود نشان دهنده جایگاه او در بین مردم است."

فیلم

اسپیلبرگ و رایت به خانه بدوشها می پردازند

استیون اسپیلبرگ، فیلم "تکنواز" یا سولویست که برندگان جایزه اسکار مانند "رابرت داوئی جونور" و "جیمی فاکس" بقیه در صفحه ۲۲

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

هنر به عنوان ابزاری برای تشویق مبارزه علیه خشونت خانگی

خانم حایا کهرامان، هنرمند عراقی با گشایش نمایشگاهی در مرکز هنری "وکیف" در قطر قصد دارد تا نظر مراجعه کنندگان را به ستمی که متوجه زنان در مناطق جنگ زده، به ویژه در کشور عراق می شود، جلب کند. وی در کارهای هنری خود از سبکهای ژاپنی، نقشهای عربی، هنر مینیاتور ایرانی و یونانی استفاده می کند. خانم کهرامان با نقاشیهای خود مبارزه زنان در مسیر رهایی از ستم، پذیرفتن این ستم و قبول سرنوشت را به تصویر می کشد. او امیدوار است که مبارزه برای تغییر را با نقاشیهای خود الهام بخشد.

به گزارش روز اول ماه مه خبرگزاری قطر: "زمانی که ستم نسل در نسل ادامه پیدا می کند، به مساله ای معمولی و پیش پا افتاده تبدیل می گردد. هنر من زمانی که ستم را قبول کرده و بخشی از سرنوشت خود می دانند را هدف قرار نداده است بلکه، منظور من زمانی هستند که به زور و ناخواسته مورد ستم قرار می گیرند و به اسارت آن در می آیند."

افغانستان و کلاه برداری در ثبت نام برای رای دادن علیه زنان

مقامهای رسمی حقوق بشر در کشور افغانستان عنوان کردند که آرای ریخته شده به صندوق انتخابات ریاست جمهوری ماه آگوست در مناطق محافظه کار به سادگی می تواند مورد تقلب و دستکاری قرار بگیرد. جنبش زنان در کشوری که زنان در آن حق تنها سفر کردن ندارند، به شدت در تنگناهای سنتی و آداب و رسوم قدیمی محصور است. در چنین کشوری به طور معمول مردان به جای زنان برای رای دادن اسم نویسی می کنند. به گزارش اسوشیتدپرس، سوم ماه می، سیمیا سمیر، مدیر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در کنفرانس خبری اعلام کرد که در شش ماه گذشته، ۷۲ درصد از افرادی که در منطقه لوگار، منطقه ای در جنوب کابل برای رای دادن اسم نویسی کرده اند، زن هستند؛ مساله ای که بسیار غیرمنتظره است. مقامهای رسمی در ایالتهای پاکتیا و خوشت نیز با ثبت نام اسامی بیشماری از زنان روبرو هستند.

بر اساس قانون افغانستان هر کسی که برای رای گیری ثبت نام می کند، یا نامی که روی کارت است می تواند رای بدهد اما خانم سمیر ابراز می دارد که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴، اخباری مبنی بر این که مردان رایهای زیادی از طرف افراد دیگر خانواده به صندوق انداخته اند، گزارش شده است.

احتمال پذیرفتن حق راندگی برای زنان در عربستان سعودی

به گزارش خبرگزاری رویتر، ۲۶ آوریل، وزیر امور شهری و روستایی عربستان سعودی در کنفرانسی در ایالت شرقی اعلام کرد که می بایست حق راندگی زنان پذیرفته شود. در عربستان سعودی به عنوان بزرگترین کشور تولید کننده نفت، زنان از حق شرکت در انتخابات نیز محرومند. به گزارش خبرگزاری گلوب، یازده مه، یک قاضی سعودی در کنفرانسی پیرامون خشونت علیه زنان ابراز داشت که مردان حق دارند همسران خود را که ولخرجی می کنند، کتک بزنند. وی ادامه می دهد که ولخرجی زنان دلیل افزایش خشونت خانگی است.

مدافعان حقوق زنان چنین ادعاهایی را واکنشی در برابر کوشش جنبش زنان عربستان سعودی جهت دستیابی به حقوقی همچون حق رای، راندگی، تثبیت قوانینی علیه خشونت خانگی و شرکت آزادانه در امور سیاسی می دانند.

آزار و اذیت کارگران مهاجر زن در لبنان

کارگران زن مهاجر در لبنان در کنفرانسی که با شرکت کوشندگان حقوق بشر در بیروت تحت عنوان منصفانه ترین گفتگو پیرامون وضعیت تقریباً دویست هزار زن مهاجر در لبنان برگزار شد، از اعمال آزار و اذیت علیه خود و لکه سیاه بر نیروی کار کشور سخن گفتند.

به گزارش دیلی استار، پنج مه، خانم ندیم حوری از دیدبان حقوق بشر در این کنفرانس اعلام کرد که کارگران خانگی زن به طور معمول از طرف کارفرما مورد آزار و اذیت قرار می گیرند، پاسپورت نود درصد از این زنان توسط کارفرمایان توقیف شده و دستمزد آنها پرداخت نشده و یا هرگز مرخصی دریافت نکرده اند. شمار نامشخصی نیز مورد آزار و اذیت فیزیکی و روحی قرار گرفته اند. گزارش ۲۰۰۸ دیدبان حقوق بشر عنوان می کند که هر هفته در لبنان یک کارگر زن خانگی از ساختمان بلند و یا پله (به طور معمول هنگام فرار از دست کارفرما) جان خود را از دست می دهد. بسیاری از شرکت

کنندگان اعلام داشتند که با وجود آزار و اذیت فراوان، جامعه لبنان نمی خواهد به این مساله اعتراف کند. یکی از کارگران خانگی از سودان اعلام کرد که به دلیل رنگ پوستش مورد تبعیض قرار می گیرد. نجمیه از کشور کنیا ابراز می دارد که او به عنوان کارگر خانگی رنگین پوست حتی در محلهای عبور و مرور مورد آزار و اذیت قرار می گیرد، تا اندازه ای که به فریاد می آید و دیگران تنها تعجب می کنند که چرا این خدمه فریاد می زند؟!!

زنان کویتی به پارلمان کشور راه پیدا کردند

زنان کویتی در سال ۲۰۰۵ حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دریافت کردند اما در دو انتخابات قبلی موفق به کسب کرسی پارلمان کشور که از پنجاه عضو تشکیل می شود نشدند. به گزارش اسوشیتدپرس، شانزده مه، چهار نامزد زن انتخاباتی قادر شدند برای نخستین بار در تاریخ این کشور برنده کرسی پارلمان شوند. اگرچه سیاستمداران مذهبی در جامعه کویت تلاش فراوانی جهت جلوگیری از گسترش حقوق سیاسی زنان کویتی کردند اما برنده شدن چهار نامزد زن در انتخابات پارلمانی نشان می دهد که جامعه کویت در آغاز فعالیت در جهت جدایی از حرکتی است که بر اساس نفرت بنا شده است.

خودکشی، طلاق و اعدام محصول سیاستهای رژیم ولایت فقیه

- به گزارش خبرگزاری شفاف، ۲۷ اردیبهشت، ۸۰ درصد از طلاقتها با درخواست زنان است. بیکاری، فقر و اعتیاد به عنوان عوامل اصلی در بروز اختلافات میان زوجهای جوان عنوان شده است.

- به گزارش خبرگزاری دیدبان حقوق بشر کردستان، ۱۵ مه، یک دختر نوجوان ۱۸ ساله به نام نسرين، اهل بانه به دلیل آزار و اذیتهای پدرش خود را حلقه آویز کرد.

- به گزارش خبرگزاریهای گوناگون، دلارا دارابی، که به خاطر نقاشیهایش به "زندانی رنگها" معروف گشته بود، روز یازده اردیبهشت در زندان مرکزی رشت توسط عوامل سرکوب رژیم به جوبه اعدام سپرده شد. به گزارش بی بی سی، یازده اردیبهشت، سازمان عفو بین الملل با صدور بیانیه ای به اجرای حکم اعدام دلارا دارابی، انتقاد کرد. در این اطلاعیه آمده است که اعدام دلارا دارابی بدون رعایت موازین قانونی، از جمله مطلع ساختن وکیل مدافع ۴۸ ساعت قبل از اجرای حکم صورت گرفته است. قابل ذکر است که بر پایه گزارش سازمان عفو بین الملل، ایران از سال

حقوق زنان، پرده ای از نمایش مهدی کروبی

زینت میرهاشمی

رفع هر گونه تبعیض، برابری جنسیتی و مبارزه کنشگران این عرصه طی سه دهه عمر دیکتاتوری مذهبی، تمامی دستگاه قدرت با همه ارکانهایش را همواره در چالشی جدی قرار داده است. بازیگران نمایش انتخاباتی این دوره هم، در هیاهوهای تبلیغاتی خود البته مساله زنان را از دیده پنهان نمی کنند. هر کدام به فراخور قد و قامت خود گوشه چشمی به حقوق زنان می اندازند.

آنان طوری سخن می پراکنند که گویا اولین ناجی مردم از منجلاب حکومت دینی موجود هستند. آقای کروبی یکی از بازیگران شوی انتخاباتی برای جمع آوری رای زنان، خود را به دروغ مدافع آنان نشان می دهد. انگاری که وی از دستیاران قدرت و سیاست ورزان این حکومت ضد زن نبوده است. انگاره های مردسالارانه کروبی، اجازه عبور از خط قرمزهای حکومت دینی در مورد زنان را به وی نمی دهد.

بقیه در صفحه ۲۳

۱۹۹۰ بالاترین آمار اعدام کودکان در جهان را به خود اختصاص داده است. بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل، ۵ ماه مه، رژیم ایران از آغاز سال میلادی جدید، دو نوجوان زیر هیجده سال را اعدام کرده است که چنین اعمالی در سال ۲۰۰۷ در هیچ کشور دیگری صورت نگرفته است. اعدام دلارا دارابی که در سن هفده سالگی در بیدادگاه های رژیم به اعدام محکوم شده بود و دوره نوجوانی خود را پشت میله های زندان سپری کرد، لکه ننگ دیگری بر تاریخ حاکمیت جلاخان بر میهن ماست. درخواست دیه از طرف خانواده مقتول از خانواده قاتل، مساله جان و زندگی محکومان به اعدام در بیدادگاه های رژیم را به شدت تهدید می کند. موضوع مرگ و زندگی این افراد به تجارت و به بیان بهتر، به ضد ارزش، تبدیل شده است که نتیجه اجرای سیاستها و قوانین عقب افتاده استبداد مذهبی، حاکم بر میهن ماست.

اعدام "زندانی رنگها" با وجود تمام فعالیتها و تلاشهای افراد، سازمانها و تشکلهای مدافع حقوق بشر، برای هزاران بار بر این مساله که رژیم ولایت فقیه قابل اصلاح نیست مهر تاکید و تایید زد. استبداد حاکم همانند دیگر رژیمهای استبدادی همواره از حکم "اعدام" و اجرای قوانین جزایی دوران، بربریت در راستای ایجاد رعب و وحشت برای تضمین بقای خود استفاده کرده و خواهد کرد. بدین ترتیب، "تغییر همه جانبه ساختار سیاسی اقتصادی حاکم" و از هم پاشیدن دستگاه جنایت و خیانت به عنوان تنها راه رهایی از چنگال اعدام و سرکوب بی پایان است.

رویدادهای هنری

بقیه از صفحه ۲۱

نقشه‌های اصلی آن را بازی می‌کنند را تهیه کرده است.

این فیلم براساس ماجرای دوستی اتفاقی و غیرمتعارف استیو لویز، روزنامه نگار "لس" انجلس تایمز با یک خانه بدوش خیابانگرد و مجنون است که در گذشته یکی از امیدهای برجسته ترین هنرکده موسیقی کلاسیک آمریکا بوده است.

به اصرار کارگردان انگلیسی این فیلم، "جو رایت"، هزار خانه بدوش نقشهای سیاهی لشکر و حتی بعضی نقشهای کوتاه فیلم را بازی می‌کنند. این فیلم نگاهی است به زندگی فقیرترین قشر جامعه آمریکا. در این فیلم کارگردان به روشنی مشکلات و پیچیدگی این انسانها را به نمایش می‌گذارد اما متأسفانه راه حلی را به بیننده ارائه نمی‌دهد.

فستیوال بین المللی فیلم سانفرانسیسکو

پنجاه و دومین فستیوال فیلم سانفرانسیسکو با نمایش ۱۵۱ فیلم از ۵۵ کشور، روز ۲۳ آوریل آغاز شد و تا ۷ ماه مه ۲۰۰۹ ادامه داشت. در این فستیوال ۸۲ هزار نفر شرکت کرده بودند. از فیلمهای مورد توجه در این فستیوال فیلمی به نام "دختر فرانسوی" بود. سوفیا در سن ۱۰ سالگی با خانواده اش به فرانسه می‌آید. معلم او، سوفیا را "آفریقایی" خطاب می‌کند. دوست سوفیا که متولد فرانسه است این سوال برایش پیش می‌آید که آیا سوفیا فرانسوی، مراکشی یا عرب است. این سوال مطرح در فیلم "دختر فرانسوی" است.

بهمن قبادی سازنده فیلم "کسی از گریه های ایرانی خبر ندارد" فیلم "کسی از گریه‌های ایرانی خبر ندارد" در جشنواره کن به نمایش در آمد و با استقبال روبرو شد. بهمن قبادی، سازنده فیلم اعلام کرده است که به خاطر شرایط دشوار فیلم‌سازی در ایران، میهن خود را ترک و به آلمان مهاجرت می‌کند.

آخرین فیلم بهمن قبادی به اسم "کسی از گریه‌های ایرانی خبر ندارد" فیلمی است غیرعادی که در شرایط غیرمجاز ساخته شده و از مجاری غیررسمی به جشنواره کن راه پیدا کرده است. فیلم سرگذشت عده‌ای از جوانان اهل موسیقی را روایت می‌کند که در ایران به تولید آهنگهای روز می‌پردازند، در شرایطی خوف‌زده و به اصطلاح "زیرزمینی" که گویی به عملیات خطرناک خرابکارانه مشغول هستند...

حقوق زنان، پرده ای از نمایش مهدی کروبی

بقیه از صفحه ۲۲

روز دوشنبه ۲۸ اردیبهشت، مهدی کروبی طی بیانیه ای نظر خودش را نسبت به حقوق زنان اعلام کرده و آن را از برنامه های خود در صورت پیروزی دانسته است.

محتوای بیانیه فوق به درستی انعکاس گزاره های مردسالارانه کروبی نسبت به حقوق زنان است. وی جز سرقت کلمه هایی در این رابطه و بافتن آنها برای لاپوشانی نظرگاههای قرون وسطایی خود، حقوق واقعی زنان را به رسمیت نمی‌شناسد.

مهدی کروبی خمینی را از مدافعان حقوق زن می‌داند. وی قصد دارد «منزلت و کرامت» زنان را «احیا» کند. هم‌اورد طلبی زنان این را نشان داده که حقوق عادلانه شان را می‌خواهند نه «کرامت و منزلت» ساخته شده در سیستم ارتجاعی رژیم. زنان موجودی مقدس نیستند که آقای کروبی دلش بسوزد و بخواهد به آنها «کرامت» بدهد. زنان انسانهایی هستند که در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیمه انسان تلقی می‌شوند. وی از حضور زنان در کابینه، مجلس خبرگان و ... حرف زده است اما روشن نمی‌کند چطور زنی می‌تواند وزیر شود و برای خروج از کشور و کار کردن از همسرش باید اجازه داشته باشد.

وی در مورد بندهای قانون اساسی نسبت به حقوق زنان حرف مشخصی نمی‌زند. وی خیلی زور زده و مطرح می‌کند «بررسی و بازخوانی بندهایی از قانون اساسی که به ظاهر با برخی حقوق زنان مغایرت دارد، مورد اهتمام نظام هم قرار گیرد».

کروبی پیرامون پیوستن ایران به «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» آن تفکر نمایشی خود نسبت به زن را آشکار می‌کند. وی از «پذیرش مشروط کنوانسیون با حق تفحظ» صحبت کرده است.

این حرف به معنای جدا کردن حقوق زنان به دلیل شرایط فرهنگی از حقوق دیگر زنان است. یعنی این که زنان ایران به دلیل «مذهب» و شرایط «فرهنگی» حقوقی برابر با حقوق زنان در سطح جهان ندارند. این گفتمان ضد زن پایه اصلی تبعیض جنسینی به حساب می‌آید و تمامی قوانین ضد زن که کروبی طی سه دهه از کارگزاران و خدمتگزاران آن بوده است بر اساس همین گفتمان پیاده شده است. بر اساس همین تفکر، زنان سنگسار شده اند، از کار بیکار شده اند، توسط مردان خانواده یا رئیس خانواده مورد خشونت و به قتل رسیده اند.

در نهایت کروبی سرکوب زنان طی سه دهه را «سوء تدبیرها» دانسته است. وی می‌گوید: «ایران به عنوان عضوی از نظام بین المللی، نمی‌تواند و نباید به خاطر برخی سوء تدبیرها، به ویژه در رابطه با مسأله زنان از جامعه جهانی منزوی باقی بماند».

حرفهای مهدی کروبی در حالی زده می‌شود که فعالان جنبش زنان در زندان و یا مورد آزار و اذیت قرار دارند.

حقوق زنان، جهانشمول است. ایران باید به کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض بدون قید و شرط بپیوندد و تمامی مواد آن در قانون اساسی و قوانین مدنی رسمیت دهد. هر گونه گذاشتن شرط برای پیوستن، تأیید همه سرکوبگرها و جنایت‌های سه دهه علیه زنان است. با این حال شیخ مهدی کروبی می‌داند که اگر مجلس ارتجاع هم آن گونه که او می‌خواهد این کنوانسیون را تصویب کند شورای نگهبان آن را رد خواهد کرد.

تمامی قوانین جزایی، مدنی مطرح در قانون اساسی به ضرر زنان بوده و این قوانین خشونت علیه زنان را نهادینه کرده است. به همین دلیل اساسی ترین و اولیه ترین مانع برای دستیابی حقوق زنان، حکومت دینی و قانون اساسی آن است. هر کسی که از حقوق زنان صحبت می‌کند باید در گام اول موضع خودش را نسبت به حکومت دینی، ولایت فقیه و قوانین ضد زن و نیز رعایت مفاد کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض در مورد زنان را روشن کند. فراسوی خبر ۲۹ اردیبهشت

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حضر بویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می‌دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی‌کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می‌شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو

اروپا معادل ۲۴ یورو

آمریکا و کانادا ۳۶ یورو

استرالیا ۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای روز

ایران و جهان، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها

بخش شنیداری (رادیو پیشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

NABARD - E - KHALGH

No : 287 21may. 2009 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

شهدای فدایی

خرداد ماه

رفقا: حسن نیک داوری - امیر پرویز پویان - نادر شایگان شام اسبی - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرو نذیری - بهروز دهقانی - حسن معصومی همدانی - علیرضا شهاب رضوی - حبیب برادران خسروشاهی - مریم شاهی - خسرو تره گل - حسین سلاخی - مینا طالب زاده شوشتری - علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین موسوی دوست موچالی - رفعت معماران بناب - سلیمان پیوسته حاجی محله - نعمت با شعور - سعید سلطان پور - ماریا کاظمی - اسماعیل هادیان - منصور فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی (در هند) - محمدرضا محمدیان باباعلی (کاک رشید) - حمید امیر میرشکاری - ولی سوسنی - منوچهر ویسی - جعفر قنبر نژاد - مهنوش آذربین - شاپور جلیلی - جواد باقری، طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

پیشبرد اختلافات با آمریکا استفاده می شود.

در جریان انتخابات فرمایشی، این تهدیدها زمینه سازی برای ایجاد ترس از گزارش دهی در باره روند ضد دموکراتیک آن و انتشار اختلافات درون جناحی توسط خبرنگاران است. اگر چه بسیاری از خبرنگارهای جهان تلاش می کنند برای به دست آوردن اطلاعات دقیق تر از خبرنگاران دو زبانه استفاده کنند اما جمهوری اسلامی برای جلوگیری از این امر همواره این خبرنگاران را مورد تهدید و آزار قرار داده است.

تلاشهای رژیم در سلاخی آزادی مطبوعات خود دقیق ترین سند از کارنامه حاکمیت استبدادی در ایران است. احترام و علاقه مردم ایران و جهان به روزنامه نگاران و خبرنگارانی که این شرایط آنها را از عمل به تعهد حرفه ای خویش باز نمی دارد نیز انزجار از نبود آزادی بیان و آزادی مطبوعات و ستایش ارزشی به نام آگاهی است.

۱۳ اردیبهشت، روز جهانی آزادی مطبوعات

به آنان که با قلم تباهی دهر را به چشم جهانیان پدیدار می کنند خجسته باد!

لیلا جدیدی

به مناسبت این روز جهانی سلام و درود می فرستیم به زنان و مردانی که در سراسر جهان، تحت حکومتهای استبدادی، دلاورانه گام در راه پر خطر اطلاع رسانی و روشننگری گذاشته اند و در این مسیر مورد خشونت و کینه دشمنان نشر آگاهی قرار گرفته اند.

به تازگی سازمان گزارشگران بدون مرز نسبت به وضعیت نامناسب روزنامه نگاران و مطبوعات در جهان گزارش داده و به ویژه نسبت به رو به وخامت داشتن آزادی بیان در ایران هشدار داده است. آقای رضا معینی، مسوول بخش ایران در سازمان مذکور می گوید: "آنچه به عنوان روزنامه مستقل و آزاد در جهان می نامند، ما در ایران نداریم."

مؤوسسه مطالعات رسانه ای (فریدم هاوس) نیز گزارش داده است که در بین ۱۹۵ کشور جهان، مطبوعات ایران به لحاظ برخورداری از آزادی در کنار چین و رواندا در رتبه ۱۸۱ قرار دارند و در بین ۱۹ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا، رتبه هفدهم را دارا هستند.

سال گذشته علاوه بر محکومیت شماری از روزنامه نگاران به زندان و اعدام، بیشتر رسانه ها تحت فشار و سانسور قرار گرفته اند و بر تعداد روزنامه نگاران دستگیر شده افزوده شده است. بیش از ۵۰ روزنامه نگار احضار، بازجویی یا بازداشت شده اند. روزنامه نگاران به اتهام همکاری با "دشمن" به زندان افتاده و نشریه هایشان توقیف شده است.

در تازه ترین نمونه، محکومیت خانم رکسانا صابری، خبرنگار ایرانی-آمریکایی به ۸ سال زندان است که در حقیقت از او به عنوان یک گروگان سیاسی برای

میرحسین موسوی در شوی تبلیغاتی خود روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت در دانشگاه مازندران (بابلسر) ذر برابر سوال دانشجویان در مورد قتل عام زندانیان سیاسی در دوران نخست وزیری او هیچ پاسخی نداد. وی به سوال آیا با تغییر قانون اساسی موافق است، پاسخ منفی داد. وی صراحتاً از قانون اساسی و همه جنایتهایی که تحت لوای همین قانون انجام می شود بیشرمانه دفاع کرده و بر وفاداری خودش به ولایت فقیه تاکید نمود.

در یک فیلم کوتاه که هواداران میرحسین موسوی برای تبلیغ وی درست کرده اند، سرود همیشه ماندگار «آفتابکاران» را با تصاویر موسوی نشان می دهند. این سرقت بی شرمانه از طرف کسانی صورت می گیرد که سالها در ستیز با یک جنگل ستاره بوده اند. سرودی که بسیاری سرها برای سرودن آن به چوبه های دار سپرده و گلوهای بسیاری برای دفاع از آرمانهایی که در این سرود بیان می شود به دست مزدوران و کارگزاران ولایت فقیه در دوره نخست وزیری میرحسین موسوی دریده شده است. زمانی که جنایتکاران شعارهای نسلی شوریده برای تغییر را می دزدند و خواسته های مردمی را به نفع خود رنگ آمیزی می کنند، نشانی از ورشکستگی نظام حاکم و رشد جنبشهای اجتماعی را آشکار می کنند. جنایتکاران در چالش با جنبشهای کارگری، زنان و دانشجویان، دست به چنین دزدیهای بیشرمانه می زنند اما حافظه تاریخ را نمی توان این گونه فریب داد. آفتابکاران را کسی نمی تواند مصادره کند. این سرود کسانی است که با ارتجاع می جنگند و به آزادی و برابری می اندیشند.

آفتابکاران را کسی

نمی تواند مصادره کند

زینت میرهاشمی فراسوی خبر ۱۶ اردیبهشت ثبت نام کاندیداها برای بازی در نمایش انتخابات رئیس جمهوری اسلامی از روز سه شنبه ۱۵ اردیبهشت آغاز شد. پرده هایی از این نمایش قبل از تأیید عروسکهای آن، توسط برخی چهره های خادم ولایت فقیه به روی صحنه برده شده است. نمایش انتخاباتی در حالی کار خود را آغاز می کند که شمار اعدامها، کشتار زندانیان سیاسی و اعدام نوجوانان بیش از هر زمان شدت یافته و نوجوانان زیادی روزی هزار بار در انتظار قصاص در زندان می میرند. عروسکهای این نمایش در برابر این همه جنایت خفقان گرفته و در عمل از این جنایتها دفاع می کنند.

فضا را طوری به تصویر می کشند که گویا انتخاباتی در راه است و نجات دهنده ای در برابر سیمای خشن و درنده احمدی نژاد قصد دارد به صحنه بیاید. بازیگران شرمگین از کلماتی در شوهای تبلیغاتی خود استفاده می کنند که ظاهراً مخالف احمدی نژاد و سیاستهای هستند اما از طرفی دیگر با پر رویی و از ترس موقعیت و منافع خود با تاکید بر سرسپردگی خود به بنیانگذار نظام جهل و نیستی، چاکرمنشی و خوش خدمتی خودشان را به نظم موجود و ادامه آن نشان می دهند.

میرحسین موسوی یکی از عروسکهای است که پس از دو دهه خانه نشینی، دوباره دلش هوای خدمت کرده و از زیر گرد و غبار سالها جنایت سرش را بیرون کرده است.

در زمان نخست وزیری میرحسین موسوی در سال ۶۷ قتل عام زندانیان سیاسی اتفاق افتاد. وی به عنوان مقام مسئول و کارگزار نظام در مقابل این قتل عام در دادگاههای علنی ذیصلاح و عادلانه با حضور وکیلش باید پاسخگو باشد.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم